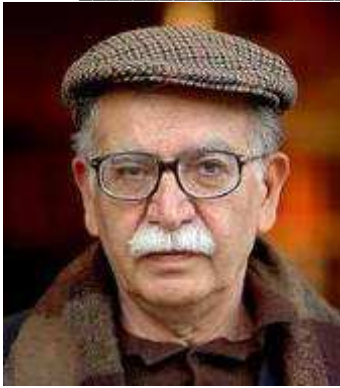


نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

شماره ۳۹۱
دوره چهارم سال سی و چهارم
اول آذر ۱۳۹۶

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



دریغ از فقدان علی اشرف درویشیان

زندانی کردن فعالان کارگری
سرکوب خواسته های کارگران

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

این آخرین تکانه نیست

امید برهانی

صفحه ۵

در این شماره ...

دانشگاه در ماهی که گذشت (آبان ۹۶)

کامران عالمی نژاد... صفحه ۱۰

از زبان کودکان میهنم

م. وحیدی صفحه ۱۲

رویدادهای هنری آبان ماه ۱۳۹۶

فتح الله کیابیها صفحه ۱۳

زان در مسیر رهایی (آبان ۹۶)

اسد ظاهری صفحه ۱۴

کارورزان سلامت (آبان ۹۶)

امید برهانی صفحه ۱۸

چالشهای معلمان در آبان ماه (۹۶)

فرنگیس بایقره صفحه ۲۰

نامه سعید شیرزاد برای محمد نظری

صفحه ۲۱

حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران

زینت میرهاشمی صفحه ۲۲

یادداشت سیاسی

با این کشتی پوسیده

غرق خواهید شد

مهدی سامع

همه روزه شاهد رویدادهایی در جامعه ایران هستیم که هریک به تنهایی خصلت و ماهیت نظام حاکم بر کشور را نشان می دهد و همزمان تواناییهای جامعه برای مقابله با استبداد مذهبی را در مقابل چشم همگان قرار می دهد. حرکتهای اعتراضی و مداوم غارت شدگان با همه ابعاد و شعارهای داده شده در آن، یک نمونه از این رویدادها است. همبستگی تحسین برانگیز مردم سراسر ایران و جامعه مدنی با زلزله زدگان شهرهای کردستان در استان کرمانشاه که به طور مستقل و در تقابل آگاهانه با کل نظام صورت گرفت نمونه برجسته دیگر از این رویدادهاست که در این یادداشت کوتاه بدان پرداخته نمی شود و به جای آن به چند رویداد به ظاهر «حاشیه» ای که «متن» نظام را افشا می کند می پردازم.

یک تن نه چندان غیر خودی اما غریبه

در اوایل ماه گذشته آخوند محمد یزدی از اعضای فقهای شورای نگهبان ولی فقیه اعلام کرد که فقهای این شورا «بر اشکال شرعی فعالیت منتخب زرتشتی شورای شهر یزد به اتفاق آرا رای دادند. این تصمیم قانونی، شرعی، قطعی و غیرقابل تغییر است.» این آخوند جنایتکار که دست درازی در دزدی و چپاول دارد با توپ پُر در گفت و گویی با خبرگزاری حکومتی تسنیم اعلام کرد که این تصمیم «قانونی، شرعی، قطعی و غیرقابل برگشت است و هیچ کس این قانون را نمی تواند برگرداند.» وی در مورد تلاش برای برگرداندن این رای هشدار داد و گفت مخالفت با این رای «مقابله با اصل نظام جمهوری اسلامی ایران است و نظام قطعا در برابر آن می ایستد.»

بقیه در صفحه ۲

علی اشرف درویشیان

فرزند کار، فقر و ادبیات ،

معنای کامل شرف قلم

م. وحیدی صفحه ۷

در باره زنده یاد غلامرضا خسروی

سهیل عربی صفحه ۹

سرمقاله

شکست یک راه حل

آزموده شده و بازگشت

به پیش از ۱۳۹۰

منصور امان

جامعه ایران درگیر دو بحران بزرگ است که هر یک به گونه ای بر شرایط کار و زندگی اکنون و سرنوشت آتی آن تأثیرات تعیین کننده ای دارند. نخست بحران خارجی حکومت است که بدون توقف یا درنگ به سوی تشدید و تیز شدن در حرکت است. بحران مزبور نه فقط مشخصات و ویژگیهای فلاکت بار تحریمهای هسته ای را با خود حمل می کند، بلکه از گنجایش خطرناکی نیز برای کشاندن جنگهای نیابتی حکومت و خرده کشمکشهای نظامی آن به داخل کشور برخوردار است.

بحران دوم، مطالبات جاری و موعظه بخشهای گوناگون جامعه است که طیفی از خواسته های معیشتی - صنفی تا مدنی - دموکراتیک را دربر می گیرد. توده ها خواهان بهبود شرایط زیست و کار خود هستند، مایلند آینده ای روشن برای خود و فرزندان شان داشته باشند، خواستار برکشیده شدن جایگاه اجتماعی خود، به رسمیت شناخته شدن حقوق شان و پایان تحقیرهای، جنسیتی، ملی، دینی، فرهنگی و جز آن هستند. آنها آزادی بیان، آزادی وجدان، آزادی مطبوعات، احزاب و خاتمه یافتن پیگرد و سرکوبی کوشندگان سیاسی و مدنی را مطالبه می کنند.

هر یک از این نیازهای مبرم و خواسته های مشروع با سد سخت حکومت برخورد می کند که در برابرشان صف کشیده و با قهر نظامی و امنیتی به آنها پاسخ می گوید. به این ترتیب جامعه در همان حال که در حصار تنگ استبداد مذهبی برای بقای شایسته و انسانی خود می جنگد، همزمان سایه سنگین تهدیدهای خارجی را که حکومت به این سو تاراند، بر سر خویش احساس می کند.

بقیه در صفحه ۳

بسیاری فراموش کرده اند

مارکسیسم چیست

جانگل وولد

صفحه ۸

برگردان: بابک

پیام شعله پاکروان

صفحه ۲۸

«ما بی شمارانیم و برای سرنوشتی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

با این کشتی پوسیده غرق خواهید شد

بقیه از صفحه ۱

یک عضو دیگر شورای نگهبان برای اثبات قانونی بودن و شرعی بودن این حکم به خمینی متوسل می شود. آخوند مدرسی یزدی می گوید: «با توجه به آنچه از مرحوم امام راحل در صحیفه نور موجود بود که اولین شرط در شوراها اسلام است و تبصره ماده ۲۶ قانون شوراها این مساله را القا می کرد که در نقاطی که اکثریت مسلمانان باشد غیرمسلمان می تواند نماینده باشد در حالیکه بر اساس فرمایش امام نمی تواند مجوز داشته باشد. از نظر فقهای شورای نگهبان هم خلاف شرع تشخیص داده شد طبیعتاً طبق قانون اساسی قانون خلاف شرع قانونیت ندارد.»

به دنبال جدالهای درونی رژیم پیرامون رای شورای نگهبان، منجمله گفته علی لاریجانی که این رای را غیرقانونی اعلام کرد، شیخ محمد یزدی گفت که مجلس «اصلاً حق ورود به آن را ندارد، چون جنبه شرعی مصوبات مجلس هم باید طبق نظر فقهای شورای نگهبان باشد و این فقها باید مصوبات را از جنبه شرعی تایید کنند.»

اما مخالفت با این حکم شورای نگهبان ابعاد گسترده تری پیدا کرد و برخی از افراد باند خامنه ای رای فقهای شورای نگهبان را «غیر موجه و به ضرر نظام» ارزیابی کردند.

در حالی که علی لاریجانی و حسن روحانی با این رای مخالفت کردند، صادق لاریجانی در نقش رئیس قوه قضاییه تحت امر خامنه ای به دفاع از نظر فقها پرداخت و عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در کانال تلگرام خود از موضع رئیس قوه قضاییه در خصوص نظر فقهی اخیر شورای نگهبان درباره سپنتا نیکنام، قردادانی کرد.

در حالی که به اصطلاح شوراها شهر و روستا در کل کشور حدود ۳۰۰ هزار عضو دارد، سپنتا نیکنام که در دوره قبل به عضویت شورای شهر یزد رسیده بود، در این دوره به خاطر زرتشتی بودن، علیرغم همه تعهدات و وابستگیهای او به نظام، از نظر فقهای دست چین شده ولی فقیه در شورای نگهبان، به علت غیر مسلمان بودن، فاقد صلاحیت برای عضویت در شورای شهر اعلام می شود.

اما به نظر می رسد که تیغ فقها کارساز نبوده و عضویت این عضو زرتشتی شورای شهر یزد فعلاً پذیرفته شده است. روشن است که حکم فقها بدون تایید ولی فقیه امکان پذیر نبود و بنابراین تحمیل سپنتا نیکنام را هم باید در چارچوب موقعیت ضعیف خامنه ای در درون باند خودش به طور خاص و در کل نظام به طور عام ارزیابی کرد.

سپنتا نیکنام غیر خودی نیست اما برای ولی فقیه و پابرجاترین دست نشاندگانش غریبه است. یک غریبه در میان بیش از ۲۰۰ هزار می تواند نظام را ضعیف تر از وضعیت کنونی کند. این امر نه به خاطر نقش بی خطر این عضو شورای شهر، که به خاطر شکافی است که در بنیاد ولایت از نظر کارکردی ایجاد می شود. این امر را می توان از خلال صحبتهای یک مبلغ بی دنده و ترمز خامنه ای دریافت.

یک سایت حکومتی که حرفهای پاسدار سعید قاسمی را پوشش داده از قول او می نویسد: «می گم پسرم بالاخره مرجع ات کیه تو این حرفها رو داری می زنی؟ گفت مرجع کیه؟ فقیه کیه عمو جان، مگه ما می توینم تقلید کنیم، تقلید کار میمونه.» (اپارات، ۱۷ آبان ۱۳۹۶) این پاسدار تا مغز استخوان مرتجع و سرکوبگر، در نقش مبلغ بیت خامنه ای رابطه جوانان با ولایت فقیه را با این گفته به خوبی تشریح کرده است.

روز کوروش، توطئه و فتنه

سال گذشته برگزاری تجمع بزرگی در روز ۷ دی در پاسارگاد، آرامگاه کوروش، به صحنه مخالفت تمام عیار علیه رژیم تبدیل شد. این روز در تقویم رسمی جمهوری اسلامی جایی ندارد اما جمع زیادی از زنان و مردان ایران زمین مشتاق حضور در پاسارگاد در روز ۷ دی هستند و به دنبال گردهمایی بزرگ سال گذشته، رژیم تکرار این تجمع در یک منطقه بیرون از شهر را «امنیتی» و از جنس «توطئه و فتنه» ارزیابی کرد.

سال گذشته آخوند حسین نوری همدانی، حضور چند ده هزار تن در کنار آرامگاه کوروش را به سخره گرفت و اعلام کرد که خمینی آنانی که به یاد کوروش بودند را «ضدانقلاب» خوانده است.

رژیم امسال با تمام نیرو درصدد برآمد که مانع این تجمع شود و با لشگرکشی به پاسارگاد و بستن راههای منتهی به محوطه آرامگاه کوروش مانع رفتن به آن محل شد.

رسانه ها و شاهدان صحنه خیر دادند که همزمان با انتشار گزارشها درباره بسته شدن جاده اصلی منتهی به آرامگاه کوروش، امامان جمعه استان فارس شدیداً به برگزاری این مراسم حمله کرده و «اسرائیل و آمریکا» را «حامی» برگزاری این مراسم دانستند.

پاسدار هاشم غیثی، سرکرده سپاه فجر گفت: «سپاه فجر با همراهی دستگاه قضایی و سایر نهادهای انقلابی و امنیتی استان اجازه برگزاری هرگونه برنامه ای با محتوای ضد انقلابی را در فارس نخواهند داد.»

آخوند اسدالله ایمانی، امام جمعه شیراز گفت: «مناسبت جعلی ۷ آبان به عنوان روز کوروش منشا توراتی و اسرائیلی دارد.» (فارس، ۶ آبان ۱۳۹۶)

خبرگزاری مهر روز پنجشنبه ۴ آبان به نقل از «یک مقام امنیتی» ناشناس از احتمال «ایجاد اغتشاش» و «هرج و مرج» در این مراسم خبر داد.

بدین ترتیب رژیم با لشگرکشی بی سابقه به آن منطقه، مانع تجمع در میدان آرامگاه شد، اما مردم زیادی با خودروهای خود و یا پای پیاده در بیرون حلقه محاصره به طور پراکنده تجمع کردند. این کنش تمام قد رژیم به یک مراسم مسالمت آمیز و واکنش مردم، هر دو از جنس رویدادهایی است که به دنبال زلزله سهمگین در استان کرمانشاه اتفاق افتاد.

کنسرت و اینترنت، موریانه هایی به جان

نظام

در نظام «مقدس» و خلافت «مقام معظم» این گونه است که حتی تجمعاتی اجازه دار و در مکانهای سرپوشیده، به وسیله نمایندگان خلیفه بر هم زده می شود و یا اجازه برگزاری به آن داده نمی شود. یکی از این تجمعات کنسرت است که نمایندگان خامنه ای در برخی از استانها اعلام کرده اند که علیرغم اجازه دولت، اجازه برگزاری به آن داده نمی شود.

احمد علم الهدی، نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی در مورد کنسرتها گفت: «نتیجه کنسرتها در تهران و شهرستانها ارائه آهنگ موسیقی برای یک عده کارشناس نیست، بلکه عکس العمل دختران و پسران در برابر این آهنگها هزاران بی بندوباری و ابتذال است که این نقض غرض انقلاب ماست، چون انقلاب فرهنگی ما قرار بود هنر را از ابتذال خارج کند.» (انتخاب، ۴ آبان ۱۳۹۶)

همگان می دانند که در ولایت خامنه ای فساد و منجمله فساد حکومتی آن چنان همه گیر شده که با تلسکوپ هم نمی توان نقطه سالمی در پیکر «نظام

مقدس» پیدا کرد. با این حال عمّله و آکره خامنه ای و مهتر خود او به عنوان سمبل فساد، چپاول و بی رحمی، ریاکارانه دم از تقوا می زند. مردم در مقابل این ریاکاری رژیم را به اشکال گوناگون به چالش می گیرند و این کارگزاران حکومت هستند که مجبورند برای منافع خود تن به برخی از پدیده های جدید مثل اینترنت و شبکه های مجازی دهند.

آخوند محمدجعفر منتظری، بیدادستان کل کشور روز پنجشنبه ۱۱ آبان گفت: «بستن فضای مجازی منطقی و ممکن نیست.» (انتخاب) و آخوند احمد خاتمی در ماه گذشته در شبکه توئیتر عضو شد.

چند دهه پیش رژیم ولایت فقیه با ویدئو به ستیز پرداخت و بگير و بیندهای زیادی در مورد استفاده از ویدئو به راه انداخت. استفاده از ویدئو در جمهوری اسلامی مجاز نبود. آخوند ناطق نوری در همان زمان اعتراف کرد که مبارزه با ویدئو امکان پذیر نیست، چرا که در خانه های خودشان و توسط فرزندان خودشان هم از آن استفاده می شده است.

ستیز رژیم با ماهواره را نیز فراموش نکرده ایم و امروز شاهد آن هستیم که تقریباً تمامی مردم ایران، حتی در دورافتاده ترین نقاط از ماهواره استفاده می کنند.

رَجَز خوانندهای رژیم در مورد اینترنت و طرح مسخره «اینترنت ملی» و صرف هزینه های گزاف برای فیلتر کردن پایگاههای اینترنتی، آن چنان بی حاصل شده که بسیاری از کارگزاران رژیم بدان اعتراف می کنند و مردم به تمسخر حکام می پردازند.

هادی قوامی نماینده مجلس ارتجاع می گوید: «ما امروز و فردا می کنیم، یک بحری درست می شه، همه تویش غرق می شویم، نهایتاً به بن بست می رسیم. ... این منابع به جای این که تبدیل بشه به ریل داره می افته توی چاه ویل.» (رادپو فرهنگ، ۷ آبان ۱۳۹۶)

اخراج یک استاد از دانشگاه آزاد

به گفته جارجیهای نظام، یکی از اساتید دانشگاه آزاد در اراک هنگام تدریس و در حضور دانشجویان به «پیامبر اسلام و سایر مقدسات اسلامی» اهانت کرده است. به دنبال این خبر، علی اکبر ولایتی رئیس هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد طی نامه ای به رئیس واحد اراک از او خواست تا بعد از تحقیق و در صورت اثبات این موضوع، بدون درنگ نسبت به اخراج این فرد اقدام شود.

خبرگزاری فارس در روز ۲۱ آبان ۱۳۹۶ گزارش داد که «بعد از بررسیهای انجام شده و محرز شدن القای اندیشه های الحادی این استاد به دانشجویان در این واحد دانشگاهی، ولایتی روز یکشنبه ۲۱ آبان در نامه ای به عباسعلی حیدری، سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی استان مرکزی واحد اراک دستور داد طی ۲۴ ساعت آینده این استاد از دانشگاه آزاد اسلامی اخراج و از همه سمت های آموزشی و دانشگاهی خلع شود.» این خبرگزاری بر اساس متن حکم اخراج نمونه های اهانت به پیامبر اسلام را چنین ذکر کرده است:

«در اسلام حجاب نداریم، حجاب را شیعه آورده است. اگر پوشش و حجاب می توانست جلوی این فسادها را گیرد که این همه بزهکاری و مشکلات جنسی نداشتیم.»

معلوم نیست در این نظر یک استاد دانشگاه، چه اهانتی به پیامبر وجود دارد که کارگزاران نظام را برآشفته کرده است. به گمانم موضوع اهانت به پیامبر فقط بهانه ای است برای این که هرگونه امکان برای بحث و بررسی پیرامون شرایط کشور غیرممکن شود. رژیم می تواند یک استاد که هیچ امکان دفاع از خود ندارد را از کار محروم کند، اما با توجه به دستاوردهای «انقلاب اطلاعات و ارتباطات» نمی تواند تلاش مردم برای آگاهی و مبارزه برای رهایی را متوقف کند.

شکست یک راه حل آزموده شده و بازگشت به پیش از ۱۳۹۰

یافت، یک توافق پایدار بود و توانست سایه تنش خارجی، تحریمهای اقتصادی، تهدیدات نظامی، مستقیم و نیابتی را به گونه درازمدت از سر کشور و مردمان آن دور کند؟

پاسخ به این سوال منفی است. کمی بیشتر از دو سال پس از اعلام و رسمیت یافتن توافق هسته ای، "نظام" در کانون توافقی یک بحران جدید ایستاده است که دامنه آن می تواند بسا خطرناک تر و خسارت بارتر از بحران پیشین هسته ای باشد. حاکمان کشور از فرصت به دست آمده در نتیجه آتش بس هسته ای، برای برافروختن شعله جنگ دیگری این بار در بُعد منطقه ای سود جسته اند. راهکار هسته ای با تشدید تحرک در "عقبه استراتژیک" جایگزین شده و امکانات مالی و لجستیکی به دست آمده در نتیجه برچیده شدن تحریمها به خدمت آن گرفته شده است. درآمدهای نفتی و سرمایه سیاسی توافق وین، در چاه بی انتهای سوریه، عراق، لبنان، یمن و بحرین سرازیر گردیده و همگام با آن، صف بندی بین المللی علیه ایران دوباره شکل گرفته است.

از فعالیتهای مخرب حکومت پس از توافق وین تنها این نتیجه به دست می آید که در استراتژی تجاوزکارانه، مداخله گرایانه و میلیتاریستی "نظام" که پروژه اتمی نیز در کادر آن قرار داشت، تغییر شگرفی صورت نگرفته. حاکمان کشور هدفهای تعیین شده پیشین را با ابزار و تاکتیک دیگر همچنان پی می گیرند و از مسیری دیگر چونان گذشته به سمت پرتگاه جهت گرفته اند.

آقای روحانی، "اعتدال" و زواید "اصلاح طلب" آن نقش بسزایی در هموار کردن این راه داشته اند. آنها به پهانه خشمگین نکردن باند حاکم و دستیابی به توافق هسته ای، هزینه ماجراجویی هسته ای را برای آن به حداقل کاهش دادند و پوشش لازم را برای فرار آن از مسوولیت و پاسخگویی به جامعه فراهم آوردند. آنها دست در دست آقای خامنه ای و همدستان نظامی و امنیتی اش مانع از پرسشگری مردم و بخشهای فعال جامعه شدند و در پرتو فشار و سرکوبی پرسشگران، حداکثر به غرولند بسنده کردند. توافق هسته ای روی مُرداب گندیده ای بنا شد که جناح میانه حکومت و حاشیه های سیاسی آن نه قصد داشتند و نه می توانستند آن را بخشکانند.

برآمد

امروز جمهوری اسلامی در همان نقطه ای ایستاده است که پیش از در رسیدن خسارت بارترین مرحله بحران هسته ای قرار داشت؛ تفاوت در این است که اکنون جناح میانه حکومت در هراس از قربانی شدن، به دامن عاملان بحران جدید پناه برده است، در دفاع از موشک پرانی و "دفاع از حرم" سینه چاک می دهد، تیغ "اقتصاد مقاومتی" را به جانب مردم گرفته و سپر امنیتی "نظام" علیه جامعه مدنی و کوشندگان صنفی و سیاسی را صیقل می زند.

مدافعان تغییر در درون "نظام"، نه فقط شرایط اقتصادی را بهبود بخشیده اند و نه تنها زنجیرهای اختناق و بی حقوقی را سست نکرده اند، بلکه توده ها را در برابر یک بحران تازه خارجی با پیامدهای فلاتک بار تر برای حقوق مدنی و معاش آنها قرار داده اند. نقشه ها، سیاست و عملکرد آنها این سایه های مخوف را فراخوانده است و به کابوسهای تازه ای جان بخشیده است. چشم انداز "اصلاح نظام" و بیرون کشیدن "مشروطه" از شکم این جنازه، همین در چپه حقیری است که امروز پدیدار شده و پشت آن ویرانی و انحطاط چهره می ساید.

همانگونه که به خدمت گرفتن "اصلاح طلبان" و تبدیل آنها به یک جمع هوراکش کنار میدان، به نقش تازه جناح میانه حکومت رنگ و جلای قوی تری می داد.

همان آتش، همان کاسه

نخستین دوره صدارت جناح میانه حکومت، با ارسال نشانه ای قوی از پشت کردن به وعده های خود آغاز شد. "دولت تدبیر و امید" با عناصر امنیتی، شماری از مهره های باند حاکم و تنی چند تکنوکرات ماکیاولیست چیده شد. در مراسم رای گیری در مجلس مُلاها، نامزدها باید از "فتنه" اعلام برائت و به وفاداری خود به "رهبر" تاکید می کردند. جناح میانه حکومت به مقصد رسیده بود و زیر خیمه باند حاکم بین "اصلاح طلبی" منسوخ و "اصولگرایی" زمینگیر جایی برای خود یافته بود.

چهار سالی که در پی تشکیل کابینه سازش در رسید، این جایگاه را تثبیت کرد. از لیست طولانی برنامه های تبلیغ شده آقای روحانی، فقط وعده رفع بحران هسته ای به گونه جدی پی گرفته شد؛ سیاستی که در کادر "عقب نشینی قهرمانانه" باند حاکم قرار داشت و به طبع به پشتیبانی آن نیز مُتکی بود.

در پهنه "گشایش فضای امنیتی" و "حقوق شهروندی" به جز پیچیده سازی برخی روشهای سرکوبی، تحولی صورت نگرفت و شرایط پیشین در دوره یکدست سازی و "فتنه" تداوم یافت. کیفیت مزبور گردش امور در حوزه اقتصاد و معیشت را نیز تعیین می کرد. توافق با طرفهای خارجی و برچیده شدن تحریمهای مالی و نفتی، گره ای از کار میلیونها کارورز و مُزدبگیر باز نکرد. آنها فقیر تر و گرفتار تر شدند. جریان دلارهای نفتی از سر گرفته شد و با این وجود حذف خدمات دولتی یا گران سازی آنها شتاب بیشتری گرفت. درب بازرگانی خارجی و واردات مواد اولیه و قطعات گشوده شد، رُکود اقتصادی اما برجای ماند و لشکر بیکاران را پُر شمارتر کرد.

فساد حکومتی نه تنها "تدبیر" نشد، بلکه به قلمروهای تازه ای دست یافت. "املاک نجومی"، "حقوقهای نجومی" و غارت سپرده گذران سه نمونه برجسته آن هستند. در کنار این، اشکال پیشین فساد همچون رانت خواری، سوواستفاده از موقعیت، اختلاس، رشوه گیری و رشوه دهی، دستکاری ارزی، پولسازی و مقام سازی برای خویشاوندان و دوستان و جز آن نیز همچنان و با همان وسعت و کارایی همیشگی مورد استفاده پاپوران، دوایر و نهادهای حکومتی قرار می گرفت. پرونده های پیشین فساد در دولت آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، به بایگانی سپرده شده یا همچون پرونده چپاول نفتی دو میلیارد و هشتصد میلیون یورویی آقای بابک زنجانی و اربابانش، به مضحکه و سندن انحطاط قانون و عدالت در جمهوری اسلامی بدل گردیده است.

وین فقط یک آتش بس موقت

براین اساس و در یک برآورد کلی، دولت آقای روحانی را دولتی تنها با یک دستور کار می توانست دانست و آن سامان بخشیدن به عقب نشینی هسته ای و رهانیدن گریبان "نظام" از پنجه استخوانی تحریمهای فلج کننده است. کارنامه آقای روحانی در این زمینه مثبت است، اما آیا توافقی که او در وین بدان دست

بقیه از صفحه ۱
برای چیرگی بر این دو بحران راه حلهای گوناگونی پیشنهاد می شود که هسته اصلی آنها یا در کادر نظام حاکم، گنجایش، امکانات آن و تمایلات نیروهای درون اش قرار دارد، یا به فاکتورها، نیروها و ظرفیتهای بیرون از سیستم موجود مُتکی است. جناح میانه حکومت و زیرمجموعه "اصلاح طلب" آن، مُبلغان راه حل نخست هستند و در این میان با در دست داشتن دولت و دستگاه اجرایی و یافتن فرصت برای مادی ساختن ادعاهای خود، به جایگاه مُجریان اصلاح حکومت نیز ارتقا یافته اند. بنابراین پُرسش این است که آیا آنها می توانند یا می خواهند تهدیدات خارجی را بر طرف و مطالبات شناور در سطح جامعه را به ساحل تحقق برسانند؟ و فراتر از آن، آیا از درون دژ رژیم ولایت فقیه، راهی به سوی بیرون رفت وجود دارد؟

واقعی ترین پاسخ به این سوال را رویکرد و رفتار مادی نمایندگان چنین راه حلی آرایه می دهد.

... زیر نام اعتدال

جدیدترین دور ادعای اصلاح رژیم جمهوری اسلامی با شکست سهمگین "نظام" در تحقق پروژه اتمی اش همگام است. جناح میانه حکومت که توانسته بود به نقش کارگزار هسته ای حاکمیت برای فیصله دادن بحران و رهانیدن آن از جنگ تحریمهای مالی و نفتی فراز یابد، زیر تابلوی "اعتدال" پا به این میدان گذاشت. آنها وعده می دادند که با شراکت شان در قدرت، "فضای بسته امنیتی" گشوده خواهد شد، زنان حقوق بیشتری خواهند داشت، چتر پادگان از سر دانشگاه برداشته می شود، روزنامه نگاران، نویسندگان، هنرمندان مُحترم شمرده می شوند، به "حصر" خاتمه داده می شود، با فساد حکومتی مبارزه می شود و جُز آن.

در پهنه کار و زندگی طبقات اصلی جامعه، آنها قول می دادند که با حل و فصل مساله هسته ای، تنش در مَناسبات خارجی حکومت کاهش می یابد و در پی آن فشارهای ناشی از تحریمها و بیرون ماندن "نظام" از بازار جهانی از سر راه کسب و کار کنار می رود. جناح میانه حکومت نوید می داد که با توافق هسته ای، دوران ریاضت اقتصادی هم خاتمه خواهد یافت، مُزد به جیب و نان به سفره باز خواهد گشت، بخش خصوصی امکان رقابت خواهد یافت، برای انبوه بیکاران فرصتهای شغلی جدید ایجاد خواهد شد، درآمدهای نفتی و پولهای توقیف یا بلوکه شده صرف زُدودن آثار تحریمها و گشودن تنگناهای ناشی از آن می شود و جُز آن.

جناح میانه حکومت این وعده ها و دستور کار احتمالی را در پروژه ای که نام "اعتدال" بر آن گذاشته است، به عنوان کالایی تازه به بازار سیاست جمهوری اسلامی آرایه کرد. آنها توسط این نام توضیح می دادند که در نقطه ای بین باند غالب ولایت فقیه و باند مغلوب "اصلاح طلبان" قرار دارند و عناصری از برنامه های هر دو را حمل می کنند.

به این ترتیب پروژه "اعتدال" تلاش می کرد به حکومت که در نتیجه خیزشهای ۸۸ از تعادل خارج گردیده بود، توازن بخشد و عقب نشینی هسته ای آن را با پایین ترین هزینه اجتماعی ممکن به سرانجام برساند. باز یافت شعراهایی که "اصلاح طلبان" در برآوردن آنها مردود شده و به عبارتی توخالی تبدیل گردیده بودند، به خوبی در کادر این هدف قرار داشت،

زندانی کردن فعالان کارگری، سرکوب خواسته های کارگران

زینت میرهاشمی



وجود کارگرانی مانند محمود صالحی فعال کارگری، رضا شهبایی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (سندیکای واحد)، اسماعیل عبدی، عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، محمود بهشتی لنگرودی، سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، ابراهیم مددی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، داوود رضوی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و فعالان دیگری مانند جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده و زنده یادان شاهرخ زمانی و محمد جراحی... که حبسهای طولانی کشیده اند، نوعی گروگان گیری فعالان کارگری برای ایجاد ترس و جلوگیری از گسترش جنبش کارگری برای دستیابی به حقوق بنیادین کار است. شکنجه و آزار و دستگیریهای فعالان کارگری و سندیکایی که برای حقوق خود در شکل مسالمت آمیز مبارزه می کنند نشان دهنده بالندگی و آگاهی جنبش کارگری در برابر استبداد حاکم است. اگر نظام سرکوبگر کمی دستش را از گلوئی کارگران بردارد، این جنبش تبدیل به رودی خروشان، جنبشی همگانی و پیش برنده خواستههای کارگران خواهد شد. بر این منظر، مقاومت فعالان کارگری و سندیکایی بر سر خواسته های خود، گونه ای همآوردی با نظم ظالمانه سرمایه داری و ارتجاع حاکم و حامی آنها است.



با قدرت گیری استبداد مذهبی در قامت رژیم ولایت فقیه است که جایگزین قانون کار مصوب سال ۱۳۳۷ شد.

قانون کار که در دیکتاتوری مذهبی و در فقدان مناسبات دموکراتیک و نبود تشکلهای کارگری، سندیکاها و اتحادیه های کارگری و... میان بگو مگوهای مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان زیر نظر خمینی به تصویب رسید، حقوق بنیادین کار که حقوقی جهانشمول و ثبت شده در سازمان جهانی کار است را نادیده گرفته است. به حساب نیاوردن حقوق بنیادین کار در قانون مصوبه توسط نهادهای ارتجاعی ولایت فقیه، اولین تهاجم وسیع و همه جانبه به دستاوردهای جنبش کارگری ایران از شکل گیری روابط کارگر و کارفرما در ایران تا کنون است. این قانون برای طبقه کارگر ایران بسیار عقب افتاده تر از قانون کار مصوب سال ۱۳۳۷ است.

حقوق بنیادین کار که می بایست بعد از سرنگونی دیکتاتوری شاه و نقش برجسته کارگران و مزدبگیران به ویژه کارگران نفت در این رویداد، به نفع کارگران تغییر داده شود، به نفع امنیت ارتجاع ولایت فقیه و استثمار بیشتر در قالب ریاضت کشی تغییر یافت.

تشکل یابی مستقل، حق ایجاد سندیکاها و اتحادیه های کارگری مستقل، حق اعتصاب، آزادی بیان و حق اعتراض از جمله حقوق بنیادی و به رسمیت شناخته شده در پیمان نامه های سازمان جهانی کار که ایران هم عضو آن است، از همان ابتدا در قوانین دست ساخته ولایت فقیه به رسمیت شناخته نشده است.

سیر رویدادها پس از شکل گیری قدرت ارتجاع مذهبی، از سیاستهای خصوصی سازی (سپردن مالکیت دولتی به خودیها، آقازاده ها و رانت خوران) تا شکل گیری اقتصاد خصولتی (شبه دولتی)، از فساد حکومتی و قدرت گیری سرمایه داری انگلی مالی و رانت خواری تا اقتصاد مقاومتی خامنه ای، اقتصاد ایران را دچار بحران عمیق ساختاری کرده و به طبع این مسیر مخرب مانع رشد جنبش کارگری و ارتقای سطح درآمد و زندگی کارگران و مزدبگیران ایران شده است.

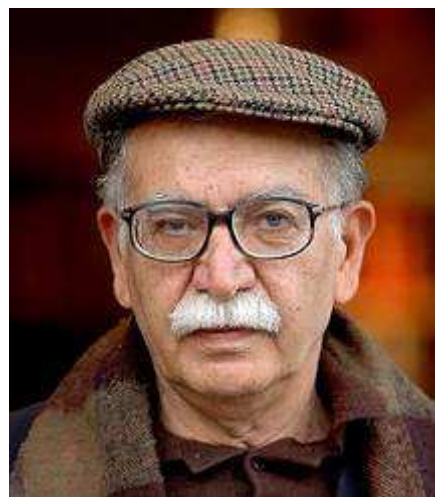
شیوه تعیین دستمزد و جایگزینی روابط استاد شاگردی به جای اجرای قانون کار، ناخوانی تعیین دستمزد، عدم پرداخت مزد کارگران، نقش سازمان تامین اجتماعی در خالی کردن جیب کارگران به نفع فاسدان در قدرت و تغییرات داده شده در قانون کار از جمله خارج کردن کارگاههای زیر ۱۰ نفر شاغل از شمول قانون کار، تسهیل اخراج کارگران، گسترش قراردادهای سفید کاری، تبدیل قراردادهای دائمی به قراردادهای موقت که در شرایط فعلی ۹۵ درصد قراردادهای کاری را تشکیل می دهد، گسترش تبعیض جنسیتی در بازار کار، افزایش کودکان کار در کارگاهها، خیابانها، یازیافت زباله ها و... همه اینها مواردی هستند که طی بیش از سه دهه بر کارگران و مزدبگیران در ایران تحمیل شده است.

دستگیری و به قُل و زنجیر کشیدن فعالان کارگری و فعالان سندیکایی، شلاق زدن کارگران شرکت کننده در اعتصاب و اعتراضهای کارگری، دادن حبسهای طولانی به فعالان کارگری همراه با آزار و شکنجه و محرومیت درمان و بهداشت و... از جمله مواردی است که ناقض حقوق بنیادین کارگران و مزدبگیران است.

دریغ از فقدان

علی اشرف درویشیان

مدافع محرومان و رنجبران



در ماه گذشته قلب تپنده یکی از برجسته ترین نویسندگان ادبیات کارگری بازایستاد. علی اشرف درویشیان، یار و حامی محرومان و ستمدیدگان، زبان کودکان بی پناه و عضو کانون نویسندگان ایران روز پنجشنبه ۴ آبان ۱۳۹۶ به علت بیماری ما را ترک کرد.

درویشیان طی دوران زندگی پُر بار خود لحظه ای از تلاش برای رساندن صدای بی چیزان و سرکوب شدگان نیاسود. او نویسنده ای در جبهه کار علیه سرمایه و مبارزی از اردوی عدالت و سوسیالیسم بود. وی در مبارزه برای آزادی بیان و در مخالفت با سانسور همواره پیشتاز بود و برای همین مورد پیگرد و آزار دژخیمان رژیمهای شاه و شیخ قرار داشت.

نبردخلق و به ویژه بخش کارگری آن درگذشت رفیق فراموش ناشدنی، علی اشرف درویشیان را به خانواده او، به جامعه فرهنگی، به کارگران، محرومان و کودکان رنج و کار و به مبارزان راه آزادی و پیکارگران جبهه ضد استبداد دینی تسلیت می گوید.

سرنوشت قانون کار

روز دوشنبه ۲۹ آبان، بزرگداشت ۲۷ سالگی تصویب قانون کار جمهوری اسلامی توسط گردانندگان تشکل دولتی و فرمایشی خانه کارگر برگزار شد. علیرضا محجوب، نماینده رژیم در مقام دبیرکلی این تشکل فرمایشی گفت که دست کسانی که «خواهند قانونی به ضرر کارگر بنویسند» را قطع خواهد کرد. اگر قرار باشد که حرف این پایور رژیم به کرسی بنشیند، در گام اول باید دست خودش، ولی فقیه و همه کارگزاران حکومتی از حکومت و سرنوشت مردم قطع شود که طبقه کارگر و مردم محروم ایران را به چنین روزی انداخته اند.

قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ برآمد دوره ای از رویدادها و تحولات بعد از انقلاب ضد سلطنتی همراه

این آخرین تکانه نیست

امید برهانی



تقریباً هر روز خبری از زلزله در یکی از شهرهای کشورمان می‌شنویم.

براساس آمارهای منتشر شده از سوی مرکز زمین شناسی ایران، تمام شهرهای بزرگ کشور بر روی گسلهای قدرتمند و یا حوالی آنها قرار گرفته‌اند و از ۶۷۸ شهر کشور فقط ۲۰ شهر از نظر زلزله کم خطر بوده و اکثر روستاهای کشور نیز با وقوع زلزله با شدت ۵ درجه ریشتر و شهرها با زلزله ۶ درجه ریشتر به شدت آسیب می‌بینند.

با وقوع زمین لرزه در غرب کشور، بار دیگر نظر کارشناسان، رسانه‌ها و مسوولیت‌ناشناسان به این حادثه طبیعی، به ویژه در کلان‌شهرها جلب شده است.

"۱۴۰ هزار هکتار از مساحت شهری کشور، بافت فرسوده، تاریخی و حاشیه‌نشین است"، این خبر را مجید روستا، عضو هیات مدیره شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، اعلام کرد و عنوان داشت که بیش از ۱۹ میلیون نفر در این بافتها در سطح کشور زندگی می‌کنند که عمده آنها نیز بافتهای فرسوده و سکونت‌گاههای غیر رسمی است.

جدا از تمام مشکلات و حواشی بافتهای فرسوده، جان بیش از ۱۹ میلیون انسان در پی وقوع بلایای طبیعی همچون زلزله، سیل و یا حتی یک باران شدید در خطر است.

زیاد دور نیست؛ فروردین سال گذشته زمین لرزه‌هایی با شدت زلزله غرب کشور و بسیار مشابه زمان و شرایط رخداد آن، در ژاپن رخ داد. طبق آمار و اطلاعات به دست آمده، کمتر از ۵۰۰ نفر زخمی و کمتر از ۲۰ نفر در این حادثه کشته شدند.

اگر دقیق‌تر به این مشکل بسیار خطرناک که گوشه‌ای دردناک از آن در زلزله شدید غرب کشور، کرمانشاه و سر پل ذهاب به نمایش در آمد نگاه کنیم، ۲۵ درصد جمعیت کشور هم اکنون در معرض خطر هستند. آیا کسی از زمان زلزله بعدی در کشور و مکان آن خبر دارد؟ کدامیک از پاپوران حکومتی متولی و مسوول پیگیری رفع مشکل بافتهای فرسوده هستند؟ وظیفه دولت و وزارت راه و شهرسازی به عنوان تنها نهاد تخصصی متولی شهرسازی و بافتهای فرسوده در کنار شهرداریها به عنوان نهادهای محلی پیگیر امور شهرسازی چیست؟

بحث و پیش بینی علمی

مقیاس ریشتر برای اندازه‌گیری شدت زمین لرزه است که میزان انرژی آزاد شده در زلزله را نشان می‌دهد. مقیاس ریشتر بر اساس لگاریتم بوده و براساس بیشترین مقدار جابه‌جایی افقی در کانون زلزله که توسط دستگاه لرزه نگار ثبت شده مشخص می‌شود.

ویرانی در سرزمین سوخته

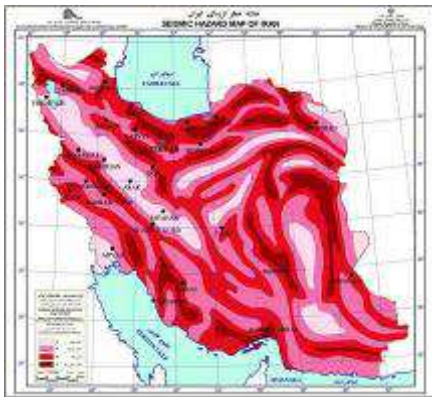
براساس مطالعات زمین شناسی، به زمین ایران از طریق صفحه عربستان فشار وارد شده و انرژی در زمین ایران جمع شده و خیلی عادی است که همیشه در ایران زلزله داشته باشیم که البته قدرت غالب آنها کم است.

میزان انرژی رسیده به هر نقطه از سطح زمین علاوه بر میزان انرژی آزاد شده در مرکز زلزله به مجموعه عواملی نظیر فاصله از مرکز، جنس خاک و... بستگی دارد، از همین رو خسارتهای وارده در زمین لرزه‌های دارای درجه یکسان ممکن است بسیار متفاوت باشد، در نتیجه ریشتر مقیاس کاملی برای توصیف همه جانبه زمین لرزه نیست.

منوچهر قریبی، کارشناس زمین شناسی و عضو هیات علمی پژوهشکده علوم زمین سازمان زمین شناسی، در این باره می‌گوید: "تخریب منازل در اثر زلزله بستگی به بافت زمین و پی ساختمان هم دارد. ساخت و ساز بر روی سفره‌های آب زیر زمینی و دامنه‌های پرشیب می‌تواند مخرب بودن زمین لرزه‌ها را افزایش دهد."

عباس علی تسنیمی، رییس پژوهشگاه بین‌المللی زلزله شناسی، معتقد است اکنون نمی‌توان آمار مشخصی در مورد مقاومت ساختمانهای ایران در برابر زلزله‌ها ارائه داد. او می‌افزاید: "معمولاً در ساختمانهای مهندسی ساز حتی در زمین لرزه‌های ۶ تا ۶ و نیم ریشتر هم خرابی رخ نمی‌دهد."

اگر نگاهی به نقشه گسلهای ایران بیندازید، متوجه می‌شوید که ایران کشوری کاملاً زلزله‌خیز بوده و گسلهای زیاد دارد.



انوشیروان انصاری، عضو هیات علمی پژوهشکده زلزله شناسی، در این باره می‌گوید: "تمام گسلهای ایران فعال هستند، به خصوص گسلهای رشته کوه البرز و رشته کوه زاگرس."

بنابراین اگر این روزها به طور مرتب خبر زلزله‌های کمتر از ۶ یا ۵ ریشتر را می‌شنوید، باید بدانید که این امر برای کشور ایران با این تعداد گسل امری طبیعی به حساب می‌آید.

تسنیمی می‌گوید: "استانهای تهران، سمنان، اصفهان، آبادان، مناطق نزدیک به دریاچه ارومیه، دریاچه قم و بخشهایی از کویر مرکزی بر روی گسلهای خطرناک قرار دارند. شاید بتوان گفت که فقط منطقه‌ای از دشت خوزستان و چند منطقه کوچک دیگر از زلزله در امان است."

مهمترین زمین لرزه‌های ایران

مهمترین زمین لرزه‌های بزرگ ایران در صد ساله گذشته از این قرار بوده‌اند:

- در سال ۱۲۸۸ در منطقه سیلاخور زمین لرزه‌ای با شدت ۴/۷ ریشتر به وقوع پیوست که هشت هزار کشته و ۶۴ تخریب روستا را به همراه داشت.

بقیه در صفحه ۶

افزافه شدن هر یک درجه به شدت زلزله، انرژی آزاد شده آن را تقریباً ۳۱٫۶ برابر بیشتر می‌کند.

زلزله‌های به شدت کمتر از ۴ ریشتر، بارها در طول ماه و حتی در یک روز اتفاق می‌افتند، اما اغلب توسط انسان حس نمی‌شوند و خطری نیز به همراه ندارند. در مقابل، زلزله‌های بالای ۶ ریشتر چندان شایع نیستند.

براساس پژوهش "راجر بیلهام" از دانشگاه "کلرادو" و "ریکا بندیک" از دانشگاه "مونتانا"، پیش بینی می‌شود که وقوع زلزله‌های بزرگ و ویرانگر در سال ۲۰۱۸ افزایش خواهد یافت. دلیل این امر، کاهش سرعت چرخش زمین به دور خود است.

به گفته بسیاری از دانشمندان سرعت حرکت وضعی زمین به طور متناوب در حال کاهش است و این کاهش سرعت دلیل محکمی بر افزایش وقوع زمین لرزه‌های بزرگ است. دانشمندان در این مورد هشدار داده‌اند که تغییرات در سرعت حرکت وضعی زمین می‌تواند فعالیت‌های لرزه‌ای شدید را به ویژه در مناطق بسیار پرجمعیت گرمسیری ایجاد نماید.

پژوهش بیلهام و بندیک که به نشست سالانه انجمن زمین شناسی آمریکا ارائه گردید، به ارتباط بین چرخش زمین و همچنین فعالیت‌های لرزه‌ای در ماه می پردازد.

بیلهام اعلام کرد که ارتباط بین چرخش زمین و وقوع زمین لرزه، بسیار تنگاتنگ است و همین امر باعث می‌شود تا تعداد زلزله‌های بزرگ و شدید در سال آینده افزایش یابد.

مطالعات آنها وجود پنج دوره زمانی که در مقایسه با زمانهای دیگر، تعداد زلزله‌های شدید در آنها بیشتر بوده را نشان می‌دهد.

بیلهام می‌گوید که در این دوره‌ها بین ۲۵ تا ۳۰ زلزله قدرتمند در سال به وقوع پیوسته است. به گفته وی این آمار در بقیه زمانها به طور متوسط حدود ۱۵ زمین لرزه در سال بوده است.

این محققان سعی کردند تا رابطه بین این دوره‌ها، فعالیت‌های لرزه‌ای شدید و سایر عوامل را بررسی و کشف کنند. براساس مطالعات آنها وقتی سرعت چرخش زمین کمی کاهش یابد، وقوع زلزله‌های بزرگ نیز امکان پذیر خواهد شد.

تحقیقات این دو دانشمند نشان می‌دهد که طی ۱۵۰ سال اخیر، وقتی زمین با کاهش سرعت چرخشی مواجه شد، یک دوره زمانی نزدیک به ۵ ساله از وقوع زلزله‌های ویرانگر شکل گرفت.

این نتایج به دست آمده بسیار مهم هستند، زیرا چرخش زمین، کمی بیش از چهار سال پیش، یکی از کاهشهای دوره‌ای خود را آغاز کرده است.

به گفته بیلهام، سال آینده شاهد تعداد قابل توجهی زلزله‌های بزرگ و شدید خواهیم بود. وی می‌افزاید که سال جاری نسبت به سال آینده، سالی ایمن است، زیرا تاکنون فقط حدود ۶ زمین لرزه شدید اتفاق افتاده است. براساس تحقیقات این محققان، در سال ۲۰۱۸ حدود ۲۰ زلزله شدید جهان را خواهد لرزاند.

البته پیش بینی دقیق محل وقوع این زمین لرزه‌ها دشوار است، با این حال، بیلهام و بندیک اعلام کردند که بیشتر زلزله‌های بزرگ و شدیدی که به دلیل تغییرات در طول روز هستند، در نزدیکی خط استوا اتفاق خواهند افتاد.

باید یادآور شد که جمعیتی نزدیک به یک میلیارد نفر در مناطق گرمسیری زمین زندگی می‌کنند.

این آخرین تکانه نیست

بقیه از صفحه ۵

- در سال ۱۳۰۹ زمین لرزه ای با شدت $4/7$ ریشتر سلماس را لرزاند که باعث کشته شدن ۲۵۱۴ نفر و تخریب ۶۰ روستا شد.

- شهر لار در سال ۱۳۳۹ با یک زمین لرزه $7/6$ ریشتری لرزید که ۴۰۰ نفر در این حادثه کشته شده و ۷۵ درصد شهر نیز تخریب شد.

- زمین لرزه بوئین زهرا نیز با شدت $2/7$ ریشتر و ده هزار کشته در سال ۱۳۴۱ به وقوع پیوست.

- در سال ۱۳۴۷ نیز زمین لرزه ای به بزرگی $4/7$ ریشتر دشت بیاض را لرزاند که منجر به کشته شدن ۱۰۵۰۰ نفر و تخریب ۶۱ روستا شد.

- در سال ۱۳۵۱ منطقه قیر با زمین لرزه $9/6$ ریشتری لرزید و ۴۰۰۰ نفر را به کام مرگ برد. - در سال ۱۳۵۶ خورگو با ۷ ریشتر لرزید که در آن ۱۲۸ نفر کشته شدند.

- زلزله طیس با شدت $7/7$ ریشتر در سال ۱۳۵۷، ۱۹۶۰۰ کشته و تخریب ۱۶ روستا را به دنبال داشت.

- در سال ۱۳۵۸ هم قائن با شدت $1/7$ ریشتر لرزید که در اثر آن ۱۳۰ نفر جان باختند.

- سال ۱۳۶۰ سیرج با شدت $4/7$ ریشتر به لرزه درآمد و ۱۳۰۰ نفر کشته شدند و ۸۵ درصد شهر هم تخریب شد.

- رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹ با شدت $4/7$ ریشتر لرزید که ۳۵۰۰۰ نفر کشته به جا گذاشت.

- بیرجند هم در سال ۱۳۷۶ با شدت $3/7$ ریشتر لرزید و ۱۵۰۰ نفر کشته بر جای گذاشت.

- در سال ۱۳۸۱ هم اوج در اثر زمین لرزه با خسارات زیاد در شهر و روستاها روبه رو شد. شدت زلزله اوج $6/6$ ریشتر بود.

- بم در سال ۱۳۸۲ با قدرت $5/6$ ریشتر با خاک یکسان شد که ۴۱ هزار نفر در اثر آن جان باختند.

- زلزله بعدی در سال ۱۳۸۲ در فیروزآباد با شدت $2/6$ ریشتر روی داد که منجر به ریزش کوه و خسارات شد.

- زرنده هم در سال ۱۳۸۳ با شدت 6.4 ریشتر لرزید که در پی آن ۱۰ روستا تخریب و ۶۱۲ نفر جان سپردند.

رودبار و بم، تجربه های دردناک

زمین لرزه رودبار و منجیل و زمین لرزه بم از بزرگترین و مخرب ترین زمین لرزه های ایران در چند دهه اخیر است.

به گزارش پایگاه ملی داده های علوم زمینی، روز پنجشنبه ۲۱ خرداد ماه سال ۱۳۶۹، ساعت ۲۰ دقیقه و ۱۳ ثانیه بامداد در استان گیلان زلزله ای دهشتناک رخ داد. کانون آن در عرض جغرافیایی 36 درجه و 49 دقیقه و در طول جغرافیایی 49 درجه و 24 دقیقه و 51 ثانیه برآورد شده است. برابر داده های اعلام شده اولیه، شدت آن بین 7.3 تا 7.7 درجه در مقیاس ریشتر بود. این رویداد در ناحیه رودبار، منجیل و لوشان در بخش باختری البرز سبب کشتار نزدیک به ۳۵ هزار نفر، مجروح شدن ۶۰ هزار نفر و بی خانمانی بیش از ۵۰ هزار تن شد. در این واقعه حدود ۲۰۰ هزار واحد مسکونی تخریب شد که تعداد ۶۰ هزار واحد از آن به کلی ویران شده بودند و خسارات اولیه ناشی از زلزله بیش از ۸۰۰ میلیارد ریال تخمین زده شد. در این حادثه ۴ روستا در منطقه "اشکور" رودسر بر اثر ریزش کوه ارتفاعات "کلیشم" عمارلو و شکاف عمیق در دل خاک دفن شدند. در قسمت میانی شهر رودبار، مشرق رودخانه سفیدرود، دره ای عمیق وجود داشت که آب کوههای "کولون"

و "لازباد" و چشمه ای مرتفع در آن جاری بود. در اثر وقوع زلزله کوههای اطراف منتهی به این دره که پوشیده از درختان زیتون به بار نشسته بود، به طول یک کیلومتر به سوی جاده و رودخانه سپیدرود پیشروی کرد. همراه این جابه جایی، نزدیک به ۲۵ هزار اصله درخت جابه جا و به کوهی از خاک و درخت تبدیل شد. این زلزله خسارات اقتصادی معادل $2/5$ در صد تولید ناخالص ملی وارد نمود. مطالعه و واریسی عوارض برجا مانده از این زلزله نشان داده است که عمق کانونی این زمین لرزه در ژرفای ۱۹ کیلومتر زیر سطح زمین واقع شده بود. گسل آن در روی سطح زمین نیز به گونه سه تکه ناپیوسته با سیمای نردبانی در طولی نزدیک به ۸۰ کیلومتر با فاصله آشکار شده بود.

زمین لرزه بم ۵ دیماه ۱۳۸۲ (۲۶ دسامبر ۲۰۰۳) در ساعت $5:26:26$ به وقت محلی در شهر تاریخی بم در جنوب شرقی کشور و در جنوب شرقی کرمان رخ داد. این زلزله در ساعات آغازین بامداد که اکثر ساکنان بم خواب بودند، اتفاق افتاد که این مساله را می توان به عنوان یکی از عوامل تشدید تلفات جانی در نظر گرفت. آمار تلفات رسمی بیش از ۲۵ هزار نفر و مجروحان حدود ۵۰ هزار نفر اعلام گردید. بیش از صد هزار نفر نیز بی خانمان شدند.

کانون زمین لرزه - بر اساس اطلاعات کسب شده از لرزه اصلی و پس لرزه ها توسط لرزه نگارها و شتاب نگارهای مستقر در بم - در محدوده شهر بم واقع بوده است. بر اساس بررسیهای انجام شده، بخشی از گسل بم که از کنار شهر بم عبور می کند، در این زلزله فعال شده است.

تهران در ماه ۴۰۰ بار می لرزد

بر اساس پیش بینیها و تحقیقات صورت گرفته، وقوع زلزله در تهران، هم به خاطر بافت ساختمانی و عمرانی و هم به خاطر موقعیت زلزله خیزی آن، خسارات بسیاری را به دنبال خواهد داشت. همین موضوع مطالعات، کارشناسی، تمهیدات و آموزشهای لازم را بیش از پیش ضروری می کند.

اولین زلزله ثبت شده در تاریخ در شهر تهران مربوط به ۴۰۰ سال پیش از میلاد است که با شدت $6/7$ ریشتر ری و ایوانکی را لرزاند.

در زیر به برخی زمین لرزه های بزرگ و مخرب تاریخ تهران و نواحی آن بر اساس منابع اینترنتی و به تاریخ خورشیدی اشاره می شود:

- در سال ۱۲۲ شرق شهر ری با شدت $2/7$ ریشتر - در سال ۲۳۴ شهر ری با شدت $1/7$ ریشتر - در سال ۲۳۷ ری - طالقان - شمیران $7/7$ ریشتر - در سال ۵۵۶ ری - کرج - قزوین $2/7$ ریشتر - در سال ۱۰۴۴ دماوند با $5/6$ ریشتر - در سال ۱۲۰۹ دماوند - شمیران با شدت $1/7$ ریشتر

محمد تاتار، مدیر گروه زلزله شناسی و استادیار پژوهشکده زلزله شناسی، می گوید: "زلزله ها با ریشترهای کم خیلی زیاد است. در تهران به شعاع ۸ کیلومتری، هر ماه ۴۰۰ لرزه ثبت می شود.

نقشه بالا نشان می دهد که تهران در محاصره گسلهاست و به گفته انوشیروان انصاری، عضو هیات علمی پژوهشکده زلزله شناسی، همه جای تهران در معرض خطر است. وی می گوید: "گسل مشا و ری قابلیت زلزله ۷ ریشتری را هم دارند و این قدرت می تواند تمام مناطق تهران را درگیر کند."

نظارت و فساد

منصور ضیایی فر، رییس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور می گوید: "۷۰ درصد از مناطق کشور زلزله خیز هستند. در ۲۰ سال اخیر در زمینه ساخت و سازهای شهری و شهرسازی پیشرفتی نشده و از دستاوردهای علمی به خوبی استفاده نمی شود و به همین دلیل نمی توان ادعا کرد که میزان پیشرفت در ساخت و سازهای استاندارد شهری هم مناسب بوده است. در حال حاضر ساختمانهای مسکونی و سازه های شهری با کمترین نظارت ممکنه در حال ساخت هستند و بدون رعایت آیین نامه های شهرسازی، سازه های نامن و وضعی در کشور ساخته می شود که در مقابل زلزله و حوادث غیر مترقبه هیچگونه استحکامی از خود نشان نمی دهند.

رییس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان کردستان هم با اشاره به اینکه نبود برنامه مشخص در طرحها و پروژه های شهری، تصمیم گیریهای ساخت و ساز را سخت می کند، بیان کرد: "نیازهای شهری برجسته است و نبود سه عامل عدم وجود طرح جامع شهری، عدم تخصیص منابع بهینه و عدم تصمیم گیری درست رسیدن به جامعه، هدف را به تعویق می اندازد."



محمدرضا قیطانچی، رییس بخش زلزله شناسی و عضو هیات علمی موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، می گوید: ساخته شدن شهرها و روستاها روی گسله ها، حالتی بحرانی است و تنها کاری که در این زمینه انجام شده، ایجاد تیمهای مدیریت بحران است، اما به عقیده من بحران را نمی شود مدیریت کرد. زمانی که پس از زلزله تمام شهر و زیرساختهای آن در لحظه ای تخریب می شوند و همزمان تمام فجایع دست به دست هم می دهند، کدام قدرتی می تواند این مدیریت را انجام دهد؟"

او می افزاید: "باید سعی کنیم بحران را از بین ببریم که دیگر نیازی به مدیریت بحران نباشد. این بحران یکشنبه یا یکساله به وجود نیامده. ده ها سال هر بساز و بفروشی با سلیقه خودش ساختمان ساخته و به مردم فروخته است و خیلی هم برایش مهم نبوده که چقدر این ساختمان در برابر زلزله ایمن باشد، به خصوص اینکه نظارتی هم در این زمینه وجود ندارد. الان ساختمانها اگر خراب شوند، کسی به سازنده ساختمان به عنوان مجرم کاری ندارد. از طرف دیگر، بخش قابل توجهی از ساختمانهای ما فرسوده هستند و به یک برنامه جدی با روشهای تشویقی برای نوسازی نیاز دارد. باید به فکر مقاوم سازی باشیم که ممکن است حتی به بازسازی یا نوسازی هم بینجامد."

منابع: (اقتصاد نیوز - تکرانو - ایلنا - پورتال شهرداری قم - فردا - پایگاه خبری تحلیلی انتخاب - خانه ی ملت

علی اشرف درویشیان فرزند کار، فقر و ادبیات، معنای کامل شرف قلم

م. وحیدی

زندگی توده ها ارائه داده، با صداقتی سوسیالیستی و در قالب رأیسم اجتماعی نگاهی دیگرگونه به انسان، جامعه و جهان داشته باشد.

زندگی درویشیان از نوشته هایش جدا نبود، اغلب نوشته های او تجربیات خودش بود و این چنین به کشف واقعیات جامعه اش می پرداخت.

علی اشرف پس از طی دانشسرای مقدماتی و اخذ لیسانس ادبیات و فوق لیسانس روانشناسی تربیتی و حدود ده سال کار معلمی در روستاهای، از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ به سبب نوشتن مجموعه قصه "از این ولایت" و فعالیت سیاسی سه بار دستگیر و سرانجام از شغل معلمی برکنار و اخراج شد. او در سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد و سپس برای همیشه خانه نشین اش کردند.

وی ۲۰ عنوان کتاب چاپ شده دارد و در مواردی با نام مستعار "لطیف تلخستانی" منتشر شده است. از جمله کتابهای او رمان چهار جلدی "سالهای ابری" است که به نوعی یک فرهنگ غنی گردی محسوب گردیده و در آن از لغات، اصطلاحات، تعبیّرات و آداب و رسوم کرمانشاهی استفاده کرده است. رمان "همیشه مادر"، "مجموعه قصه درشتی"، "افسانه ها و منتهای گردی"، "یادمان صمد بهرنگی"، "خاطرات صفرخان"، "آشوران"، "سلول ۱۸" و... است و در زمینه کودکان و نوجوانان "رنگینه"، "همراه آهنگهای بابام"، "کی برمی گردی داداش جان" و ... است.

فرهنگ ۱۹ جلدی افسانه های مردم ایران (با همکاری رضا خندان مهابادی) کاری حقیق و با ارزش و از مهم ترین آثار وی محسوب می شود.

علی اشرف درویشیان سالها از فعالان کانون نویسندگان و عضو هیات دبیران آن بود و به عنوان داستان نویس پیش کسوت ایرانی توانست به پاس تعهد بی چون و چرا به آزادی بیان و نگه داشتن حریم قلم از دستبرد قدرت، دهمین جایزه ادبی هوشنگ گلشیری را از آن خود کند. هم چنین در سال ۲۰۰۷ میلادی، جایزه حقوق بشر "هلمن همت" و جایزه نخست "گلاویز" در جشنواره فرهنگی کردستان عراق، به وی اختصاص یافت.

علی اشرف درویشیان به همان گونه بود که در مورد محمد مختاری گفت: "جوانمرد، شریف و با شهامت زیست و در راه حق و عدالت و احقاق حقوق انسانها قلم زد. جان و اندیشه او زنده است."*

*سخنرانی علی اشرف درویشیان در بزرگداشت محمد مختاری



گفتارشان آزاد هستند و دست و پاشان هنگام نوشتن بسته نیست ...

کتاب با صد هزار تیراژ در ترکیه منتشر می شود ... دو روزنامه اشان "جمهوریت" و "ملیت" در ترکیه با چهار میلیون تیراژ منتشر می شود ... اینست که آنها جایزه نوبل را می برند ...

"اورهان پاموک" تیراژ کتاب هاش میلیونی ست ... ولی ما در یک جامعه بسته هستیم ... و سانسور لطمه زیادی به ما زده است ... در حالی که ادبیات ما هزار برابر ترکیه به لحاظ تاریخی غنی تر است ... ما اینجا گرفتار شده ایم ..."

نابرابری و واقعیات تلخ جامعه، موزیک متن زندگی او بود و به وی انگیزه نوشتن می داد. آثار او مانند "صمد بهرنگی" ساده و روان، بی تکلف و به خواننده چرات نویسنده شدن می دهد. هیچ دروغ و تصنعی در آن نیست و اعتقادش را در جای جای کلمات می توان حس کرد. او توانست محتوا و فرم را منطبق با

"من به دنیا با زیبایی نگاه می کنم و عقیده دارم دنیا آنقدر زشتی دارد که ما زشت ترش نکنیم . هنر باید زندگی را زیبا کند." (علی اشرف درویشیان ۱۳۳۰-۱۳۹۶)

علی اشرف درویشیان یکی مردم ترین و تاثیرگذارترین نویسندگان و پژوهشگران معاصر مطرح میهن مان درگذشت. او راهنما، همکار، دوست و عاشق زحمتکشان و رنجبران (و به تعبیر خودش چریکی فرهنگی) بود که پس از حدود نیم قرن قلم زدن و تلاش بی وقفه در برای عدالت و آزادی، زندگی را وداع گفت.

علی اشرف هم چون "ماکسیم گورکی" از کودکی و نوجوانی در دانشکده های رنج و زحمت برای گذران زندگی به تکاپو و تلاش پرداخت، کارگر ریخته گری شد، باغبان شد، بنایی کرد، پاربر شد، شاگرد آهنگر شد و از تهیدستان آموخت و صدای رسای رنجدیدگان، محرومان و از پا افتادگان در هنر و ادبیات شد.

اگرچه آثار او در دون ظام شیخ و شاه سانسور شده و بعضا با ممنوعیت مواجه گردید، اما وی هیچگاه ایمانش را نسبت به مردم که همواره تکیه گاهش بودند را از دست نداد.

درویشیان در مصاحبه ای علت نوشتن اش را این گونه توضیح می دهد:

"مسایلی را که اتفاق می افتاد و دل مرا به درد می آورد، تا زمانی که به صورت داستانی در نمی آوردمش دلیم آرام نمی گرفت. اینها باعث می شد در دوران معلمی، بادیدن بچه های فقیر و بی چیز و زحمتکش و حوادثی که برایشان رخ می

داد و به خاطر نبودن آزادی جایی منعکس نمی شد، به صورت یک داستان بگویم تا جامعه ما بداند که در کجا زندگی می کند و در چه شرایطی بسر می برد."

از دیدگاه او، اختناق و سانسور بزرگترین مانع رشد هنر و ادبیات و اصلی ترین سد راه تکامل جامعه است. در این مورد نوشت:

"نسل امروز ما، نسل جوان ما، نسل بسیار مستعد و باهوشی است. داستانهای زیادی برای من فرستاده می شود، یا به ملاقات من می آیند و برابم می خوانند، می بینم که جوانها چه استعداد شگرفی دارند و رو به تحول و پیشرفت هستند. اما یک مانع بزرگ جلوی راه آنهاست و آن "سانسور" است...حتی در بنگلادش و ترکیه، سانسوری که در ایران هست وجود ندارد. این است که نویسندگان بزرگشان در این کشورها جایزه نوبل می برند، چون در تصویر کردن زندگی و

بسیاری فراموش کرده اند مارکسیسم چیست

جامعه شناس، "دوید هرش" (David Hirsh) در این گفتگو توضیح می دهد که چگونه موضع یهودی ستیزی در چپ بریتانیا و به ویژه در "حزب کارگر" به رهبری "جرمی کوربین" (Jeremy Corbyn) عادی شده است و چه ارتباطی با انتخاب دونالد ترامپ و "برکسیت" دارد.

در سالهای گذشته برخوردهای یهودی ستیزانه حزب



کارگر بیشتر رسانه ای شده، چرا که پیرامون رهبری حزب اتفاق می افتاد. یکی از بسیار مثالها: پرونده "ناز شا" (Naz Sha) که در حقیقت یک استثنا است. زیرا این نماینده حزب کارگر در پارلمان گفته خود در صفحه فیس بوک اش مبنی بر اینکه اسرائیل باید به آمریکا نقل مکان کند را پس گرفته بود، تا اینکه شهردار سابق لندن، "کن لیوینگستون" (Ken Livingstone)، وظیفه خود دید که از او دفاع کند، با وجود اینکه شا عذرخواهی کرده و از حزب اخراج شده بود.

لیوینگستون نه فقط ادعا می کند که اخراج شاو نتیجه یک کارزار هماهنگ لابی اسرائیل برای تخریب حزب کارگر بوده، بلکه می گوید هیتلر از صهیونیسم حمایت می کرده تا اینکه "عقلش را از دست داد شش میلیون یهودی را کشت". شمار رفتارهای یهودی ستیزانه در صفوف حزب کارگر به رهبری کوربین آنچنان تکان دهنده بود - دستکم 20 مورد - که نخست وزیر وقت، "دوید کامرون" (David Cameron)، در بخش سووال پارلمانی به آن پرداخت. این امر می توانست موقعیت کوربین را به طور جدی به خطر اندازد. حزب کارگر اما زیرکانه به این سخنان واکنش نشان داد و خواستار انجام یک "تحقیقات درونی" در باره موضوع "یهودی ستیزی و نژاد پرستی در حزب کارگر" شد.

چرا شما با این تحقیقات مشکل دارید؟

خیلی ساده به این دلیل که تحقیقات مزبور نتیجه گیری می کند که حزب کارگر مشکلی به نام یهودی ستیزی ندارد. من یک آدم خوش باور هستم و با خود فکر می کردم "شامی خاکربارتی" (Shami Chakrabarti) که مامور تحقیق شده، در گذشته نسبت به طرح این مشکل تفاهم نشان داده پس همه چیز خوب پیش می رود. او از اعضای حزب خواستار مقالات و دیدگاههای خود در این باره شد و من و بقیه امیدوار شدیم که این نظریات در تحقیقات جدی گرفته می شود. در انتها از این تحقیقات نتیجه ای به دست نیامد. خاکربارتی از به رسمیت شناختن ابعاد سیاسی مساله خودداری کرد و به این سووال نپرداخت که تا چه اندازه یهودی ستیزی با افزایش موارد برخوردهای یهودی ستیزانه مرتبط است. او به سادگی از این مساله عبور کرد. در گزارش تحقیقات، از برخوردهای یهودی ستیزانه زیر عنوان رویدادهای تاسف برانگیز پراکنده یاد شده و کم رنگ می شوند. از "افراد نامطلوب" سخن رانده می شود و مقایسه صهیونیستها با نازیها "غلط" و نه یهودی ستیزانه

بقیه در صفحه ۹

که یهودی ستیزی را محکوم می کند، اما حماس و حزب الله را "دوست" می نامد و راست پوپولیست، ترامپ، که نتوانزهای "شارلوت ویل" (Charlottesville) را محکوم می کند، اما همزمان از "آدمهای خوبی" که همراه آنها تظاهرات می کنند دفاع می کند، وجود دارد.

می توانید به طور فشرده بگویید که موضع

یهودی ستیزی چگونه در بریتانیا نزد چپ

عادی شده؟

من دانشگاهی هستم و در دهه هشتاد در جنبش دانشجویی که رویکردی بسیار یهودی ستیز داشت، فعال بودم. ما در همان زمان هم از صهیونیسم ستیزهای مشهوری مانند "موشه ماخور" انتقاد می کردیم، اما در جریان چپ رادیکال در حاشیه قرار داشتیم. در سالهای ۲۰۰۳/۲۰۰۴ اتحادیه خود من، اتحادیه دانشگاه و کالج، دست به تلاش برای بایکوت دانشگاهیان اسرائیلی زد. من این مساله را مورد توجه یافتم و پیش خود فکر کردم "ما به طور باز و آزاد در باره یهودی ستیزی بحث می کنیم. مدافعان بایکوت را به حاشیه می رانیم و مساله پایان خوبی برای همه پیدا می کند".

اما جریان به گونه دیگری پیش رفت. در سالهای پس از آن، منتقدان یهودی ستیزی به طور دوفاکتو از اتحادیه اخراج شدند. درگیری البته دیگر علنی نبود، اما در انجمنهای اینترنتی ادامه یافت و جنس تند و خشنی داشت. همکاران به طور شخصی متهم به راست و نژادپرست بودن می شدند؛ اتهامی که به خوبی می توانست موقعیت دانشگاهی متهم را به خطر بیندازد. من خودم از بحثهای عمومی در باره این موضوع کنار گذاشته شدم. صفوف چیده شده بود، ما مدافعان نژادپرست اسرائیل بودیم و آنها مدافعان حقوق بشر.

چرا این درگیری در اتحادیه تا این اندازه

اهمیت داشت؟

دانشگاهیان بریتانیای امروز نقش مهمی در کمپین جهانی تحریم اسرائیل (بی.دی.اس) بازی می کنند. من در کتابم درگیری در اتحادیه را به طور کامل تشریح کرده ام. زیرا آنچه که آنجا روی داد، برای من نشانه ای از آنچه بود که بیرون از پهنه دانشگاهی نیز اتفاق افتاد. زمانی که کوربین در سال ۲۰۱۵ به دبیرکلی حزب کارگر انتخاب شد، ارزیابی ام را تأیید شده یافتم.

آیا صعود جرمی کوربین را در ارتباط مستقیم

با مدارای فزاینده در چپ بریتانیا با یهودی

ستیزی می دانید؟

این تنها زاویه صعود او نیست، اما یک زاویه مهم از آن هست. کوربین یک پیشینه طولانی از سیاست صهیونیسم ستیزی دارد. او مدافع بایکوت دانشگاهی بود، از کارزار "جنگ را متوقف کنید" حمایت می کرد و مجری تلویزیون انگلیسی زبان ایران، "پرس تی وی" بود.



جانگل وردل

برگردان: بابک

دیوید هرش جامعه شناس و سر ادیتور کالج "گلداسمیت" (Goldsmith) دانشگاه لندن است. او همچنین از بنیانگذاران کمپین "مداخله" برای مبارزه با فراخوانهای یهودی ستیز بایکوت در دانشگاههای بریتانیا است. به تازگی کتاب هیرش به نام "چپ یهودی ستیز معاصر" (Contemporary Left Antisemitism) منتشر شده است.

کتاب شما به نام "چپ یهودی ستیز

معاصر" در تابستان امسال انتشار یافت.

چرا کتابی در باره ضد یهودی ستیزی چپ

نوشته اید، آنهم در دوره ای که راست قدرت

می گیرد؟

من زمان زیادی روی این کتاب کار کردم. به دلایل زیادی کار روی آن بیشتر از آن که مایل بودم طول کشید؛ از جمله به دلیل ایزوله ای که به خاطر فعالیتیم علیه گرایشهای یهودی ستیز در محافل آکادمیک با آن روبرو بودم. هنگامی که در آستانه اتمام کار بودم، جرمی کوربین دبیرکل حزب کارگر شد. زیر رهبری او نمایندگان حزب کارگر در پارلمان به طور مکرر به یهودی ستیزی دست زدند. رسانه ها شروع به گزارش دهی در این باره کردند و بسیار از خود پرسیدند: "چطور ممکن است که چنین چیزی در یک حزب چپ اتفاق بیافتد. مگر چپ در تعریف ذاتی خود ضد نژادپرستی نیست؟"

آیا به چشم شما راست ضد یهودی امروز

اهمیت کمتری دارد؟

تبلیغات کلاسیک فاشیستی یهودی ستیز در بحثهای عمومی سیاسی اهمیتش را از دست داده است. در جریان کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ، من بسیاری از آنچه را که در کتابم در باره چپها توصیف کرده بودم، نزد راستها مشاهده کردم. مبارزه انتخاباتی ترامپ بسیاری از اشکال چپ یهودی ستیزی را به جریان غالب راست منتقل کرد. یک مشخصه مهم از این دسته آن است که مواضع مزبور هرگز به گونه مشخص بیان نمی شوند و از این رو به مجرد اینکه مورد نقد قرار گیرند، به سادگی تکذیب پذیر هستند. افزون بر این، شباهتهایی بین چپ پوپولیست، کوربین،

بسیاری فراموش کرده اند مارکسیسم چیست

بقیه از صفحه ۸

توصیف می گردد. و سرآخر - مساله او هم همین بود - خاکرآبارتی از حزب ستایش کرد که با شهامت به این مشکل پرداخته. تحقیقات از ابتدا یک نمایش بیهوده بود.

شما مقالاتی که در تحقیقات ملاحظه نشده را گردآوری کرده و از آنها یک کتاب و فیلمی به نام "سفید شویی شده" * (Whitewashed) تهیه کردید. به چه چیزی می خواستید دست یابید، مخاطبان تان چه کسانی بودند؟

اعضای یهودی حزب کارگر مانند "روث اسمیت" (Ruth Smith) که از گزارش مزبور به خشم آمده و با روزنامه نگاران در باره اش گفتگو کردند، به همدستی با رسانه های راست متهم شدند. ما اعضای یهودی حزب با این سرزنش کم و بیش مستقیم روبرو بودیم که به طور واقعی عضو حزب نیستیم، بلکه ماموران یک توطئه راست هستیم که هدفش تخریب حزب است. هدف "سفید شویی شده"، دادن صدا به اعضای است که برآند گزارش خاکرآبارتی آنها را نمایندگی نمی کند.

آیا جرمی کوربین کانون مشکل در حزب کارگر است؟

نه، مشکل را نمی توان به یک فرد مشخص محدود کرد. رویکردهای کوربین و زندگینامه سیاسی او اما به روشنی نشان می دهد که چگونه یک بخش بزرگ از چپ، هویت رادیکال خود را از کانال یهودیها و راست و نژادپرست خواندن کسانی که از او انتقاد کرده و انگشت روی این مشکل گذاشته اند، تعریف می کند.

آیا کارزار "برکسیت" در تحول حزب نقش داشت؟

به طور مستقیم نه. همچون مبارزه انتخاباتی دونالد ترامپ، نژادپرستی و بیگانه هراسی در کارزار "برکسیت" هم انکار می شد. بسیاری از مدافعان "برکسیت" اگر نژادپرست خوانده می شدند. این سرزنش را کوششی برای خاموش کردن صدای کسانی می دانستند که احساس می کنند طبقه سیاسی حاکم آنها را نمایندگی نمی کند. "برکسیت" بیان سرخوردگی و خشم و مشروعیت زدایی از نهادهای دموکراتیک اروپایی و بریتانیایی بود.

کوربین همچنین از این خشم سرچشمه می گیرد. اکثریت مدافعان "برکسیت" اگرچه راست هستند، اما در میان آنها بسیاری نیز به حزب کارگر رای می دهند، چون گفتن علیه طبقه ممتاز را حرف دل خود می دانند. این یک روایت توخالی است که راست و چپ پوپولیست را به یکدیگر پیوند می دهد و دارای یک کد یهودی ستیزانه است. کارورزان سفیدپوست طبقه کارگر خشم خود علیه طبقه ممتاز جهان شهری را به زبان می آورد و در این کلام، آشکارا نژاد پرست و به طرافت یهودی ستیز است. "طبقه ممتاز جهان شهری" که مسوول بروز این خشم شناخته می شود، متهم می گردد که با هدفهای بدخواهانه طبقه کارگر را نژادپرست می نامد. به این طریق ضد نژادپرستی

گفتن قدرتمندان و نژادپرستی گفتن محرومان می شود. این یک تحول مخرب است.

در فیلم مستند شما یکی از مصاحبه شوندهگان می گوید: "چگونه می شود فردی موجودیت یک ملت را نفی کرده و آنگاه مدعی باشد که نژاد پرست نیست؟" این یک سوال ساده است، چرا پاسخ به آن تا این اندازه پیچیده است؟

درست همینجا کانون مشکل چپ یهودی ستیز است. من فکر می کنم صهیونیسم ستیزها در این امر تناقضی نمی بینند، چون منکر می شوند که اسرائیل یک ملت است. آنها صهیونیسم را یک پیکره شر، نژادپرست و هر آنچه که بتوان به آن نسبت داد می دانند. آنها مصمم هستند که با یک ایده مبارزه کنند و طوری رفتار می کنند که گویا درگیر بحث با صهیونیستهای دهه بیست قرن گذشته هستند. آنها سیاست تنابهاو را با کتاب "تودر هرترسل" (Theodor Herzls) که در سال ۱۸۹۶ نوشته شده مرتبط می کنند، گویی که شرایط مادی زندگی یهودیان در جهان هرگز تغییر نکرده، گویی هولوکاست هرگز وجود نداشته، گویی در بسیاری از شهرهای خاور نزدیک و میانه تصفیه نژادی علیه یهودیان صورت نگرفته. بسیاری از اینان به سادگی فراموش کرده اند که مارکسیسم چیست و با یک سیاست ناب اخلاقی دست به نقد می شوند.

در باره ترم "نو یهودی ستیزی" که هر روز بیشتر از آن یاد می شود چه نظری دارید؟

من با رغبت از این تعریف استفاده نمی کنم. هر یهودی ستیزی، یهودی ستیزی که پیش از او وجود داشته را رد می کند. "ویلهلم مار" (Wilhelm Marr) در اواخر قرن نوزدهم می گفت، یهودی ستیزی مسیحی در واقع مضحک است، اما باید مشکلاتی که یهودیها ایجاد می کنند را نیز درک کرد. به همین سبک آنچه "نو یهودی ستیزی" خوانده می شود می گوید: "معلوم است که ما مخالف یهودی ستیزی قدیمی، فاشیستی و به عبارتی، یهودی ستیزی واقعی هستیم. همزمان اما این یهودیان و صهیونیستها هستند که مسوول جنگ و فلاکت و بسیاری شرهای دیگر هستند."

من مایلم در این رابطه بیشتر از ترم "یهودی ستیزی معاصر" که عنوان کتابم هم هست، استفاده کنم. اگرچه می شود در باره تیر کتاب بحث کرد، در هر صورت اما در باره این موضوع صحبت می شود. من شکایتی ندارم.

پانویس:

* Boycott, Divestment and Sanctions

(بایکوت، عدم سرمایه گذاری و تحریم) یک کارزار بین المللی است که هدف خود را انزوای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دولت اسرائیل قرار داده. 171 نهاد غیر دولتی فلسطینی، گروههای همبستگی و شماری از شخصیتهای مشهور از این کارزار حمایت می کنند. برخی از نمایندگان کارزار، موجودیت اسرائیل را نفی کرده و خواهان برچیده شدن آن هستند. دانشمندان علوم سیاسی هدفهای این کارزار ضد صهیونیستی را اغلب در طبقه بندی یهودی ستیزی هم قرار می دهند. (ویکی پدیا)

* <https://www.youtube.com/watch?v=te684rBHZA>

سهیل عربی در باره زنده یاد غلامرضا خسروی

زندانی سیاسی سهیل عربی در گرامیداشت غلامرضا خسروی نوشته کوتاهی منتشر کرده که متن کامل آن توسط پایگاه خبری «نه به زندان نه به اعدام» به اطلاع عموم رسیده است.



متن نامه:

غلامرضا رفت و حسرت ماند

تا دیر نشده علیرضا را نجات دهید.

فراشر (فراتر از بشر) اصطلاحی است که از آن برای معرفی آنان که از خود و منافع فردی خود می گذرند تا جامعه و سرزمین شان را نجات دهند استفاده می کنند.

در نگاه سطحی شاید شبیه؛ اما در نگاهی عمیق تر فراشر مورد نظر من با (over mench) ابرانسان نیچه، (super ego) فراخود یونگ، کاشفان فروتن شاملو و نظیر اینها متفاوت است.

فراشرها نه ظالمند و نه مظلوم؛ بلکه با ظلم و فساد می ستیزند. حتی اگر به قیمت از دست دادن دارایی؛ آزادی و جانشان تمام شود.

در عصر ما که بسیاری از فعالان سیاسی دغدغه ای جز بازگشت بر سر سفره انقلاب و حفظ شرایط موجود را ندارند؛ فراشرها به شدت کمیاب شده اند و از دست دادن هر کدام شان به ویرانگران زادگاه مان قدرت بیشتری می دهد تا با خاطری آسوده جنایت و غارت کنند.

بهمن ماه ۱۳۹۲ پس از تحمل دو ماه انفرادی و بازجوییهای تحت شکنجه در قرارگاه تارانه ۲ - الف به بند ۳۵۰ اوین اتاق یک منتقل شدم.

زنده یاد غلامرضا خسروی نخستین فردی بود که به استقبال آمد، با آن لهجه شیرین آبادانی اش نام و دلیل دستگیری ام را پرسید، گفتم کا گالیله را می شناسی؟! من سهیلشوم، لیخندی زد و خواست بیشتر توضیح دهم. ادامه دادم جرم من روشنگری است. در حین کردن خرافات بودم مقالات انتقادی می نوشتم و ترجمه می کردم می خواهند اعدام کنند.

دستم را گرفت و گفت رفیق به زخمهای روی تنت قسم که این حکمها حکم وحشتند، می شکنند. منم ۳۶ ماه را در انفرادی گذراندم و اکنون ششمین سال است که تحت حکم اعدام حبس را تحمل می کنم. اما ناامید شدن ما آرزوی آنهاست. باید به مبارزه ادامه دهیم. سختیها می گذرد و اوین برایت دانشگاه خواهد بود. درسهای خواهی آموخت که در هیچ دانشگاه دیگری تدریس نمی شود.

بقیه در صفحه ۱۲

دانشگاه در ماهی که گذشت (آبان ۹۶)

کامران عالمی نژاد

تاکنون هم به عنوان رییس این دانشگاه. سابقه او در دانشگاه بوعلی باعث بدگمانی و نگرانی دانشجویان شده است.

در پیشینه کاری او می توان به این موارد برخورد: مانع تراسی بر سر راه تشکلهای صنفی دانشجویان، آزار دانشجویان به خاطر پوشش، احضار و توییح دانشجویان تحول خواه به کمیته انضباطی و تهیه فهرست نام آنان، تفتیشهای بی ضابطه و فراقانونی، سختگیری و اعمال سانسور بر کانون فیلم و تئاتر دانشگاه بوعلی و میزبانی برنامه های انجمن علمی و علوم سیاسی در این دانشگاه، برخوردهای سلیقه ای و توقیف نشریات دانشجویی.

به این سوابق می بایست مرگ مشکوک سحر چوینی، دانشجوی ۱۹ ساله اهل مریوان، در خوابگاه دانشگاه بوعلی همدان در سال ۹۲ را هم افزود. در آن زمان دانشجویان در اعتراض به این مرگ مشکوک تجمع کرده بودند.

اعتراض همزمان در سه دانشگاه به انتخاب منصور غلامی



دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و پلی تکنیک در تهران و دانشگاه بین المللی قزوین روز سه شنبه ۱ آبان در اعتراض به معرفی منصور غلامی به مجلس به عنوان گزینه پیشنهادی برای تصدی وزارت علوم تجمع کردند. یکی از شعارهای دانشجویان معترض این بود: "آقای روحانی! وزارت علوم جای مردودین دانشگاه نیست."

تجمع اعتراضی در دانشگاه تهران و اعلام مطالبات

دانشجویان دانشگاه تهران در پی فراخوان به تجمع در روز ۶ آبان، در مقابل دانشکده فنی گرد آمدند. دانشجویان شعار می دادند: "تشکل وابسته، نمی خواهیم"، "احضار دانشجویان محکوم است، محکوم است"، "دانشجوی زندانی، آزاد باید گردد"، "تدبیر این وزارت، علم است یا تجارت"، "دولت اعتدالی، سفره ما شد خالی".

دانشجویان در پایان این گردهمایی بیانیه ای منتشر کرده و خواسته های خود را به این صورت اعلام داشتند:

افزایش اعتراضها علیه روحانی در دانشگاه



حسن روحانی منصور غلامی را به عنوان وزیر پیشنهادی علوم معرفی کرد. در اعتراض به این گزینه ۱۴۲ تشکل دانشجویی هوادار دولت نیز بیانیه ای منتشر ساختند.

روز شنبه ۲۹ مهر، حسن روحانی در نامه ای رسمی، منصور غلامی و رضا اردکانی را به عنوان وزیران پیشنهادی علوم و نیرو به مجلس معرفی کرد. ساعاتی پیش از این معرفی نامه، دهها تشکل دانشجویی هوادار دولت بیانیه ای اعتراضی خطاب به روحانی نوشته بودند. یک روز قبل نیز کاربران شبکه های اجتماعی در واکنش به گزینش احتمالی غلامی، هشتگ #دانشگاه_تنهاست را در مخالفت با این انتخاب به راه انداختند.

تشکلهای دانشجویی با یادآوری وعده های روحانی برای تغییرات ساختاری در دانشگاهها و کلاهی مندی از معرفی رییس دانشگاه بوعلی سینای همدان برای تصدی مقام وزارت علوم گفته اند: "باید پرسید مدیریت وعده هایتان را به چه کسانی می سپارید؟ به آنهایی که در کارنامه خود برخوردهای سلبی با دانشجویان داشته اند و در آزمون دانشگاه مردود شده اند؟ به آنهایی برای کسب این جایگاه هر دم به رنگی درمی آیند؟ مرتجعانی که هرچند با ظاهری مقبول، در پی آرامش پادگانی و محدودیت نهادن بر آزادی در این نهاد حیاتی اند؟"

امضاکنندگان این بیانیه گفته اند که با وجود ناملایمتهایی چون احضار و بازداشت فعالان دانشجویی، تعطیلی نهادهای اصیل و باسابقه، بستن راه بر فعالان دانشجویی و سنگ اندازی در مسیر تحقق آرمانهای جنبش دانشجویی، جذب غیرعلمی و غیراستاندارد هیاتهای علمی، خانه نشین کردن اساتید برجسته، تلاش در جهت انحراف مسیر آموزش عالی با رویکرد پولی کردن آن و گسترش فارغ گونه مراکز پولی غیراستاندارد، به وعده های او خوشبین بوده اند.

دانشجویان در این بیانیه خواهان زدودن فضای امنیتی از دانشگاهها، دادن مجوز فعالیت به تشکلهای دانشجویی، لغو محرومیتهای تحصیلی دانشجویان ستاره دار، حفظ استقلال دانشگاه، مقابله با پولی شدن آموزش عالی و کلاهی شدن دانش و مبارزه با مدرک گرایی شده اند.

منصور غلامی؛ یک پیشینه سرکوبگرانه

منصور غلامی که در آغاز قدرت گیری رژیم جمهوری اسلامی در چهار سازندگی فعالیت داشته، در رشته باغداری تحصیلات خود را به پایان رسانده و همواره در دانشگاه بوعلی همدان مشغول کار بوده است؛ ابتدا به عنوان رییس دانشکده کشاورزی و از سال ۹۳

۱- تلاش وزارت علوم در جهت الغای سریع و بی چون و چرا "طرح کارورزی فارغ التحصیلان دانشگاهی"

۱- افزایش ظرفیت روزانه، توقف گسترش ظرفیتهای دانشگاه ها و انحلال پردیسهای بین الملل

۲- بازگرداندن فضاهای دانشگاهی به دانشجویان و دانشگاهیان و توقف واگذاری این فضاها به بخش خصوصی

۴- پوشش کامل خدمات و یارانه دولتی در بخش غذا و اسکان دانشجویان

۵- بازگرداندن نمره پایان نامه های دانشجویی در مقطع کارشناسی ارشد

۶- افزایش سنوات مجاز تحصیلی و بازگرداندن آن به وضعیت پیشین

۷- حذف برخوردهای امنیتی در پاسخ به مطالبات و اعتراضات دانشجویان

۸- اعطای مجوز به ایجاد تشکلهای دانشجویی دگراندیش و مستقل از جناحهای قدرت

۹- بازگشت دانشجویان ستاره دار و محروم از تحصیل به دانشگاهها

۱۰- بازگرداندن حق تحصیل برای همه قومیتها و مذاهب

۱۱- از بین بردن تبعیضهای جنسیتی و جغرافیایی در گزینش دانشگاهی

۱۱- تصحیح آیین نامه های تشکلهای و به ویژه شوراهای صنفی و حذف موادی که در سالهای اخیر به آیین نامه اضافه شده و تضعیف قدرت شوراها را در پی داشته

۱۲- ارایه مجوز برای "اتحادیه شوراهای صنفی کشوری" در جهت افزایش توان مداخله گری شوراهای صنفی و هماهنگی بیش تر در طرح مسایل صنفی دانشجویان

تجمع دانشجویان در اعتراض به عقب ماندگیهای دانشکده فنی فومن

جمع زیادی از دانشجویان دانشکده فنی فومن برای دومین روز متوالی در اعتراض به عقب ماندگیهای دانشکده و پاسخگویی نبودن مدیران به مطالبات دانشجویان تجمع کردند. این تجمع روز یکشنبه ۷ آبان برگزار شد.

از جمله موارد اعتراضی دانشجویان رفتار توهین آمیز با برخی دانشجویان و اساتید، رسیدگی نکردن به مشکلات زیرساختی دانشکده، تخصیص ندادن بودجه مالی مناسب برای فعالیت تشکلهای، نادیده گرفتن تشکلهای دانشجویی، استقلال نداشتن آموزش دانشکده از آموزش پردیس مرکزی، پایین آمدن سطح علمی اساتید و نداشتن توانایی در جذب است.

روز چهارشنبه ۱۰ آبان، دانشجویان دانشکده فنی فومن در اعتراض به وضعیت اسفبار آموزشی و اجرایی برای بار سوم در این دانشکده تجمع کردند

دو دانشگاه وابسته به سپاه پاسداران در لیست تحریمهای امریکا

خزانه داری امریکا، روز سه شنبه ۹ آبان شماری از مقامها و شرکتهای متعلق یا مرتبط به سپاه پاسداران را در فهرست تحریم قرار داد. این تحریمها بر اساس "قانون مقابله با دشمنان امریکا از طریق تحریمها" (Countering America's Adversaries Through Sanctions Act)، مشهور به "کاتسا" اعمال شده است.

دانشگاه در ماهی که گذشت (آبان ۹۶)

بقیه از صفحه ۱۰

بنا به قانون مزبور، داراییهای این افراد و شرکتهای در آمریکا بلوکه شده، شرکتهای و افراد آمریکایی امکان معامله با آنها را نداشته و افراد مزبور امکان ورود به آمریکا را نخواهند داشت. در کنار ۱۹ شرکت و موسسه وابسته به این نیروی نظامی و امنیتی که شامل تحریمهای آمریکا شده اند، نام "دانشگاه امام حسین" و "دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله" نیز به چشم می خورد.

انحلال واحد دانشگاهی به دلیل نداشتن نمازخانه آقایان

ظهر روز سه شنبه ۹ آبان، شماری از دانشجویان واحد "نبیا" دانشگاه علمی کاربردی با تجمع در مقابل وزارت علوم، نسبت به انحلال این مرکز اعتراض کردند.

یکی از شرکت کنندگان در این تجمع گفت: "در حالی که بیش از یک ماه از آغاز سال تحصیلی جدید گذشته، دانشگاه علمی کاربردی بدون اطلاع قبلی حکم انحلال واحد "نبیا"ی این دانشگاه را صادر کرده و به همه دانشجویان واحد اعلام شده که برای ادامه تحصیل به دانشگاه علمی کاربردی واحد "مو" منتقل شوند."

وی افزود: "دانشگاه علمی کاربردی به دلایل غیر منطقی نظیر نبود نمازخانه آقایان، نبودن کیفیت آموزش، مهارت نداشتن اساتید و نداشتن کد مدرسی این واحد را منحل کرده و کد مدرسی اساتید را غیرفعال کرده است."

نماینده دانشجویان معترض یادآور شد: "در حال حاضر تعداد ۱۵۰ دانشجویی در رشته های آرایش، پیرایش و پوست و مو در مقطع کاردانی مشغول به تحصیل هستند."

اخراج استاد دانشگاه آزاد اراک به جرم "زیر سوال بردن سخنان رهبر"

یکی از اساتید دانشگاه آزاد اراک پس از پرونده سازی از این دانشگاه اخراج شد.

علیرضا مشیدی، از بسیجیان دانشگاه اراک، در این رابطه گفت: "پس از دریافت اطلاعاتی از دانشگاه آزاد اسلامی اراک مبنی بر اینکه یکی از اساتید این دانشگاه در هنگام تدریس و در حضور دانشجویان به پیامبر اسلام و سایر مقدسات اسلامی اهانت کرده، علی اکبر ولایتی، رییس هیات موسس و هیات امنای دانشگاه آزاد، طی نامه ای به رییس واحد اراک از او خواست "بدون درنگ" نسبت به اخراج این فرد اقدام شود."

مشیدی کمی جلوتر علت اصلی اخراج این استاد را لو داده و گفت: "این استاد دانشگاه بر سر کلاسهای درس به صورت کاملاً واضح به "رهبر معظم انقلاب" توهین کرده که مخالفت و زیر سوال بردن سخنان رهبری در مورد سند آموزشی ۲۰۲۰ یکی از کوچکترین موارد آن می باشد."

تجمع اعتراضی در دانشگاه فردوسی مشهد

دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد روز ۱۴ آبان در اعتراض به نبود نظارت بر غذاهای سلف مقابل ساختمان امور دانشجویی این دانشگاه تجمع کردند.

طی چند روز گذشته انتشار عکسی مبنی بر وجود کرم در غذای سلف موجی از اعتراضات را از سوی

دانشجویان این دانشگاه در فضای مجازی به راه انداخت.

در ادامه این اعتراضات، حدود ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در واکنش به نظارت نکردن مسوولان امور تغذیه بر کیفیت غذاها، مقابل ساختمان امور دانشجویی این دانشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

محکومیت سه جوان محروم از تحصیل بهایی به تحمل ۱۵ سال حبس

روحیه صفاجو و تارا هوشمند ۲۱ ساله و سرمد شادابی ۲۲ ساله، سه جوان محروم از تحصیل بهایی، هر کدام به تحمل ۵ سال حبس محکوم شده اند. این سه نفر در سال ۹۳ پس از دادن کنکور از ادامه مسیر یعنی دیدن رتبه خود و انتخاب رشته تنها به دلیل



باورمند بودن به آیین بهایی بازمانندند. آنها به این اتفاق و نقض اصلهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۳ قانون اساسی اعتراض کرده و به نهادهای دولتی متفاوت از جمله دفتر ریاست جمهوری و وزارت علوم و سازمان سنجش و دیگر نهادهای مرتبط با موضوع نامه نوشتند که از هیچکدام پاسخی دریافت نکردند. آنها سپس مشکل خود را با نماینده اصلاح طلب مجلس، علیرضا محبوب در میان گذاشتند که وی با توهین و تحقیر این سه نفر و دیگر دوستان شان را از دفتر خود بیرون کرد.

در اسفند سال ۹۴، یکسال پس از این تلاش بی نتیجه، روحیه صفاجو، تارا هوشمند و سرمد شادابی بازداشت و در فروردین سال ۹۵ با قید وثیقه آزاد شدند.

در تاریخ ۴ مهر ۹۶، دادگاه با حضور قاضی مقیسه و متهمین و وکلای آنان و بدون حضور نماینده دادستان برگزار شد و یک ماه بعد، در آبان ماه، قاضی مقیسه هر کدام از آنها را به ۵ سال زندان به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در فرقه ضاله بهائیت" (بهایبی بودن) محکوم کرد.

فارغ التحصیلان نزدیک به نیمی از آمار دولتی بیکاران را تشکیل می دهد

بر اساس آمار رسمی وزارت کار که به تازگی منتشر شده، نرخ بیکاری جمعیت تحصیل کرده کشور در دوره های عالی به ۲۰ درصد رسیده است، به طوری که در حال حاضر حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از جمعیت فارغ التحصیل یا دانشجویی کشور، بیکار هستند.

در حال حاضر، بیکاری گریبانگیر بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور است که طبق جدیدترین آمار یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از این جمعیت را فارغ التحصیلان یا دانشجویان تشکیل می دهند.

نرخ بیکاری جمعیت فارغ التحصیل یا در حال تحصیل دوره های عالی کشور در سال ۹۵ به ۲۰ درصد رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۴ معادل ۱.۵ درصد

رشد دارد. این نرخ برای فارغ التحصیلان یا افراد در حال تحصیل نیز در گروه مردان ۱۴.۱ درصد و در گروه زنان ۳۱.۱ درصد اعلام شده است.

همچنین بر اساس این آمار رسمی، در حال حاضر حدود ۱۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور، "فارغ التحصیل" یا "در حال تحصیل در دوره های عالی" هستند که ۴۵ درصد از این افراد در جمعیت غیرفعال اقتصادی قرار دارند به عبارتی، در هیچیک از گروه شاغلان و بیکاران قرار نمی گیرند.

در بین گروه های عمده رشته تحصیلی، بیشترین نرخ بیکاری به ترتیب مربوط به گروه های علوم کامپیوتر با ۴۱.۱۴ درصد، حفاظت محیط زیست با ۳۷.۶ درصد، هنر با ۲۸ درصد و علوم فیزیکی (طبیعی) با ۲۷.۸ درصد و کمترین نرخ بیکاری فارغ التحصیلان نیز مربوط به گروه دامپزشکی است.

از کل جمعیت زنان فارغ التحصیل یا دانشجویی در دوره های عالی کشور، ۶۸.۹ درصد شاغل و ۲۱.۱ درصد بیکار هستند.

اعتصاب دانشجویان دانشگاه نفت

دانشجویان دانشگاه صنعت نفت که طی ماههای گذشته نسبت به زیرپا گذاشته شدن تعهد وزارت نفت برای استخدام آنها در وزارت نفت اعتراض داشتند، روز سه شنبه ۱۷ آبان دست به اعتصاب زده و کلاسهای درس را بایکوت کردند.

دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه صنعت نفت ماه ها است که به بدعهدی وزارت نفت برای جذب فارغ التحصیلان این دانشگاه اعتراض می کنند.

آنها در ماه های گذشته بارها در برابر وزارت نفت و مجلس شورای اسلامی تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شده اند.

تجمع اعتراضی دانشجویان علوم آزمایشگاهی واحد کازرون

دانشجویان علوم آزمایشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون در اعتراض نسبت به حذف رشته دکتری حرفه ای در روز سه شنبه ۲۳ آبان تجمع کردند.

دانشجویان دوره کارشناسی علوم آزمایشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون در راستای برطرف شدن مشکلات خود از جمله احیای رشته دکتری حرفه ای علوم آزمایشگاهی با تجمع در محل دانشکده علوم پزشکی و نیز کلاس درس خود خواستار بررسی بیشتر و تجدیدنظر مسوولان شدند.

اعتصاب سراسری دانشجویان دانشگاه صنعت نفت

دانشجویان دانشگاه صنعت نفت به دنبال تجمعات اعتراضی روزهای گذشته، در اعتراض به لغو استخدامیهای وزارت نفت در روز شنبه ۲۷ آبان، اعتصاب کرده و در دانشکده های نفت اهواز و آبادان تجمع کردند. اولین روز از اعتصاب سراسری در دانشگاه صنعت نفت با عث شد تا هیچ کلاسی تشکیل نشود.

دانشجویان دانشگاه صنعت نفت در ادامه اعتصاب شان، روز دوشنبه ۲۹ آبان به صورت نمادین پیکر این دانشگاه را تشییع کردند.

دانشجویان معترض ضمن تعطیلی کلاسهای درس اعلام کردند تا زمانی که پاسخی کتبی مبنی بر اعلام وضعیت استخدامی خود از سوی وزارت نفت دریافت نکنند به اعتصاب شان خواهند داد.

بقیه در صفحه ۱۲

مسافران آینه و نور

م . وحیدی

بادهای شرقی
خاکستر مرده اجاق چشم تو را
در شب منتشر می کنند

و تو باز
در تنگنای پلک هستی بی سو
لحظه های ویران ابری تن را

سرود می کنی

چه آسمان دوری!
با شکوفه های پیر

و درختان خمیده زرد بهار
گنجشکهای عصر
در کوچه های ساکت پر درخت
دهکده های گمشده را

جستجو می کنند

دام و طناب و خنجر و صیاد
اقلیمهای سردند

که از واهمه های پاییز

می گذرند

هنوز ستاره ناباور خیالم
بر پشت بام تابستان
پی بادبادکی است
که دنباله اش

خواب نرگسپها را

تعبیر می کند

قایق رانان گمنام
در تلاطم موجها
با آواز کولیان مهاجر
به فتح آیه های روشنایی می روند
جهان

زخم پیراهنی است

بر تن اربابهایی که اسبانش
از معبر آینه و نور

می گذرند

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۱

تجمع اعتراض دانشجویان خوارزمی

جمع کثیری از دانشجویان دانشگاه خوارزمی در
اعتراض به عدم احداث ایستگاه مترو در جوار
دانشگاه در روز سه شنبه ۲۰ آبان دست به تجمع
زدند. این دانشجویان با دادن شعارهایی نظیر
«دانشجو می میرد؛ ذلت نمی پذیرد» اعتراض خود را
به گوش مسوولان مترو رساندند.

دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه خوارزمی
همه متفق القول از مسوولان مربوطه می خواهند با
احداث ایستگاه مترو، از ایجاد بحران در دانشگاه
جلوگیری کنند.

یکی از دانشجویان گفت؛ در حالی که بخشی از
زمینهای دانشگاه در اختیار مترو قرار داده شده و
وزیر راه نیز با احداث ایستگاه مترو در محدوده
دانشگاه خوارزمی موافقت کرده، تصمیمات
مسوولان شهری مبنی بر انتقال محل ایستگاه به
نقطه‌ای دورتر از دانشگاه منطقی نیست.

(منابع: ایسنا، خبرگزاری هرانا، دانشجو آنلاین، آنا،
روزنامه تجارت، دوپچه وله، خبرگزاری مهر)

از زبان
کودکان میهنم

م . وحیدی

اکرم و مرضیه

سلام ، من اکرم هستم. این هم مرضیه خواهر من است. همین که
لباس صورتی دارد و کنارم ایستاده است. ما شهرستانی هستیم و در
خیابانهای تهران گل فروشی می کنیم. پیش پدر بزرگمان که کولبر
است و در بازار کار می کند زندگی می کنیم.
در شهر ما مردم زیاد گل نمی خریدند. این جا بیشتر می خرند. من و
خواهرم گل را خیلی دوست داریم. به خاطر همین گل فروشی را
انتخاب کرده ایم. آخر گل، نشانه مهربانی و زیبایی است.
معلم ما، خانم فدایی، می گوید: "گل نشانه یک چیز دیگر هم
هست و آن کوتاهی عمر است."

به خاطر همین، ما این گل‌های سرخ را انتخاب کرده ایم تا به یاد
کسانی باشیم که برای "آزادی" مبارزه می کنند و شهید می شوند تا
دیگران راحت زندگی کنند.

اسم پدر ما عبدالله است. ما در جنوب شهر، در میدان غار و اطراف
میدان شوش زندگی می کنیم، ولی برای گل فروشی به بالای شهر
می رویم. مادرمان پارسال بیماری سرطان داشت و پس از مدتی مُرد.
ما پول عمل جراحی نداشتیم. اگر داشتیم زنده می ماند. او موقع مرگ
خیلی لاغر و کوچک شده بود. به اندازه یک جوجه. آن قدر که ما هم
می توانستیم او را از زمین بلند کنیم و بغلش کنیم.

ما بعد از ظهرها که از مدرسه برمی گردیم می آییم تو خیابانها گل
می فروشیم . گاهی وقتها این بسیجیها یا نیرو های انتظامی می آیند
مزاحم کار ما می شوند. گل‌های ما را چنگ می زنند و پرپر می کنند
و ما را کتک می زنند.

می گویند: "شما نباید گل فروشی کنید!" اما نمی گویند چکار باید
کنیم تا خرج خانه و مدرسه امان را درآوریم.

پدرما کارهای مختلفی می کند. از کولبری گرفته تا سیگار فروشی
و دستفروشی و هر کار دیگری که بتواند انجام می دهد. اما می گوید
شما هر طور شده باید درس تان را بخوانید.

او شبها که به خانه می آید خلقتش تنگ است و کم حوصله است و
همش سیگار می کشد.

خانم فدایی، می گوید: "یک روزی می رسد که همه مردم در عدالت
و آزادی زندگی می کنند و بچه ها مجبور نیستند در خیابانها کار
کنند."

ما معلم مان را خیلی دوست داریم.

غلامرضا برایم چون برادر بزرگتر و استاد
شد. روزها فرانسوی می آموختیم؛ ظهرها
سه تار می زد و می خواندیم؛ عصرها
آشپزی می کردیم و همه اتاق سر یک
سفره غذا می خوردیم.

من نارکو سندیکالیست و او هوادار
سازمان مجاهدین خلق بود. اما علیرغم
اختلاف عقاید هر دوی ما بر سر یک
نکته توافق داشتیم که برای رسیدن به
آزادی و برابری؛ راهی جز براندازی
حکومت فاشیستی نداریم. هر چه می
گذشت بیشتر شیفته صداقت و استقامتش
می شدم.

به او می گفتم من از آن روز که در بند
۲۵۰ و در کنار توام آزادم. اتاق یک با
حضور زنده یاد غلامرضا خسروی و سایر
دوستان برایم دلپذیرترین و دوست
داشتنی ترین جای جهان بود.

روزها گذشت و پنجشنبه خونین ۲۸
فروردین ۹۳ فرارسید. روزی که به اسم
بازرسی به اتاق یک حمله شد. به طرز
وحشیانه ای توسط گارد؛ سربازها؛

پاسداران و حتی روسای زندان اوین مورد
ضرب و شتم قرار گرفتیم. دستهایمان را
بستند و به قصد تحقیر موهای مان را
تراشیدند و لباسهای مان را کردند. تنها
سلاح ما در برابر وحشیگری شان خواندن
ترانه مرغ سحر ناله سر کن و اقدام به
اعتصاب غذا بود.

پس از اعتصاب غذای ما و حمایت رسانه
ها و فعالان حقوق بشر به بند خودمان
بازگشتیم.

اما دیری نپایید که غلامرضا را برای
اجرای حکم اعدام به زندان گوهردشت
انتقال دادند. شاید اگر آن روزها رسانه
های ما قدرت امروز را داشتند و از زنده
یاد خسروی حمایت می کردند، او را از
دست نمی دادیم و جهان محروم از یک
فرا بشر نمی شد.

غلامرضا رفت و حسرت ماند. تحمل
حس بدون او برایمان دشوارتر از پیش
شد.

سه سال پس از به شهادت رسیدنش
افتخار هم بند شدن با علیرضا گلیپور را
داشتیم. به راستی که رفیق علیرضا نیز
یک فرا بشر است.

دردا که این روزها وضعیت جسمی بسیار
وخیمی دارد. شکنجه های درحین
بازجویی او را مبتلا به سرطان کرده است.
مطابق قوانین موجود و با توجه به شرایط
وخیم جسمانی اش باید مشمول تبصره
عدم تحمل کیفر شده و آزاد شود. تا بتواند
تحت مراقبتهای پزشکی قرار گرفته و
بهبود یابد.

جرمش بیان حقیقت و افشای فساد مالی
مسئولان جمهوری اسلامی است.

از تمام فعالان حقوق بشری و فعالان
مدنی می خواهیم متحد شده و جمهوری
اسلامی را ملزم به آزادی بی قید و شرط
وی سازند.

به امید پیروزی سهیل عربی، آبان ۹۶

رویدادهای هنری آبان ماه ۱۳۹۶

فتح الله کیا بیها

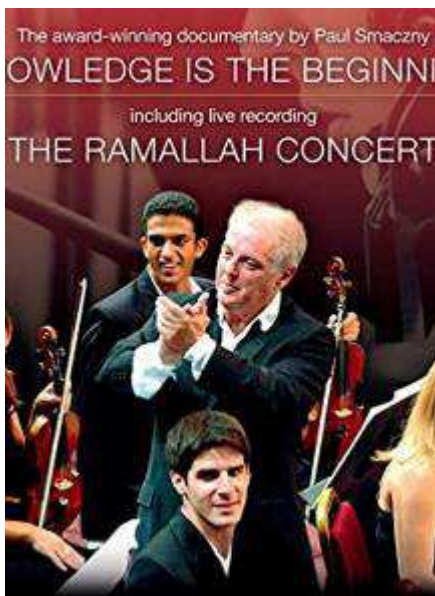
اوراتوریو قطعه ای آوازی و چند بخشی با همراهی ارکستر و آواز جمعی است که افشین خائف از حدود دو سال پیش با گروه کر ایرانی "آفتاب"، تمرینات آن را آغاز کرده بود و در نهایت با همراهی گروه کر سوئدی "آکادمیسکا" و ارکستر آکادمیسکا در استکهلم این برنامه را به روی صحنه برد.

افزوده بر گروههای یاد شده، سیاوش جواد، خواننده تنور ساکن سوئد و کاملیا دارا به عنوان سولیست سوپرانوی مهمان از اتریش در اجرای این کنسرت همکاری داشتند.

این دو تکخوان و گروه صد نفره خوانندگان کر و نوازندگان ارکستر، "پرشین اپیلوگ" را در ۲۳ قطعه روی صحنه اجرا کردند که به گفته برگزارکنندگان برنامه، در نوع خود نخستین و بزرگ ترین اجرای یک اوراتوریو ایرانی در اروپا است.

موسیقی دان صلح، هفتاد و پنج ساله شد

روز ۱۵ نوامبر ۲۰۱۷ مصادف بود با ۷۵ سالگی دانیل بارنبوم؛ هنرمندی که به جادوی موسیقی و تاثیر صلح آور و آشتی دهنده آن باور دارد. او پیش از آن که به "نبوغ" خود به عنوان یک موسیقیدان بیابد، خود را جهان وطنی یهودی تبار می داند که رسالتی جز اشاعه مهر و دوستی، آن هم با نواهای واگنر، بتهوون، شومان، مالر، ایزابل ماندیری و یورک هولر ندارد.



بارنبوم ۱۵ نوامبر ۱۹۴۲ در بوئنوس آیرس، پایتخت آرژانتین، به دنیا آمد و از سال ۱۹۵۲ به بعد در اسرائیل بزرگ شد. او از پنج سالگی نواختن پیانو را از مادرش و سپس از پدرش آموخت. هفت ساله بود که اولین کنسرتش را به همراه "مارتا آرگریش"، یکی دیگر از استعدادهای پیانو نوازی در آرژانتین اجرا کرد.

بارنبوم که در ژانویه سال ۲۰۰۸ شهروندی فلسطین را اختیار کرده، بر این باور است که با "موسیقی می توان مرزها را درهم شکست و به جای کینه و دشمنی، برای جهانیان صلح و دوستی به ارمغان آورد".

بقیه در صفحه ۱۴

سینه خویش ماوا داده . او رفت و دیگر نیست اما یادش ماندگار است و دریچه ای که به روی واقعیت باز کرد، همیشه گشوده می ماند.

ادبیات

"شب شرقی - غربی نسرین" به دو زبان خوانده شد



فهیمه فرسای، نویسنده ایرانی، در محل انتشارات و کتابفروشی فروغ در شهر کلن رمان تازه خود را به زبان آلمانی برای علاقمندان خواند.

خانم فرسای که آثار فارسی اش به زبان آلمانی هم ترجمه شده، این بار آخرین رمانش "کاساندریا مقصر است" را خود به زبان آلمانی بازنویسی یا به عبارت بهتر، نو نویسی کرده و با عنوان "شب شرقی - غربی نسرین" به چاپ رسانده است.

خانم فرسای پیش از خواندن کتاب از شخصیت اصلی داستان نسرین گفت که یک تصادف دوچرخه او را به بیمارستان می کشاند. راوی داستان در قالب بیان مشکلاتی که در بیمارستان با آنها روبرو می شود، ناهمواریها و ناهنجاریهای زندگی یک مهاجر ایرانی در آلمان را مطرح می کند و سر انجام به این نتیجه می رسد که جز به خود به هیچ چیز و کس دیگری نمی تواند اطمینان کند.

موسیقی

آرش کمانگیر به روایت کر ایرانی و ارکستر سوئدی



"بروالد هالن"، خانه ارکستر سمفونیک رادیوی سوئد، روز شنبه گذشته میزبان پرشین اپیلوگ، یک اوراتوریو ایرانی بود که بر اساس شعر آرش کمانگیر، نوشته سیاوش کسرای، و با ترکیبی از یک گروه کر ایرانی، یک گروه کر سوئدی و یک ارکستر سوئدی به اجرا درآمد.

مقدمه

و اینگونه بود که قصه گوی گلزار خاوران، از میانمان رفت.

آرام آرام کیف دستی اش را گشود. تصویر نوه هایش را یک به یک بوسید، بویید و در کیف دستی گذاشت. سپس دخترانش را و پسرانش را. خواهرهای خجالتی و برادران خنده بر لب. نوبت که به مادران رسید شرمگین شد. زیر لب قصه ای خواند تا شادشان کند. اما قصه پراز درد بود، پس به ترانه برخاست. ترانه های خلق. آنجا که کوه ها گل گل آفتابو میکارن. لبخند بر چهره مادران نشست. دشت، دشت خاوران بود و لاله زار خون جوانان. مادران در سوگ که نه، در فریاد. پدران پای در زنجیر، به اعتراض لب به ترانه گشوده. پیرمرد که گرمی آفتاب را بر شانه های خسته خود داشت، یکی یکی آنها را در کیف دستی اش گذاشت و رفت.



علی اشرف درویشیان در هفتاد و شش سال عمر پربار خویش قصه گوی دردها و رنجها و آلام انسانی بود. نگاه تیزبین و جستجو گرش یک آن کودکان کار، کارورزان و تپه ای داستان جامعه را از نظر دور نداشت؛ کسانی را که به حاشیه رانده شده و تحت ستمی مضاعف به بیگاری گرفته شده بودند و در نظام واپسگرای سرمایه، به پیشیزی گرفته نمی شدند، پیر زنان و مردانی که در پس عمری کار، اینک به حال خویش رها شده تا در تنهایی و فقر و مسکنت بمیرند. او طی این سالها دو رمان به نامهای "سالهای ابری" و سلول هجده" از خود به جای گذاشت و مجموعه داستانهایی نظیر: "ازین ولایت"، "از ندارد تا دارا"، "ابشوران"، "درشتی"، "شب آستن است"، "همراه آهنگهای بابام"، "فصل نان"، داستانهایی تازه داغ" و انبوهی ترجمه و مقاله و آثار متنوع دیگر.

او در رمانهای "از این ولایت" و "ابشوران" از کودکانی سخن می گوید که "بدترین نوع زندگی" را از سر می گذرانند. کودکانی مانند کودک بیمار "گازولک" یا دختر بچه داستان "هتاو" که در کودکی به ازای بدهی پدر به خانه شوهر می رود و شب زفاف در اثر خونریزی داخلی می میرد.

درویشیان در گفتگویی با علی کاکاوند در باره شخصیتهای داستانهایش می گوید: "این بچه ها، شاگردهای من بودند. ناشتا سر کلاس غش می کردند، سال به سال چیزی روی آتش نمی جوشید که اینها بخورند، سالیانه گوشت نمی خوردند و بعد هم، "ابشوران" که خانواده خردم بودند، خودمان بودیم، من و برادرهایم بودیم."

علی اشرف درویشیان، قصه گوی گلزار خاوران رفت و دیگر در میانمان نیست. نیست تا به بیند که به ۹۰ درصد کودکان کارش، تجاوز می شود. رفت و ندید که خشم طبیعت چگونه فرزندان، کولبران رنج را در

رویدادهای هنری آبان ماه ۱۳۹۶

بقیه از صفحه ۱۳

این رهبر ارکستر مسالمت جو که به دلیل انتقادهای کوبنده اش از سیاستهای فلسطینی سبزی اسرائیل در این کشور به عنوان "چهره ای جنجالی" معرفی شده، برای درهم شکستن مرزها، در سال ۱۹۹۹ "ارکستر دیوان شرقی - غربی" را پایه گذاشت. هدف این ارکستر، برقراری گفت و گو بین فرهنگهای گوناگون در منطقه خاورمیانه از راه موسیقی است.

سینما....

علی صمدی احدی و جایزه انجمن کارگردانان آلمان

جایزه انجمن کارگردانان آلمان، "متروپولیس"، در بخش فیلم کودکان به علی صمدی احدی، کارگردان ایرانی آلمانی، اهدا شد. صمدی به خاطر فیلم "پترسون و فیندوس" این جایزه را دریافت کرد.

جایزه فیلم سینمایی متروپولیس به فیلم "مه در آگوست" ساخته کارگردان آلمانی "کای وسل" اهدا شد. این فیلم به همراه فیلم علی صمدی از سوی انجمن رسانه استان "نوردراین وست فالن" که محل زندگی علی صمدی است، برای این جایزه پیشنهاد شده بودند.

هنرمندی که از گیتار اسلحه می سازد



فیلم مستند "وقتی خدا خوابه" در سینماهای آلمان و جشنواره های گوناگون به نمایش درآمد. این فیلم به فتوای مراجع شیعه علیه شاهین نجفی می پردازد و همزمان از کلیشه های رایج درباره اسلام و مسلمانان دوری می کند.

"وقتی خدا خوابه" در اصل عنوان کتابی از شاهین نجفی است که در آن بخشی از زندگینامه و ترانه های این خواننده، نوازنده و آهنگساز ایرانی درج شده است. "تیل شاوردر" (Till Schauder)، فیلمساز آلمانی کتاب را خوانده و به گفته خودش، از تنها چیزی که خوشش آمده عنوان کتاب بوده و به همین دلیل آن را برای فیلم مستند خود درباره شاهین نجفی انتخاب کرده است؛ فیلمی که در حال حاضر در سینماهای آلمان و جشنواره های بین المللی اکران می شود.

این مستند ۸۸ دقیقه ای پرتله شاهین نجفی نیست، بلکه تبلور ترس و اضطراب درونی اوست؛ وضعیتی که باعث انفعال او نشده، بلکه برعکس، به گفته خودش او را به رزمندگی تبدیل کرده که با "سلاح گیتار در جنگی نابرابر" علیه افراط گرایی دینی و تابوهای اجتماعی که پا خاسته است.

انتقاد راسل کرو از رفتار دولت استرالیا با پناهجویان

"راسل کرو"، هنرپیشه مشهور نیوزلندی، در توییتری آنچه هم اکنون در جزیره "مانوس" در حال رخ دادن است را "وحشتناک" خواند. او که در چهار سالگی با خانواده اش به استرالیا مهاجرت کرد و ده سال هم در این کشور مانده، نوشت: "فقط تصور کنید یکی از کسانی که الان در این اردوگاه است، برادر، دایی، عمو یا پسر شما باشد. دنیا شاهد رفتار استرالیا است و ما شبیه آدمهای احمقیم."



او در یکی از توییتهاش خطاب به منتقدانش نوشت: "شما می توانید مقالات احمقانه در این مورد بنویسید، به من حمله کنید یا مرا ساده لوح بخوانید، اما اینها هیچکدام این واقعیت را عوض نمی کند که آنچه استرالیا با این افراد در جزیره مانوس می کند، وحشتناک است."

این نخستین بار است که یک ستاره سرشناس به این شکل با صراحت و با تاکید به آنچه در مانوس می گذرد، واکنش نشان می دهد.

جشنواره فیلم رم

دوازدهمین جشنواره جهانی فیلم رم تلاش داشت در شهری که به "شهر سینما" شهره است و پیوند غریبی با شاهکارهای تاریخ سینما - از فیلم های نئورئالیستی تا جهان رویایی فینلی - دارد با شکل و شمایل متفاوت، جدای از جشنواره های رقابتی نظیر ونیز قرار گیرد تا شاید مجبور به رقابت با آنها نباشد.

از این رو تنها داوران این جشنواره تماشاگران هستند و تنها جایزه آن امسال به فیلم "بورگ/ مک انرو" ساخته "یانوس متر پدروسون" از دانمارک رسید. فیلم، داستان رویارویی "بیون بورگ" و "جان مک انرو"، دو تنیس باز برتر جهانی در دهه ۸۰ را روایت می کند. فیلمساز می گوید این فیلم نسخه تنیس فیلم "گاو خشمگین"، ساخته تحسین شده "مارتین اسکورسیزی" است.

یکی از جذاب ترین بخشهای جشنواره رم که به ویژگی آن بدل شده، بخشی است با نام "برخورد نزدیک" که در آن چهره های شاخصی حضور پیدا می کنند و در یک جلسه بی پرده درباره فیلمها و علایق خود سخن می گویند. شاخص ترین چهره امسال که دیدار نزدیک او خلیله را بر سر شوق آورد، "دیوید لینچ" بود؛ فیلمساز آمریکایی که این روزها کمتر فیلم می سازد، اما کماکان ردپای او را در انواع دیگری از آثار هنری می توان یافت.

موزه، نمایشگاه....

از انقلاب تا جنگ

موزه "تیت مدرن" لندن نمایشگاهی با عنوان "کتابهای مصور ایرانی: از انقلاب تا جنگ" برگزار کرده که تا سوم دسامبر / ۱۲ آذر ماه برپاست. کتاب - عکسهایی که در این بخش به نمایش درآمده، رویدادهای قیام ۱۳۵۷ و جنگ ایران و عراق را به

تصویری می کشد و شامل آثاری از عکاسهای سرشناس ایرانی از جمله بهمن جلالی، کاوه گلستان، مریم زندی، سیف الله صمدیان و آلفرد یعقوب زاده است. کتابها و تصویرها متعلق به مجموعه شخصی "مارتین پار"، عکاس مستند و خبری مطرح بریتانیایی، است. مخاطب در طول بازدید از آثار، در یک سوی اتاق با عکسهای سیاه و سفید خرمشهر در زمان جنگ روبرو می شود. این عکسها در واقع صفحات کتاب "خرمشهر" اثر بهمن جلالی هستند. این کتاب در سال ۱۳۶۱ در ابعاد بزرگ چاپ شده تا بتوان به راحتی آنها را جدا کرد و به صورت پوستر به کار برد. چاپ عکسها روی دیوار بدون قاب و هیچ واسطه ای، حالت پوستر نصب شده را تداعی می کند. بهمن جلالی از جمله عکاسان ایرانی است که به همراه همسرش رعنا جوادی وقایع قیام و جنگ را به تصویر کشیدند. "روزهای خون، روزهای آتش" کار مشترک آنهاست از آن روزها که در همین مجموعه نیز به نمایش درآمده است.

هنرهای تجسمی افغانستان در ایران



آثار هنری دهها هنرمند افغان از سراسر جهان در فرهنگسرای نیاوران تهران به نمایش گذاشته شده است. نام این نمایشگاه را "نیمروز" گذاشته اند که هم یکی از استانهای افغانستان است و هم به معنای زمانی از روز است که خورشید در بالاترین حد تابش قرار دارد.

در این نمایشگاه که روز جمعه ۱۳ آبان/عقرب گشایش یافت و تا دو هفته ادامه خواهد داشت، آثار ۵۳ هنرمند افغان در ژانرهای مختلف هنرهای تجسمی انتخاب شده تا چهره دیگری از افغانستان را به مخاطبان ساکن ایران معرفی کند؛ چهره ای که بر روایت جنگ، فقر و خشونت تمرکز ندارد، بلکه تراوش محض هنری اذهان هنرمندان این کشور را به نمایش می گذارد.

با این حال ذهنیت و منبع الهام هنرمندی که به کشوری مثل افغانستان تعلق داشته باشد، نمی تواند جدا از روایتهای غالباً غمگانه آن جامعه باشد. شاید به همین دلیل است که یکی از آثار چیدمانی این نمایشگاه یک گور دسته جمعی است. یا یکی از نقاشیها زنی را در برقع نشان می دهد که سازی در دست دارد و در اطرافش پرندگان سیاه چرخ می زنند و باد پنکه، برقعش را کمی کنار زده تا پاهای پرنه اش نمایان شود. یا عکسی که کودکی خندان را نشان می دهد که در میان تلی از اشغال لم داده است.

بقیه در صفحه ۱۵

رویدادهای هنری آبان ماه ۱۳۹۶

بقیه از صفحه ۱۴
تاتر....

فستیوال تاتر ایرانی در کلن

بیست و چهارمین جشنواره تاتر ایرانی در شهر کلن آلمان از ۱۶ نوامبر/ ۲۵ آبان به مدت ده روز برگزار می شود. در این جشنواره نمایشها و رقص نمایشهای گوناگون به زبان فارسی و آلمانی اجرا خواهد شد. فستیوال تاتر ایرانی کلن ۲۴ سال پیش با تلاش و کوشش مجید فلاح زاده و بهرخ حسین بابایی، همسر او بنیان گذاشته شد. آنها از دست اندرکاران تاتر ایران بودند و با قدرت گرفتن رژیم جمهوری اسلامی ناچار به تبعید و ترک وطن شدند.

این فستیوال کار خود را با هنرنمایی مریم آخوندی و با نمایش کلاژی از نمایشهای مجید فلاح زاده، استاد و هنرمند فقید تاتر ایران آغاز کرد. نیلوفر بیضایی، محمدعلی بهبودی، رضا علامه زاده در این جشنواره کارهای خود را به نمایش می گذارند.

شعر ماه!

جهان، جهان آشفتنگی و دگرگونی است. همه چیز در هم تنیده و بر خویش پیچیده است. معنای هر قصه یا شعر آن نیست که می پنداری، بلکه در پیچاپیچ خویش نهبانگاه بسیاری نگفته هاست؛ رازها و رمزها و تلاش برای ایجاد تفکر. قصه همان قصه است و کلمات همان کلمات، اما... اما... اما... شاملو گفت "قصه نیستیم که بگوییم، نغمه نیستیم که بخوانی، صدا نیستیم که بشنوی ... پس چیست این معمای پوست در پوست و چنبره زده در خویش؟

شاید که به روایت اخوان ثالث "کسی راز مرا داند، که از این رو به آن رویم بگرداند" و شعر منتخب این شماره چنین است. نباید فریب معنی اولیه و روان کلمات را بخورید، آنها ماسکی بر چهره دارند و اغواگرند. نقاب برچیدن از هنر، تفکر است و هنرمند این زمانه چونان حافظ در هفتصد سال پیش، تو را و ذهن تو را به چالشی جدی فرا می خواند. جهان تغییر یافته و مبارزات طبقاتی سمت و سوی دگر یافته. رسانه های تبلیغاتی همگام با سیاستهای سرمایه داری با هزار و یک شعبده در کار است تا جهان را درسته ببلعد و در این وانفسا، هنرمند چاره ای جز "من درد مشترکم، مرا فریاد کن" ندارد. به شعری از ابوالقاسم فرهنگ توجه کنید:

از هم پاشیده و آشفته
کمی بر کرانه ی بیهودگی

قدم آهسته می رود
خرچنگ و عقرب زلف

و
انجیر در نوک

در فضا چشم نگاره ای از تابش نور
بارانی از ترانه و خون

و گروه ها گروه تشنه

از هم پاشانده شده و درهم شکسته و گیج

کنار برجهای دوقلو

ایستاده ایم کنار لبه های نان و جنون

و چالش گلوله و باران خون

(ابوالقاسم فرهنگ)

(منابع: رادیو زمانه، رادیو فردا، دویچه وله، بی بی سی، جنگ خبر)



بسیاری از خانواده های دیگر نیز به سبب دادخواهی قتل بی رحمانه عزیزان شان مورد خشم مقامات گرفتند، برای مثال منصوره بهکیش یکی دیگر از بزرگ بانوانی است که به دلیل دادخواهی قتل ۶ خواهر و برادر خود بارها احضار و بازداشت شده و اخیراً حکم سنگین زندان برایشان صادر شده است. شهناز اکملی که به سبب دادخواهی قتل فرزندش مصطفی کریم بیگی بازداشت و محکوم به حبس شدند یا فاطمه مثنی که به دلیل دادخواهی قتل سه برادر و همسر یکی از برادرانش، اکنون همراه با همسرش حسن صادقی در زندان به سر می برند. اما کشته شدگان این حکومت ۴۰ ساله به این چند خانواده ختم نمی شود اینان تنها بخش کوچکی از تاریخ هستند.

سال گذشته نیز در ۱۲ مرداد ۹۵ بود که ۲۵ زندانی کرد به زور و با شکنجه و ضرب و شتم راهی چوبه دار و دسته جمعی اعدام شدند.

به خانواده تعدادی از آنان قبری نشان دادند که به ظاهر محل دفن این عزیزان بود اما هنگامی که خانواده شهرام احمدی جهت گذاشتن سنگ قبر به بخش ثبت قبرستان مراجعه کردند به آنها گفته شد که این قبور خالی است و در قبرستان ثبت نشده است.

بسیاری از سیاستهای حال حاضر «ج.ا.ا» یادآور دوره هیتلر و نازیهاست که یهودیان را بلاگردان خود می پنداشتند، و حال کردها و سنیها، مجاهدین و فدائیان، بهائیان و فعالان مدنی بلاگردان «ج.ا.ا» شدند.

دروغ نامیدن گزارشات نقض حقوق بشر، زیرپا گذاشتن معاهدات، دروغهای بزرگ و فریب دادن مردم از طریق رسانه ها و روزنامه ها، مصادره اموال زندانیان یا به خود به قول عصر هیتلری عناصر نامطلوب کردن جیب «زنجهای برتر»، کشتار دهه ۶۰، قتلهای دسته جمعی، گورهای دسته جمعی، هیئت ۳ نفره مرگ و صفهای چپ و راست و قضاوت تنها با اشاره یک انگشت سپاه و بسیج و سرویسهای جاسوسی ... همگی شبیه به سیاستهای هیتلر و نازیهاست!

باشد که تک تک عزیزان آسیب دیده در برابر این ظلمها قد علم کنند و برگ برگ تاریخ این سرزمین را با دادخواهی شان به ثبت برسانند.

در پایان از فعالان حقوق بشر که با تمام وجود صدای مریم اکبری ها و خانواده شان و دیگر آزادیخواهان و جان باختگان این راه بودند کمال تشکر و قدردانی را دارم و همچنین از سرکار خانم عاصمه جهانگیر که صدای این عزیزان و ما زندانیان سیاسی و عقیدتی در سازمان ملل شده اند.

درست است کسانی که کشته یا اعدام شدند هرگز زنده نمی شوند، درست است که هیچ چیز سالهای زندان زندانیان را جبران نمی کند اما فراموش نکردن آنان، توجه به وضعیت آنها و صدای تک تک آنان بودن، باعث برپایی عدالت و سعادت بشری و ثبت تاریخ و همچنین دلگرمی کسانی که سالها به طریقی مورد ظلم قرار گرفته اند خواهد شد و ما همچنان امید داریم به روزهای روشن.

آتنا دائمی، فعال حقوق بشر، آلان ۹۶، بند زنان زندان اوین

منبع: کانال تلگرام نه به زندان نه به اعدام

برگ برگ تاریخ این سرزمین را با دادخواهی به ثبت برسانیم

آتنا دائمی

رقیه، عبدالرضا، علیرضا و غلامرضا اکبری منفرد ۴ تن از اعضای یک خانواده هستند که در سالهای سیاه دهه ۶۰ به طرق مختلف توسط جمهوری اسلامی ایران کشته شدند.

عبدالرضا در ۱۷ سالگی و در سال ۵۹ بازداشت و به سه سال زندان محکوم شد، اما تا سال ۶۷ و اضافه تر از حکم صادره، در واقع بدون حکم در زندان ماند و سپس اعدام شد و جز ساکی از لباسهای خونی هیچ چیز به خانواده وی داده نشد حتی آدرس و نشانی از محل دفن. علیرضا در ۱۷ شهریور ۶۰ بازداشت و ۲۸ شهریور ۶۰ در کمتر از ۲۰ روز به طرز نامعلومی کشته شد.

در مراسم شب هفتم کشته شدن ایشان مادرشان «گرچی شیری پور» و خواهرشان رقیه بازداشت شدند.

مادر ۵ ماه در زندان بود و خواهر به ۸ سال حبس محکوم شد و یک سال پیش از اتمام دوره حبس در سال ۶۷ اعدام شد. از او حتی همان ساک لباسهای خونی هم به دست خانواده نرسید.

غلامرضا سال ۶۲ دستگیر و سال ۶۴ تحت شکنجه جان باخت!

همانطور که شاهدیم هیچ یک از این عزیزان محکوم به اعدام نبودند اما اعدام شدند. حال بعد از نزدیک به چهل سال از آن سالها مریم و رضا اکبری منفرد، بازماندگان این خانواده در زندانند. مریم با ۱۵ سال حبس که هشتمین سال آن بدون حتی یک روز مرخصی رو به اتمام است و رضا اکبری منفرد نیز سالهای آخر پنج سال و شش ماه حبس را می گذراند.

مریم به اتهام محاربه در زندان است. همانطور که پیشتر هم گفته ام این اتهام سال ۹۲ تغییراتی پیدا کرد و به موجب این تغییر و طبق ماده ۱۰ قانون مجازات اجرای حکم مریم می بایست سال ۹۲ متوقف می شد. جدای از آن مریم اکبری به جز اتهام محاربه دو اتهام دیگر، منجمه اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام نیز در پرونده دارد که باز هم بر اساس قانون و ماده ۱۳۴ قانون مجازات تنها یک اتهام قابل اجراء است هر سه اتهام و ۱۵ سال!

سال گذشته مریم اکبری منفرد شکایتی از داخل زندان علیه جمهوری اسلامی به دلیل قتل اعضای خانواده اش تنظیم و تحویل مراجع قضایی داخلی و بین المللی داد.

به موجب این شکایت از سوی مقامات داخلی که خود عاملان اعدامهای دهه ۶۰ بوده اند نه تنها هیچ رسیدگی صورت نگرفت بلکه بازجویان وزارت اطلاعات که طبق قانون اکنون و در این مرحله حق دخالت در امور پرونده را ندارند اعلام کردند که به دلیل شکایت قانونی مریم و دادخواهی او اجازه آزادی اش را نخواهند داد و علاوه بر این همسر ایشان را احضار و او را به حبس مجدد مریم و تبعید وی زندان برازجان تهدید کردند.

اما مقامات بین المللی در پاسخ به شکایت مریم اکبری در کمتر از یک سال این پرونده را مورد بررسی قرار داده و طبق اسناد و مدارک موجود نام رقیه و عبدالرضا اکبری منفرد را نیز در گروه ناپدیدشدگان قهری سازمان ملل ثبت کردند.

مقامات داخلی ایران تمامی گزارشات نقض حقوق بشر در سازمان ملل را مغرضانه و دروغ قلمداد می کنند.

حال آنکه با وجود انکار تمامی این جنایات، همواره اسناد و مدارک و شاهدان عینی این کشتار وجود دارند و به هیچ وجه قابل انکار نیستند. به جز مریم و خانواده محترم ایشان،

زنان در مسیر رهایی (آبان ۹۶)

اسد طاهری

آنها هشدار داده اند که در صورت مشخص شدن موی بازیکنان، داور به آنها کارت زرد نشان خواهد داد و در صورت تکرار، از زمین بازی اخراج می شوند.

ادامه سقوط آزاد رتبه ایران در برابری

جنسیتی



مجمع اقتصاد جهانی در گزارش سالانه خود درباره برابری جنسیتی در ۱۴۴ کشور جهان، اعلام کرد که ایران در سال جاری از جایگاه ۱۲۹ در سال گذشته به رده ۱۴۰ سقوط کرده است.

این رتبه بندی بر اساس آمار امکان دسترسی زنان به تحصیل، بهداشت و درمان عمومی، شرکت در امور اقتصادی و سیاسی کشور تنظیم می شود. بر اساس این گزارش، ایران در بین پنج کشوری قرار گرفته که شاخص برابری زن و مرد در آنها بدترین شاخص در جهان است.

در رده بندی جدید مانند سالهای گذشته، ایسلند از نظر برابری جنسیتی بهترین و یمن بدترین کشور جهان معرفی شده اند. در کنار ایسلند کشورهای نروژ، فنلاند، رواندا و سوئد در صدر جدول قرار گرفته اند. از ۱۴۴ کشور مورد مطالعه، ایران، چاد، سوریه، پاکستان و یمن در قعر جدول قرار گرفته اند و از آنها به عنوان کشورهای بیاد می شود که زنان در آنها از کمترین حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برخوردارند.

در رده بندی سال گذشته میلادی، ایران و عربستان سعودی به ترتیب در رده های ۱۲۹ و ۱۴۱ بودند، ولی امسال ایران به رده ۱۴۰ سقوط کرده و عربستان به رتبه ۱۲۸ ارتقا یافته است.

مجمع اقتصاد جهانی در گزارش سالانه خود هزینه مادی عدم برابری کامل جنسیتی در کشورهای بزرگ جهان را هم ارزیابی کرده است. بر اساس این ارزیابی، در صورتی که برابری جنسیتی کامل در عرصه اقتصادی در آمریکا تامین شود، تولید ناخالص ملی در آن کشور ۱۷۰۰ میلیارد دلار رشد خواهد کرد. رشد تولید ناخالص ملی در صورت برابری کامل زن و مرد در عرصه های اقتصادی در بریتانیا ۲۵۰ میلیارد دلار و در چین هم ۲۵۰۰ میلیارد دلار ارزیابی شده است.

یک زن ایرانی تبار در آمریکا به مقام

قضای رسید

در همان حال که زنان حقوقدان در ایران اجازه قضای ندارند و با ممنوعیت شغلی روبرو هستند، یک بانوی ایرانی تبار با حکم فرماندار کالیفرنیا به عنوان قاضی دادگاههای شهر "سانتا کلارا" منصوب شد. بقیه در صفحه ۱۷

"محمد بن سلمان"، ولیعهد عربستان، گفت که بازگشت "اسلام معتدل" در طرحهایش برای مدرنیزه کردن کشور نقش اساسی دارد. او گفت که ۷۰ درصد جمعیت عربستان سعودی به سن ۳۰ سالگی نرسیده اند و خواهان "زندگی ای هستند که مذهب در آن به معنی مدار است".

افزایش سه برابری بیکاری زنان تحصیل کرده در ایران



معاون روحانی در امور بانوان و خانواده می گوید نرخ بیکاری زنان تحصیل کرده نسبت به مردان در تهران و بیشتر نقاط کشور سه برابر بیشتر است. معصومه ابتکار این آمار را روز دوشنبه ۸ آبان در مراسم گشایش نمایشگاه الکامپ (صنایع الکترونیک و کامپیوتر) در بجنورد ارایه کرد.

در چهار دهه گذشته زنان در ایران نیمی از فارغ التحصیلان دانشگاهها را تشکیل داده اند، اما با توجه به تازه ترین آمارهای رسمی، در بازه زمانی بهار ۱۳۹۵ تا بهار ۱۳۹۶، تنها ۱۴,۹ درصد زنان وارد بازار کار شده اند و مردان ۶۴,۱ درصد بازار کار را در دست خود دارند.

کارت زرد برای دیده شدن تار موی

فوتبالیستهای زن

فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی مقررات تازه ای برای بازی فوتبال زنان ابداع کرده است. براین اساس از این پس در صورتی که موی دختران فوتبالیست در زمین بازی از زیر مقنعه دیده شود، داور به آنها کارت زرد یا قرمز نشان خواهد داد.

مسوولان جمهوری اسلامی با ایجاد و اختراع محدودیتهای گوناگون، بر سر ورزش بانوان و مسابقات آنها سنگ اندازی می کنند. هدف از این آزارها، منصرف کردن زنان از ورزش و حداقل کوچک نگه داشتن دایره آن است.

از جمله این محدودیتهای می توان به محروم کردن ورزشگاههای زنان از ابتدای ترین ملزومات مانند سرویس بهداشتی مناسب یا جایگاه خبرنگاران اشاره کرد. همچنین اجبار تیمها به برگزاری بازی در ساعت ۱۰ صبح، زمانی که بیشتر تماشاچیان سر کار هستند و ممنوعیت بازی پس از ظهر، از دیگر فشارهای دولتی بر زنان ورزشکار است.

اکنون ایجاد مزاحمت و آزار بازیکنان به مرزهای جدیدی پا گذاشته. ناظران فدراسیون فوتبال پیش از آغاز بازی به بازیکنان تذکر می دهند که یا مقنعه های خود را در زمان بازی درست کنند، یا اگر نمی توانند یک دستشان به مقنعه باشد و در همان حال دنبال توپ بدون، هدبند ببندند.

دختران بسکتبالیست ایران در جایگاه چهارم آسیا



نوجوانان دختر بسکتبالیست که تا یک روز پیش از آغاز رقابتهای آسیایی، هنوز از حضور خود در جدول رقابتهای اطمینان نداشتند، به مقام چهارم آسیا رسیدند. دختران زیر ۱۶ سال ایران با سه پیروزی و دو شکست تا مرحله نیمه نهایی این مسابقات صعود کردند. در بازی رده بندی، تیم نوجوانان بسکتبال ایران با شکست در برابر قزاقستان به مقام چهارم آسیا رسید.

این نخستین حضور دختران بسکتبالیست ایران در تمامی رده های سنی پس از نزدیک به چهار دهه در رقابتهای رسمی بین المللی بود.

فدراسیون جهانی بسکتبال (فیبا) به دلیل بدهی فدراسیون بسکتبال جمهوری اسلامی، در پی جلوگیری از حضور تیم ایرانی در این مسابقات بود و تنها بعد از پرداخت بدهی مجوز شرکت آنها را صادر کرد.

"فیبا" بیشتر با حجاب اجباری دختران بسکتبالیست را موافقت کرده بود.

عربستان اجازه ورود زنان به ورزشگاهها را

خواهد داد

عربستان سعودی از سال آینده ورود زنان به ورزشگاهها آزاد خواهد کرد. با این حال آنها فقط همراه خانواده های شان می توانند در ورزشگاهها حضور یابند. مقررات جدید شامل ورزشگاههای سه شهر پرجمعیت "ریاض"، "جده" و "دمام" می شود.



تا پیش از این، از ورود زنان به ورزشگاه به طور کلی جلوگیری می شد. دستور تازه گام دیگری در جهت دادن آزادیهای بیشتر اجتماعی به زنان در کشوری است که به طور سنتی با مقررات سخت جدایی جنسیتی اداره می شود. پیش از این، ممنوعیت رانندگی زنان نیز برچیده شده بود.

زنان در مسیر رهایی (آبان ۹۶)

بقیه از صفحه ۱۶

روز آزادی مردم ایران نزدیک است پیام گوهر عشقی مادر ستار بهشتی در پنجمین سالگرد شهادت ستار بهشتی

چهار دهه پیش جمهوری اسلامی آمد تا حامی ما مستضعفان باشد، اما طولی نکشید که به جای حمایت از ما، بساط عیش خود را بر مخروبه های بر جای مانده از زندگی ما بنا نهاد. اینک به جای جشن و شادی، به خاطر وجود این حاکمیت، باید عزادار فرزندانمان باشیم. آری! امروز پنجمین سالگرد از دست دادن فرزند و پرستارم «ستار» است. اما به جای گریه و شیون، رقص و شادی بر پا می کنم که فرزندم از خانواده ای فقیر، ضعیف و به زعم برخی بی سواد، توانست پایه های استبداد را به لرزه در آورد و هم چون دیگر جوانان آرمیده در خون خود، نهال آزادی را آبیاری کند. این افتخار برای من، «گوهر عشقی» که



این روزها نسف به شماره افتاده و برای برگزاری مراسم پنجمین سالگرد شهادت فرزندم، دیگر توان و رمقی در بدن ندارم، کافی است. ای کاش سران حاکمیت هم مایه افتخار و نه لعن خاندان شان باشند. گرچه دلایل دیگری نظیر دلالی و عکس گرفتن با ما و تجارت و اخذ پولهای کلان از آن سوی آبها، به نام ما، ضربات مهلک تری بر پیکره ی ما برای برگزاری این نوع مراسمات زده است.

دیری نخواهد پایید که حکام و برخی بی تفاوتان امروز، پاسخ گوی رفتار خود به مردم باشند به حقیقت آن روز نزدیک است. افرادی که خود را آلت دست کرده اند، برای آن روز به فکر خود باشند؛ یک روز از عنوان «خبرنگار» برای نفوذ خود استفاده می کنند و روز دیگر از عنوان «محقق»! اینان نیز به فکر آتیه خود باشند که نه نزد مردم اعتباری دارند و نه حکومتی وجود دارد که زیر عبای آن، به خانواده های مظلوم ضربه ای مهلک تر بزنند.

در این جا لازم می دانم از همه عزیزانی که در این سالهای جفا، ما را یاری داده و در کنارمان بودند قدردانی کنم و تکرار کنم که آزادی ایران و مردم نزدیک است!

گوهر عشقی

*ستار بهشتی وبلاگ نویس ۳۵ ساله، در روز ۹ آبان سال ۹۱، توسط پلیس فتا بازداشت و چهار روز بعد در زیر شکنجه به شهادت رسید و با کفن خونین ۱۸ آبان در قبرستان رباط کریم به خاک سپرده شد.

به گفته فعالان حقوق زنان در مصر، محکومیت دعاء صلاح نمونه ای از مقابله محافل سنتی و اسلام گرا با تابوشکنی در عرصه روابط جنسی در این کشور است

"بانوهای نور" علیه تغییرات اقلیمی در پاکستان



تبعیض جنسیتی علیه زنان، رسیدن به روشهای کارآمد "مبارزه با تغییرات آب و هوایی" را هم مشکل کرده است. به نظر می رسد راهکارهای زن محور پاسخ مناسبی است به پدیده ای که بیش از همه به خود زنان آسیب می زند.

"فیزا فرهان"، ۲۸ ساله که یکی از مووسسان و مدیرعامل نهاد "انرژی بوکش" در پاکستان است، نمونه موفق از زنان کارآفرین در حوزه انرژیهای پاک به شمار می آید. نام او در سال ۲۰۱۵ به لیست ۳۰ نفری از "کارآفرینهای برتر زیر ۳۰ سال در حوزه های اجتماعی" که توسط مجله "فوربس" منتشر شد، راه پیدا کرد. دستاورد موسسه او تامین انرژی پاک برای دورافتاده ترین روستاهای سرزمین اش است که از نعمت برق محروم هستند. او در این پروژه از مشارکت وسیع زنان محلی بهره می گیرد.

در ابتدای پروژه، فرهان و تیمش روستاهای فاقد برق را شناسایی می کردند و یک زن را در هر روستا انتخاب می کردند و پس از دو هفته آموزش فنی و غیر فنی، به این زن لقب "روشنا بی بی" یا "بانوی نور" داده می شد. از این پس، این زن مسوولیت اداره ایستگاه خورشیدی را به نیابت از موسسه بر عهده می گیرد. "روشنا بی بی" فانوسهای خورشیدی را به مردم محلی اجاره می دهد. نصف این اجاره درآمد خود اوست و نصف بقیه برای خدمات نگهداری و تعمیر ذخیره می شود.

این پروژه تا کنون به ۱۱۰ روستا در پاکستان برق رسانده و زندگی بیش از ۲۷۰۰۰ نفر را تحت تاثیر قرار داده است.

دهها میلیون نفر در پاکستان در تاریکی زندگی می کنند و برای روشنایی از انرژیهای فسیلی استفاده می کنند که این امر نه تنها فاجعه زیست محیطی است، بلکه برای سلامتی آنها هم بسیار خطرناک است. به گفته فرهان، دسترسی نداشتن به برق، سالانه دو میلیون مرگ را رقم می زند که ۸۰ درصد آنها مربوط به زنان است. اینجا بود که فرهان نیاز مبرم به منابع انرژی تجدید پذیر را، به ویژه برای زنان حس کرد.

فرهان می گوید: "مشارکت زنان محلی در این پروژه باعث حرکت قدرتمندتر آن رو به جلو می شود، زیرا زنان سفیران قدرتمندتری برای ایجاد تغییر در جوامع خود هستند. آنها نه تنها به انرژی پاک و درآمد دسترسی پیدا می کنند، بلکه این پروژه تاثیرات غیرمستقیمی بر سلامتی، آموزش و امنیت جوامع و به ویژه زنان دارد."

(منابع: ایران وایر، بی بی سی، پیام، رادیوفردا، ایرانشهر، دویچه وله)

نهال ایروانی ثانی با حکم "جری پراون"، فرماندار ایالت کالیفرنیا، از دوشنبه ۶ نوامبر/ ۱۲ آبان فعالیت خود را در مجتمع دادگاهی سانتا کلارا آغاز کرد. خانم ایروانی دانش آموخته رشته وکالت از دانشگاه "استنفورد"، حقوق قضایی از دانشگاه سانتا کلارا و جرم شناسی از دانشگاه کالیفرنیا در ایرواین است و پیشتر به عنوان معاون دادستان محلی در شهر سانتا کلارا به سیستم قضایی کالیفرنیا خدمت کرده بود. شهر سانتا کلارا بخشی از حومه شهر ایرانی نشین "سن حوزه" در شمال ایالت کالیفرنیا و در نزدیکی سانفرانسیسکو است و به دلیل مجاورت با "سیلیکون ولی"، مرکز تجارت اینترنتی و فناوریهای اطلاعاتی جهان، از اهمیت بالایی برخوردار است.

زندان برای مجری زن تلویزیون مصر به دلیل تابوشکنی



"دعاء صلاح"، مجری یک تلویزیون خصوصی، به دلیل طرح روابط جنسی پیش از ازدواج به سه سال حبس محکوم شد. صلاح در برنامه خود درباره بارداری زانی خارج از روابط زناشویی سخن گفته بود. به گفته فعالان حقوق زنان، صلاح با این تابوشکنی درصدد طرح مشکلات این دسته از زنان در جامعه مصر بر آمده بود. دادگاه این برنامه را "خلاف اخلاق و عفت عمومی" خواند و دعاء صلاح را به دلیل اجرای این برنامه "تحریک آمیز" محکوم شناخت.

صلاح در برنامه خود گفته بود یک زن باردار بدون همسر مجبور است که برای به دنیا آوردن فرزندش تن به ازدواج مصلحتی بدهد، اما پس از وضع حمل می تواند از همسر موقتش طلاق گیرد.

دادگاه برای صلاح وثیقه ای حدود ۱۰ هزار پوند مصر (معادل ۴۸۸ یورو) تعیین کرد. به گفته رسانه های مصری، یک وکیل پس از پخش برنامه صلاح در ماه ژوئن ۲۰۱۷ از مجری برنامه شکایت کرد. پس از آن دستگاه قضایی مصر پرونده ای برای وی تشکیل داد.

دعاء صلاح در پاسخ به اتهامات وارده گفت که او تنها در باره این موضوع با مخاطبان خود گفت و گو داشته و یک جمع بندی از نظرات تماشاگران را به صورت سناریویی فرضی بیان داشته است.

صلاح تاکید کرد که در این برنامه به وضعیت ناهنجاری در جامعه مصر اشاره شده که زنان را وادار به "راه حلهایی" می کند که برای همگان "انزجار آور" است، اما با این وجود این موضوعات بخشی از مشکلات اجتماعی اند.

کارورزان سلامت (آبان ۹۶)

تأمین کسری بودجه طرح تحول سلامت از جیب مردم / کنار گذاشتن مطبهای غیردولتی از پوشش بیمه ای

امید برهانی

در روزهای اخیر طی یک مصوبه جنجالی، داروخانه ها از پذیرش نسخه های تجویز شده در خارج از مراکز دولتی منع شدند. این در حالی است که مردم بیش از ۸۰ درصد خدمات سرپایی را از مطبهای پزشکان دریافت می کنند و از این پس تمام هزینه نسخه به عهده بیماران است.



براساس ابلاغیه وزارت بهداشت پیرامون مراجعه دارندگان دارای دفترچه بیمه سلامت همگانی به مراکز دولتی، از این پس داروخانه های خصوصی نمی توانند با دفترچه بیمه سلامت به مردم خدمات ارائه دهند.

در راستای طرح بیمه همگانی در دولت روحانی، حدود ۱۰ میلیون از اقشار مختلف جامعه که تحت پوشش بیمه قرار نداشتند، با مبلغ اندکی صاحب دفترچه بیمه سلامت شدند. اما از آنجا که جایگاه بودجه ای مشخصی برای تأمین هزینه درمانی این افراد در نظر گرفته نشده بود، سرانجام دولت این گروه را که تا قبل از ابلاغ بخشنامه مزبور می توانستند اعم از بخش خصوصی یا دولتی خدمات دریافت کنند، به بخش دولتی منتقل کرد.

با اجرای این ابلاغیه، مردم فقط می توانند از بخش دولتی خدمت بگیرند و حجم عظیمی از خدمات درمانی بر دوش دولت گذاشته می شود. با گشتی در سطح شهر و مراکز درمانی و بیمارستانهای دولتی ازدحام جمعیت در این مراکز به راحتی قابل مشاهده است.

از آنجا که طبق اعلام کارشناسان حدود ۸۰ درصد مردم خدمات سرپایی را از بخش خصوصی دریافت می کردند، باید دید با اجرای این طرح مراکز درمانی دولتی چگونه ارائه خدمات را انجام خواهند داد؛ مراکزی که همواره به اعتراف مسوولان وزارت بهداشت با کمبود نیرو مواجه بوده اند.

۱۴ هزار پرستار جویای کار شایسته هستند

رییس سازمان نظام پرستاری خبر داد: "طبق آخرین اطلاعات آماری جمع آوری شده در سازمان نظام پرستاری، هم اکنون ۱۴ هزار پرستار جویای کار در ایران هستند و این در حالی است که طبق آخرین اطلاعات، بیمارستانهای کشور ۱۰۰ هزار نیروی پرستار کم دارند اما به علت وضعیت جذب شرکتی و مشکلات مالی و نبود جاذبه های شغلی، پرستاران تحصیل کرده کشورمان تمایلی به جذب در مراکز درمانی به صورت شرکتی ندارند.

علی محمد آدابی با اشاره به علت بی تمایلی پرستاران بیکار برای استخدام در قالب شرکتی بیان کرد: "به قطع و یقین کار شرکتی بدون وجود حداقل امنیت شغلی، داشتن حداقل میزان دستمزد و مسایل بیمه در بقیه در صفحه ۱۹

زیادی از آنها با به دست گرفتن پلاکارد و تحصن چند ساعته به تاخیر حدود ۱۰ ماهه در پرداخت کارانه های خود از طرف دانشگاه واکنش نشان داده و اعتراض کردند.

به گفته یکی از مطلعان، پرستاران برای سازماندهی این اعتراض یک گروه تلگرامی ایجاد کرده و پرستاران طلبکار از دانشگاه را به آن دعوت کرده بودند. حراست بیمارستان خمینی و حراست مرکز طبی اطفال دانشگاه تهران به شناسایی ادمینهای این دو کانال پرداختند و بعد از شناسایی، آنها را همچون مجرمان به حراست مرکزی برده و تهدید کردند و سرانجام موفق به بستن گروه مربوط به مرکز طبی اطفال دانشگاه علوم پزشکی تهران شدند، اما این گروه مجدداً به فعالیت خود ادامه داد و همه اعضا در این گروه تجمیع شدند و قرار بر این شد که تجمع فقط در محوطه بیمارستان خمینی انجام شود.

یکی از پرستاران پیرامون مطالبات معترضان گفت: "کارانه پرستاران تقریباً بخش زیادی از حقوق دریافتی آنها را شامل می شود؛ به عنوان مثال، در یک دریافتی ۱.۵ میلیون تومانی، حدود یک میلیون تومان مربوط به کارانه است که متأسفانه این حجم وسیع از دریافتیهای پرستاران حدود ۱۰ ماه است پرداخت نشده و برای این پرستاران که هر یک به نوبه خود درگیر مشکلات و پرداختهای گوناگونی در زندگی شان از قسط و اجاره تا خرج روزمره هستند، مشکلات عدیده ای ایجاد کرده و کارد را به استخوان رسانده است."

جامعه پرستاری در آستانه انفجار است

قائم مقام سازمان نظام پرستاری با اشاره به وضعیت پرستاران بیمارستان خمینی تهران، گفت: "۹ ماه است که کارانه ای به آنها نپرداخته اند. این مشکل در مراکز دیگر مانند گیلان نیز وجود دارد. متأسفانه مراکزی داریم که کارانه پرستاران از ۹ ماه تا یک سال معوقه است."

محمد شریفی مقدم تأکید کرد: "وضعیت پرستاران در چهار سال گذشته نه تنها بهتر نشده، که بدتر هم شده است. متأسفانه معوقه چند ماهه در پرداخت کارانه پرستاران وجود دارد. برخی از مراکز مشکل پرداخت کارانه پرستاران تا ۱۱ ماه را دارند و می توان گفت در دوران آقای روحانی رضایت پرستاران جلب نشده و به خصوص وضعیت در یکسال گذشته با توجه به مشکلات مالی دولت بدتر بوده و کارانه ها عقب افتاده و می توان گفت جامعه پرستاری در آستانه انفجار است."

عصبانیت و تجمع کارکنان بیمارستان امینی لنگرود

روز یکشنبه ۷ آبان، کارکنان بیمارستان امینی لنگرود در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان، روز یکشنبه ۷ آبان دست از کار کشیده و در محوطه این بیمارستان تجمع کردند. یکی از کارکنان معترض این بیمارستان اظهار کرد: درآمد علوم پزشکی استان از بیمارستانها بوده ولی علت عدم پرداخت مطالبات برای هیچ کدام از کارکنان روشن نیست و موجب مشکلاتی در وضعیت زندگی کارکنان شده است.

جهش بودجه ای با صرفه جویی در پرسنل و کاهش هزینه های مزدی

رییس دانشگاه علوم پزشکی گیلان روز دوشنبه ۱ آبان در جمع مدیران پرستاری و سوپروایزران مراکز درمانی دولتی استان اظهار کرد: "در سال ۹۵ علیرغم انباشت بدهیهای سالهای گذشته، با اجرای برنامه راهبردی، جهشی بودجه ای ارزشمندی ایجاد شد و توانستیم برخی از مطالبات را با مدیریت هزینه و افزایش درآمد، پرداخت کنیم."



دکتر یوسف زاده چابک افزود: "توانسته ایم در سال گذشته ۲۰ درصد و در شش ماه اول سال جاری، ۵۰ درصد صرفه جویی و کاهش هزینه داشته باشیم." وی همچنین اعتراف کرد: "از زمان اجرای طرح تحول نظام سلامت، فشار و استرس مضاعفی بر بدنه پرستاری کشور وارد شد و تاخیر در پرداختها و افزایش انتظارات مردم در پی اجرای این طرح، موجب پیدایش اثرات نامطلوب شغلی در این قشر دانشگاهی شد."

معصومه شبشه گران، مدیر اداره پرستاری و مامایی دانشگاه نیز از قشر پرستار علیرغم مشکلات مالی و تاخیر در پرداختها به عنوان "قشری وفادار" یاد کرد و گفت: "برای کمک رسانی به این قشر پرتلاش، تنها پرداخت معوقه های جاری کار ساز نیست، در این خصوص افزایش جذب نیروی غیر حرفه ای مانند منشی و کمک پرستار می تواند بسیار موثر باشد، زیرا پرستار می تواند به دور از دغدغه ها، به حرفه اصلی خود بپردازد."

احضار و تهدید مانع تجمع پرستاران بیمارستان خمینی نشد



ساعت هفت صبح سه شنبه ۲ آبان، تجمعی در محوطه بیمارستان خمینی توسط پرستاران این بیمارستان به همراه پرستاران مرکز طبی اطفال دانشگاه تهران صورت گرفت که در جریان آن تعداد

کارورزان سلامت (آبان ۹۶)

بقيه از صفحه ۱۸

شان پرستارانی که چندین سال درس می خوانند و دوره های تئوری و عملی را با همه سختیها و دقتهایش می گذرانند، نیست."



وی تاکید کرد: "با ایجاد جاذبه های شغلی پرستاری در بیمارستانها علاوه بر مشغول به کار شدن پرستاران جویای کار، می توان سالانه با آموزش و جذب ۸ الی ۱۰ هزار دانشجوی پرستاری، هم مشکل کمبود نیروی متخصص پرستاری در بیمارستانها را رفع کرد و هم نگرانی از کمبود نیروهای جوان و پر انرژی را از میان برد."

تهدید و بازخواست؛ پاسخ معترضان به

سوومدیریت دانشگاه علوم پزشکی لرستان

بعد از گذشت چند هفته از تجمع اعتراضی کادر درمان دانشگاه علوم پزشکی لرستان در اعتراض به مطالبات معوقه و سوومدیریت رییس دانشگاه در مقابل ساختمان استانداری و مجموعه دانشگاه، رییس و مسوولان دانشگاه علوم پزشکی لرستان به جای شنیدن مطالبات و سخنان معترضین و تلاش برای حل مشکلات آنها، به بهانه هایی نظیر "تخریب شخصیت مدیران" و زیر سوال بردن حوزه مسوولیتی آنها، به شکایت، تهدید و بازخواست منتقدان و معترضان حاضر در تجمع روی آورده و تعدادی از ایشان را به دادگاه و هیات رسیدگی به تخلفات اداری کشانده اند.



چند هفته قبل از تجمع یاد شده، اسناد و اخبار زیادی از سوومدیریت و آلودگیهای مالی در مورد مدیران این دانشگاه در فضای رسانه ای مطرح شد؛ مواردی نظیر خرید ساختمان استانداری به مبلغ ۲۵ میلیارد تومان بدون کاربری درمانی آنها در فاصله ۵۰۰ متری بزرگترین بیمارستان استان، خرید مرکز رادیوتراپی با هزینه ۱۲ میلیارد تومان به ۴ برابر قیمت واقعی و با تجهیزات دست چندم و بعضا غیرقابل استفاده، خرید ساختمان مسکونی خیابان بعثت با هزینه ۱۵ میلیارد تومان با هدف تبدیل کاربری به مجتمع درمانی که با شکایت همسایگان تغییر کاربری انجام نشده و به

منزل مسکونی لوکس تبدیل شد، جابجایی اعتبارات طرح تحول و پزشک خانواده جهت هزینه های جاری، آمارسازی در مورد کمکهای خیرین سلامت، تخریب اورژانس بیمارستانها با هدف بازسازی که البته بعد از تخریب به دلیل عدم پیش بینی اعتبار هیچ بازسازی ای انجام نشده و... .

وقتی مسوولان و مدیران ارشد وزارت بهداشت، به جای برخورد با مدیران متخلف و کار نابلد به حمایت کورکورانه از آنها روی می آورند، تهدید و بازخواست کارمندی که ماههاست حقوق حقه خود را دریافت نکرده و برای اعتراض به وضعیت اسفناک مدیریتی موجود چاره ای جز تجمع و اعتراض دسته جمعی را پیش روی خود نمی بینند، دور از انتظار نیست.

فراخوان سازمان نظام پرستاری برای کمک

به مناطق زلزله زده

سازمان نظام پرستاری با صدور فراخوانی از کلیه اعضای جامعه پرستاری داوطلب حضور در مناطق زلزله زده غرب کشور دعوت کرد که برای کمک به زلزله زدگان این مناطق ثبت نام کنند. در این فراخوان گفته شده: "اخبار منتشر شده از مناطق زلزله زده حاکی از آن است که بسیاری از زیر آوار ماندگان و مجروحان زلزله، زنان و کودکان بیگناه هستند که باید هر چه سریع تر خدمات پرستاری دریافت کنند."

پاسکاری تعرفه های پرستاری ادامه دارد

قائم مقام سازمان نظام پرستاری کشور روز سه شنبه ۲۵ آبان از همراهی وزارت بهداشت در ارسال تعرفه های پرستاری به شورای عالی بیمه خبر داد و گفت: "انتظار می رود این شورا به آرزوی ۱۰ ساله پرستاران پاسخ مثبت دهد."

محمد شریفی مقدم افزود: اخیرا با دستور معاون اول رییس جمهوری بر روند پیگیری و رفع موانع اجرای قانون تعرفه های خدمات پرستاری، دوباره این قانون روی ریل حرکت قرار گرفت. بطوریکه توانستیم جلسات مشترکی با کمیسیون بهداشت و درمان مجلس داشته باشیم."

وی ادامه داد: "در این جلسه مقرر شد تعرفه های پرستاری در قالب بسته های خدماتی در اسرع وقت از وزارت بهداشت به کمیسیون اجتماعی دولت ارسال و از این کمیسیون به شورای عالی بیمه ارجاع شود." به گفته شریفی مقدم، ارسال تعرفه های پرستاری از وزارت بهداشت به شورای عالی بیمه پس از گذشت نزدیک به ۱۰ سال، گام مثبتی است که اتفاق افتاده و حالا پرستاران باید منتظر تصمیم وزارت رفاه و شورای عالی بیمه باشند که این تعرفه ها را تایید کند و برای تصویب به هیات دولت بفرستد.

حضور پر رنگ پرستاران در

مناطق زلزله زده

معاون وزیر بهداشت روز یکشنبه ۲۸ آبان گفت: "پرستاران از همان ساعات اولیه زلزله حضور پر رنگی برای خدمت رسانی به آسیب دیدگان زلزله داشتند و همه پرستاران شهر کرمانشاه باوجود اینکه خانواده های شان را از دست داده یا خانواده های شان آسیب دیده و یا در معرض زلزله بودند، ساعتی متوالی در محل کار حاضر شده و به حجم انبوهی از

بیماران خدمت رسانی می کردند." مریم حضرتی افزود: "علاوه بر آن، پرستاران زیادی برای خدمت رسانی در شرایط بحران از استانهای مجاور از جمله همدان نیز فراخوانده شدند و تیمهای پرستاری برای وضعیت بحران تشکیل شدند."

وی گفت: "حدود ۱۲۰ پرستار از دانشگاههای علوم پزشکی تهران، بهشتی، ایران و البرز به سرپرستی مدیرکل دفتر ارتقای سلامت معاونت پرستاری به منطقه زلزله زده غرب کشور اعزام شدند و تیمهایی نیز از پرستاران استان گیلان و اصفهان به کرمانشاه آمدند."

حضرتی افزود: "در مجموع علاوه بر پرستاران کرمانشاه، حدود ۲۰۰ پرستار نیز از استانهای دیگر به منطقه حادثه اعزام شدند و از بعد از ظهر روز اول حادثه در منطقه بودند. در کنار این تیمهای سازماندهی شده، تعدادی پرستار هم به صورت خودجوش در منطقه زلزله زده حاضر شدند."

معاون وزیر بهداشت گفت: تعداد پرستاران در بیمارستانهای کرمانشاه و نیز بیمارستانهای استان تهران و همدان که پذیرای تعدادی از مصدومان زلزله بودند، بیش از حد انتظار بود، به طوری که هیچ کمبودی از نظر پرستار نداشتیم. حتی پرستاران فرصت کافی برای جا به جایی و تغییر شیفت داشتند و نیروهای پشتیبان و آماده برای مراقبت از مصدومان حاضر بودند."

تجمع کارکنان بیمارستان خمینی اهواز

روز سه شنبه ۳۰ آبان، جمعی از کارکنان بیمارستان خمینی اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه در محل دانشگاه علوم پزشکی اهواز تجمع کردند.

یکی از کارکنان معترض بیمارستان خمینی اهواز گفت: تعدادی از کارکنان پیمانکاری این مرکز با هشت تا ۱۲ سال سابقه بین پنج تا ۱۰ ماه حقوقی دریافت نکرده و وضعیت آنها مشخص نیست و بیمه کارکنان نیز به موقع پرداخت نمی شود و ما سالی ۲ بار حقوق می گیریم.

وی با اشاره به این که تاکنون هیچ جوابی از مسوولان مربوطه دریافت نکرده اضافه کرد: در مواقع بحران ما را نیروی دانشگاه می نامند اما وقتی طلب حقوق می کنیم به عنوان نیروی خصوصی قلمداد می شویم.

(منابع: نظام پرستاری، فرهیختگان، ایلنا، فارس، لنگر خبر، باشگاه خبرنگاران جوان، مهر، ایرنا)



چالشهای معلمان در آبان ماه (۹۶)

فرنگیس باقره

بدایق، معلمی که به خاطر فعالیتهای صنفی چند سال را در زندان گذراند، را صادر کند.



تا بیمه کامل واریز شود، یعنی برایمان ماهی دویست هزار تومان باقی می ماند. ما مجبوریم برای رفت و آمد به مدارس حداقل ۱۵۰ هزار هم پول سرویس بدهیم و در نهایت برایمان فقط ۵۰ هزار تومان باقی می ماند. این معلم همچنین می گوید: "دو سال است پول نفت مدرسه را نیز از جیب خودمان پرداخت می کنیم. به ما می گویند موقع تسویه حساب پولش را می دهیم، این در حالیست که حقوق مان را بعد از یکسال می پردازند." وی با بیان این که صدای نیروهای خرید خدمات آموزشی به جایی نمی رسد؛ می گوید: "ما نیروهای خرید خدمات آموزشی بلاتکلیف و سرگردان مانده ایم و هیچ مرجعی پاسخگو ما نیست."

تحصن چهار روزه فرهنگیان بازنشسته با سفره خالی

صدها تن از بازنشستگان فرهنگی تهران و حومه طی چهار روز متوالی برای تاکید بر خواسته های خود و اعتراض به بی توجهی مسوولان در برابر سازمان برنامه و بودجه دست به تحصن زدند.



در متن این کمپین که روز شنبه ۱۳ آبان انتشار یافت آمده است: "آقای رسول بدایق، دبیر دبیرستانهای اسلام شهر تهران، برابر اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران (به مرکزیت تهران) بوده که با مجوز و نظارت نمایندگان کمیسیون ده احزاب و تشکلهای صنفی وزارت کشور و با رای اکثریت معلمان و فرهنگیان حاضر در مجمع عمومی انتخاب شده و هیچگونه فعالیت و حرکتی غیر از احقاق حقوق مادی و معنوی معلمان، دانش آموزان و ارتقای علمی، فرهنگی و تربیتی کشور انجام نداده است."

معلمان و کوشندگان می افزایند: "رسول بدایق شیفته شغل خود و خدمت به فرهنگ و آموزش و پرورش کشور است، اما شوربختانه به مدت هفت سال عمر خود را در زندان گذرانده و بعد از ۲۱ سال خدمت صادقانه در آموزش و پرورش کشور، از کار بیکار شده است."

کمپین، حسن روحانی را مخاطب قرار داده و می گوید: "خواهشمندیم دستور فرمایید با توجه به مفاد اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تمهیدات لازم را برای برگشت به کار وی فراهم آورند."

تجمع اعتراضی آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی استان مازندران

روز دوشنبه ۱۵ آبان، همزمان با سفر وزیر کشور به استان مازندران برای معارفه استاندار جدید، آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی این استان مقابل استانداری در شهر ساری تجمع کردند.

حق التدریسهای همدان بیکار یا نیمه وقت

معلمان حق التدریس نواحی یک و دو شهرستان همدان با مراجعه به رسانه ها از روند ساماندهی خود در سال جاری انتقاد کردند. آنها می گویند: "با وجود گذشت یک ماه و نیم از آغاز سال تحصیلی، هنوز ساماندهی نشده ایم. از قرار معلوم، امسال از ۹۰ نفر معلم حق التدریسی همدان، تنها ۴۰ نفر آنها آن هم به صورت نیمه وقت تدریس دارند و ۵۰ نفر باقیمانده بیکارند."

یکی از این معلمان که دوازده ساعت تدریس برایش در نظر گرفته شده می گوید: "همه ما حداقل یک یا دو سال سابقه کار داریم؛ تدریس نیمه وقت برای ما سابقه محسوب نمی شود. با تدریس نیمه وقت، هم حقوق مان که براساس قانون کار است، نصف می شود و هم فقط برای نصف ماه بیمه می شویم."

بقیه در صفحه ۲۱

تجمع اعتراضی آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی استان کهگیلویه و بویراحمد

آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به بلاتکلیفی استخدامی مقابل استانداری تجمع کردند و خواستار تایید طرح پلکانی تمام آموزش دهندگان تا سال ۹۵ شدند.



یکی از معترضان گفت: "آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی همچون چوپانان، خبری از بیمه ندارند و در سال تنها با ۵۰۰ هزار تومان امرار معاش می کنند."

وی با انتقاد از شرایط تعیین شده برای اجرای طرح پلکانی با ۵ سوادآموز، افزود: "در یک منطقه عشایری که در دامنه کوهها واقع شده، وقتی ۵ سوادآموز نباشد باید چکار کنیم تا طرح پلکانی شامل حال ما هم شود؟"

یکی دیگر از تجمع کنندگان ادامه داد: "در سال ۵۰۰ هزار تومان حق الزحمه به آموزش دهندگان آن هم به صورت دستی پرداخت می شود، یعنی باید برای گرفتن این مبلغ حداقل ۱۰۰ هزار تومان هم هزینه کنیم و به یاسوج سفر کنیم."

خواسته دیگر تجمع کنندگان برخورداری از بیمه بود.

استثمار بی پرده معلمان بخش خصوصی

نیروهای خرید خدمات آموزشی میانه در تماس با رسانه ها پیرامون شرایط سخت شغلی خود آگاهی رسانی کردند. آنها می گویند در حالی که دستمزدشان از حداقل مصوب نیز کمتر است، از حق بیمه و سایر خدمات رفاهی نیز محروم هستند.

این نیروها از سه سال پیش مشغول به کارند و یکی از این آنها می گوید: "در دورترین و صعب العبورترین روستاها مشغول خدمت هستیم، ولی با این وجود وضعیت قراردادی که ما می بندیم، به شدت نامناسب است."



این تحصن که از طریق شبکه های اجتماعی سازمان داده شده بود، از روز دوشنبه ۸ آبان آغاز گردید. کارورزان فرهنگی بازنشسته خواسته های خود را از جمله اجرای دقیق همسان سازی مستمریها، اجرای قانون خدمات مدیریت کشوری و گسترش خدمات بیمه ای اعلام کردند.

معترضان پلاکاردهایی در دست داشتند که بر شماری از آنها این شعارها دیده می شد: "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "معیشت منزلت سلامت، حق مسلم ماست"، "خط فقر ۴، میلیون حقوق ما ۴ میلیون" و "این همه بی عدالتی، هرگز ندیده ملتیی".

شرکت کنندگان در تحصن چهار روزه به سخنرانی و خواندن مقاله پرداختند و سرودهای مختلفی مانند "ای ایران" و "یار دبستانی" سر دادند.

راه اندازی کمپین بازگشت به کار رسول بدایق

شماری از معلمان و کوشندگان مدنی با راه اندازی کمپینی از حسن روحانی خواستند مجوز بازگشت به کار رسول

او توضیح داد: "با ما ۵۰۰ هزار تومان قرارداد می بندند که مجبوریم از همین مبلغ، حق بیمه ۱۵ روز یعنی ۱۵۰ هزار تومان بپردازیم. به ما می گویند اگر می خواهید بیمه یک ماهه واریز کنیم، باید ۱۵۰ هزار تومان دیگر به ما بدهید

چالشهای معلمان در آبان ماه (۹۶)

بقیه از صفحه ۲۰

این معلم افزود: "تازه وضع ما ۴۰ نفر بهتر است؛ ۵۰ نفر دیگر از همکاران من حتی یک ساعت هم کلاس ندارند و این مساله سابقه آنها را در معرض خطر قرار می دهد." مصطفی خزانی، مدیرکل آموزش و پرورش استان همدان، در واکنش به اعتراض معلمان حق التدریسی گفت: "وقتی ظرفیت خالی نداریم، چطور آنها را به کار بگیریم؟ قانون جذب مجلس هم می گوید آموزش و پرورش در صورت نیاز بایستی حق التدریسیها را جذب کند."

تجمع اعتراضی معلمان آموزش و پرورش عشایری ایزده مقابل فرمانداری

ظهر روز چهارشنبه ۲۴ آبان، معلمان جا مانده از استخدام آموزش و پرورش عشایری ایزده در اعتراض به بی توجهی به سوابق خود و استخدام افراد غیر مربوط، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. یکی از معلمان مدارس حق بیمه و اشتغال خود در این اداره را پرده برداشت و امیدوار بودیم در آینده برای استخدام با توجه به آنچه که از گذشته وجود داشت و قوانین وصف شده در این رابطه، به طور قطع به کار گرفته شویم."

وی افزود: "متأسفانه در استخدام اخیر یک حق خوری آشکار در حق ما که چند سال در انتظار بوده و دارای شرایط لازم و بیمه هستیم صورت گرفت و برخی از افرادی که تا به امروز هیچ سابقه لازم و رزومه ای برای این کار ندارند، با اعمال فشار و سفارش جایگزین ما شده و امیدهای ما به ناامیدی تبدیل شده است." فرماندار شهرستان در واکنش به اعتراض معلمان مدعی شد با مسوولان استانی تماس گرفته و وعده داد مشکل آنها تا روزهای نخست هفته آینده حل می شود.

لغو حکم تبعید یک فعال صنفی معلمان

حکم یکسال تبعید عزیز قاسم زاده که در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۵ در هیات بدوی صادر شده بود، لغو گردید.



عزیز قاسم زاده، سخنگوی کانون صنفی معلمان استان گیلان، از کنشگران آموزشی و هنرمند فعال در پهنه موسیقی است.

او پس از آنکه در کلاس هنر دانش آموزانش تصنیفی از همایون شجریان، خواننده جوان ایرانی اجرا کرد، با شکایت اداره آموزش و پرورش شهرستان انزلی روبرو گردید و سپس در هیات رسیدگی به تخلفات اداره کل آموزش و پرورش گیلان، به یک سال تبعید از انزلی به رودبار محکوم شد. عزیز قاسم زاده به حکم تبعید خود اعتراض کرد و اکنون هیات تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری استان گیلان، رای هیات بدوی را لغو کرده است.

مرگ ۱۳ دانش آموز و تخریب ۲۴ مدرسه در زلزله کرمانشاه

وزیر آموزش و پرورش از تخریب ۲۴ مدرسه و واحد آموزشی و کشته شدن ۱۳ دانش آموز بر اثر زلزله در استان کرمانشاه خبر داد.

احمد بطحایی گفت: "تعدادی دیگر از مدارس در منطقه هستند که تخریب نشده اند، اما به دلیل آسیبهایی که دیده اند امنیت لازم را برای برگزاری کلاسها ندارند به همین دلیل نمی توانیم در آنها کلاسهای درس برگزار کنیم." وی افزود: "سلامت دانش آموزان از اینکه تحصیل شان کمی عقب بیفتد برای ما مهم تر است. به همین دلیل تلاش داریم با برنامه ریزی مناسب همچون دو شیفته کردن مدارس یا احداث کانکس به سمتی حرکت کنیم که دانش آموزان در امنیت و سلامت به تحصیل ادامه بدهند."

کمیته سراسری فرهنگیان در حمایت از زلزله زدگان کرمانشاه

فعالان صنفی معلمان روز آینه ۲۶ آبان از ایجاد یک کمیته سراسری توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور برای حمایت از زلزله زدگان کرمانشاه خبر دادند.

رضا مسلمی، عضو شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، در ارتباط با اهداف و عملکرد این کمیته گفت: "هدف ما اینست که هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت بتوانیم با همیاری فرهنگیان، بخشی از نیازهای مردم داغدیده کرمانشاه را تامین کنیم و وظیفه ملی و انسانی خود را به این ترتیب انجام دهیم."

او افزود: "معلمان استقبال خوبی از کمیته داشته اند و مقدار قابل توجهی کمکهای نقدی جمع آوری شده است و در جهت استمرار این حرکت، از ابتدای ماه آینده، فاز دوم جمع آوری کمکها آغاز خواهد شد."

اسکندر لطفی، عضو دیگر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، در ارتباط با عملکرد این کمیته گفت: "شورا تصمیم دارد با شکل اصولی دادن به کمیته اختصاصی فرهنگیان و تمرکز روی کودکان و دانش آموزان در اولویت اول و زنان و کهنسالان در اولویت بعدی، وسایل مورد نیاز را با وسواس کافی و به صورت مداوم برای آنها ارسال کند."

او ادامه داد: "این حرکت جمعی سنگ بنایی است که نیاز به همراهی تک تک فعالان صنفی و معلمان دارد که ضمن آرایه راهکارها و حضور فیزیکی نمایندگان شان در مناطق، جامعه معلمان بتواند به طور دایمی به عنوان یک بازوی مورد اعتماد و توانمند، بخشی از سازماندهی چنین مسائلی را عهده دار باشد."

(منابع: تسنیم، ایلنا، کانال بازنشستگان فرهنگی، فارس، خبرآنلاین)

نامه سعید شیرزاد برای محمد نظری



کجاست شاهین، صدای بی صدایان، وقتی صدای محمد نظری که بار سنگین ۹۵ روز گرسنگی را به دوش می کشد به خاطر بی کسی و گمنامی اش شنیده نمی شود. کجاست داریوش تا ببیند محمد نظری را که ۲۴ سال زندان، بر صلیب صدا مصلوبش نکرده است. کجاست مرجان که ببیند رهایی اش فریاد ۹۵ روز گرسنگی محمد نظری شده است.

روز است که محمد نظری با گرسنگی اجباری اش جانش را همچون تیر بر کمان نهاده و جز آب و قند و نمک چیزی بر زبانش مزه نکرده است. آیا هرگز با خود اندیشیده اید در پس رنج ۲۴ سال زندان و غم از دست دادن عزیزان و در اوج بی کسی چرا انسانی باید این گونه عذاب ۹۵ روز گرسنگی را بر تن بگیرد؟

با شما هستم شما یاوران همیشه مومن که دیروز یار و یاور آرش شدید و صدایش را به گوش جهانیان رساندید یا که در هنگامه ی بازی گرگ و میش، اتنا را فراموش نکردید که از بی صدایی بمیرد و چشمان زینب شدید که با شما بتواند هزاران بار به آبیتر و زریور بنگرد. اکنون شما را چه شده است که این گونه انسانی را پس از ۹۵ روز اعتصاب هیچ صدایی نیست مگر فرق او با آرش و اتنا و زینب چیست که چنین در اوج بی صدایی و بی کسی به سوی مرگ می رود و مرگ برایش رهایی شده است...

آیا می توانید تصور کنید ۸۵۴۵ روز زندان بدون یک ساعت مرخصی (تا به امروز) یعنی چه؟ با خود اندیشیده اید ما را چه شده است که مرگ انسانی از بی کسی را نظاره گر شده ایم، وجدانمان را باد برده است یا گردباد حادثه های پی در پی آن را درهم نوردیده است؟ او می میرد نه مرگی از گرسنگی که از بی کسی اش می میرد و ما را آیندگان چگونه به یاد خواهند داد؟ ما در خودمانده گان از پس این سکوت سهمگین، محکوم تاریخیم!

محمد نظری ۹۵ روز است هیچ نمی نوشد جز آب و قند و نمکی که با آن به سختی زنده مانده است. محمد تا به امروز ۳۰ کیلو از وزنش را از دست داده است. ضربان قلبش نامنظم شده، قدرت تکلمش را تقریباً از دست داده و توان راه رفتن ندارد.

قطره قطره خون این انسانی که تاکنون ایستاده است و من را یارای نگرستن در چشمانش نیست سیلی است انسانی که حتی ۹۵ روز گرسنگی هم نمی تواند وصف دردها و رنجهای بی پایانش باشد. انسانی با مارش فراد، انسانی از مرداد تا آبان، انسانی از گرسنگی تا رهایی و انسانی از بی کسی تا مرگ ...

سعید شیرزاد، ۱۰ آبان ۱۳۹۶، زندان گوهردشت

منبع: بنیاد ریحان

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آبان ۱۳۹۶

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

شهرستان شادگان در جنوب غرب خوزستان و ۷۵ کیلومتری اهواز حدود ۱۸۸ روستا و سه بخش دارد. شادگان دارای بیش از ۵۷ هزار هکتار زمین قابل کشت است که تنها نیمی از این زمینها به دلایلی از جمله کمبود آب کشت می شود.

*ظهر روز دوشنبه اول آبان، جمعی از کشاورزان شهر بیارجمند در اعتراض به مشکلات چاههای آب کشاورزی این منطقه مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش مرات، یکی از حاضران در این تجمع با اشاره به بیکاری جوانان بیارجمندی با وجود ظرفیتهای کشاورزی این منطقه گفت: اداره منابع طبیعی، ۶ حلقه چاه آب زرين دشت بیارجمند را بدون ضابطه به فرد خاصی واگذار کرده است که این فرد حتی تعهدات سال قبل خود را نیز انجام ن داده است.

*روز سه شنبه ۲ آبان، اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک پارس واقع در شهرک صنعتی کاوه ساوه در اعتراض به اخراج گسترده و حقوقهای نجومی مدیران شرکت، وارد دومین هفته شد. به گزارش نفت ما، اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک پارس تولیدکننده انواع تایرهای کامیونی، اتوبوسی، وانتی و سواری با نام تجاری «پیروزی» در اعتراض به اخراج گسترده و حقوقهای نجومی مدیران شرکت وارد دومین هفته شد.

*روز سه شنبه ۲ آبان، کارگران اخراجی شرکت پویش معادن ذوب آهن اصفهان در منطقه پروده طیس، همزمان بانثست بررسی منطقه ویژه معدنکاری طیس دست به تجمع مقابل فرمانداری ویژه این شهرستان زدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران گفت: در گذشته حدود ۵۰۰ نفر در معدن پویش کار می کردند که از ابتدای سال نصف کار تعطیل شد و نیروها به ۲۵۰ نفر کاهش پیدا کرد و گفتند می خواهند به زغال سنگ واگذار کنند و اکنون همین کارگران نیز از کار بیکار شدند.

*روز سه شنبه ۲ آبان، جمعی از کارکنان تعاونیهای سهام عدالت سراسر کشور به نمایندگی از طرف دو هزار تن از همکاران شان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت ۳۱ ماه حقوق مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش مهر، ۲۵۲ تعاونی سهام عدالت در شهرستانهای مختلف کشور با حدود ۲ هزار نیرو وجود دارد که گفته می شود عمده این افراد از فرزندان تحصیل کرده اقشار آسیب پذیر، معلولان و زنان سرپرست خانوار هستند.

*روز دوشنبه اول آبان، جمعی از کارگران شرکت حمل و نقل بین‌المللی خلیج فارس برای چندمین بار پس از خصوصی سازی دست از کار کشیده و از اسلامشهر راهی تهران شدند تا اعتراض شان نسبت به خصوصی سازی، کاهش حقوق و عدم پرداخت به موقع آن را مقابل وزارت کاربه نمایش گذارند. به گزارش ایلنا، این کارگران گفتند: از اردیبهشت سال ۹۵ که مدیریت شرکت حمل و نقل بین‌المللی خلیج فارس به بخش خصوصی واگذار شد، پرداخت مطالبات مزدی و بیمه ای آنها برهم خورده است. به

بقیه در صفحه ۲۳

کوهها شدند. همچنین تشکلهای زیست محیطی شرق مازندران نسبت به قطع شمشادهای مهربان رود دست به تجمع زدند.

حرکت‌های اعتراضی کشاورزان نیز در ماه گذشته وجود داشت. تجمع کشاورزان شادگان در اهواز، تجمع کشاورزان شهر بیارجمند در سمنان، تجمع اعتراضی شبانه روزی اهالی سراوان، تجمع اعتراضی اهالی روستاهای طالش محله، شاه منصور، محله فتوک و توبن در رامسر، تجمع جمعی از کشاورزان انار، تجمع ساکنان روستای «مور زرد زیلابی» در استان کهگیلویه و بویراحمد از جمله این حرکت‌های اعتراضی است. حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار نیز در ماه گذشته در کنار حرکت‌های اعتراضی معلمان و پرستاران به طور روزمره ادامه داشت. برخی از این حرکت‌های اعتراضی به قرار زیر است.

۱۶۳ حرکت اعتراضی بدون محاسبه حرکت‌های اعتراضی غارت شدگان

*روز دوشنبه اول آبان، جمعی از کارگران پتروشیمی بوعلی سینا واقع درماهشهر، منطقه ویژه اقتصادی (پروژه شرکت رامپکو) در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و دیگر مطالبات شان دست از کار کشیده و اجتماع کردند. به گزارش ایرنا، رییس روابط عمومی پتروشیمی بوعلی سینا در این باره گفت: امروز تعدادی از کارکنان پیمانکاری پتروشیمی بوعلی سینا در اعتراض به پرداخت نشدن به موقع حقوق ماهیانه خود دست به تجمع زدند.

*روز دوشنبه اول آبان، جمعی از کارگران اخراجی شرکت انفورماتیک ایران (شرکت وابسته به بانک صادرات ایران) برای بار دیگر مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یک کارگر اخراجی شرکت انفورماتیک ایران گفت: حقوق ما منظم بود و بدون هیچ اضافه کاری و مزایایی حقوق وزارت کاری پرداخت می شد اما در همین اواخر سه ماه حقوقها عقب افتاد. ما تا شهریور امسال در شرکت وابسته به بانک صادرات کار می کردیم، اما بعد ناگهان اخراج شدیم. وقتی همراه چند نفر از اخراجیها به برج سپهر، ساختمان مرکزی بانک صادرات مراجعه کردیم، رفتار کارکنان حراست بسیار بد بود و حتی حراست به ما گفت اگر در اینجا تجمع کنید تیراندازی می کنیم در حالی که ما اصلاً قصد تجمع نداشتیم.

*روز دوشنبه اول آبان، کارگران کارخانه پوشاک قهرود کاشان در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی مقابل اداره کار و فرمانداری کاشان تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، کارگران کارخانه پوشاک قهرود کاشان وقتی به محل کار خود رفتند، با درهای بسته این واحد صنعتی ۴۰ ساله روبرو شدند. کارگران این کارخانه پس از تجمع در اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی کاشان، دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند.

*روز دوشنبه اول آبان، جمعی از کشاورزان شادگان در اعتراض به عدم پرداخت خسارت ناشی از خشکسالی مقابل ساختمان مدیریت بانک کشاورزی در اهواز تجمع و خواستار پرداخت خسارت توسط صندوق بیمه محصولات کشاورزی خوزستان شدند. به گزارش ایرنا، کشاورزان شادگانی ۲ سال است که زمینهای خود را بیمه می کنند اما صندوق بیمه در مقابل خسارات وارده به تعهدات عمل نمی کند.

جنبش بی شماران به پیش

در ماه گذشته حرکت‌های اعتراضی غارت شدگان همچنان ادامه داشت و پایوران رژیم در موارد بسیار محدود مجبور به عقب نشینی و پرداخت بخشی از سپرده های آنان شدند اما همزمان رسانه ها را از پوشش خبری حرکت‌های اعتراضی سپرده گذاران منع کرده اند.

روز چهارشنبه ۱۰ آبان، علی وقفچی، مجلس نشین از زنجان به ایلنا گفت: «صدا و سیما در روزهای اخیر دو بار مصاحبه های وی درباره اعتراضات مال باختگان را پخش نکرده و وقتی موضوع را پیگیری کرده به او گفته اند که شورای عالی امنیت ملی در مصوبه ای این اجازه را به صدا و سیما داده که مانع از پخش صدای سپرده گذاران شود.»

شماری از تحصنها و تجمع‌های غارت شدگان نهادهای مالی پدیده، کاسپین، ولیعصر، آرمان وحدت، عصرنوبین، البرز ایرانیان (آرمان)، افضل توس به قرار زیر است:

روز دوشنبه اول آبان مقابل مجلس رژیم. برخی از شعارهای معترضان چنین بود: ای رهبر آزاده، سکوت چه معنی داره؟ میانمارو رها کن، فکری به حال ما کن، ننگ ما ننگ ما، این شیخ الدنگ ما، سهامدار پدیده جون به لبش رسیده، غارت اموال مردم توسط قوه قضاییه

روز چهارشنبه ۳ آبان روبروی استانداری خوزستان در اهواز و در تهران در خیابان پاستور

روز یکشنبه ۷ آبان ۹۶ در مقابل کاخ دادگستری در تهران

روز دوشنبه ۸ آبان مقابل دفتر تهران سازمان روز یکشنبه ۱۴ آبان مقابل ساختمان مرکزی کاسپین

روز دوشنبه ۱۵ آبان در خیابان سجاد که با حضور گسترده نیروی انتظامی روبرو شدند

سه شنبه ۱۶ آبان در شعبه مرکزی مؤسسه ولیفصر در تهران

دوشنبه ۲۹ آبان در مقابل ساختمان دادسرای عمومی تهران در میدان ۱۵ خرداد و راهپیمایی به سمت کاخ دادگستری. معترضان شعار می دادند: لاریجانی حیا کن، سپرده رو رها کن، دستهای پشت پرده با پول ما چه کرده؟ دولت خدایی می کند، ملت گدایی می کند، مرگ بر این دولت مردم فریب، سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن و

دوشنبه ۲۹ آبان در مقابل بنیاد شهید مشهد، مقابل منزل جزایری نماینده خامنه ای در اهواز

روز سه شنبه ۳۰ آبان، در تهران مقابل بانک تجارت در خیابان طالقانی. بر اساس فیلمهای منتشر شده، یکی از زنان شرکت کننده در این تجمع گفت: من نه از پلیس، نه از رهبر، نه از حسن روحانی کلید ساز می ترسم

در ماه گذشته مدافعان و مدافعان محیط زیست چندین بار اقدام به حرکت اعتراضی کردند. برخی از فعالان محیط زیست در شهرستان فریدن با تشکیل یک کمپین اعتراضی در شبکه های اجتماعی اعتراض خود به عدم تحقق وعده مسئولان پیرامون آب شرب را ابراز داشتند. روزجمعه ۱۹ آبان، حامیان محیط زیست در مشهد در اعتراض به تخریب کوهها در محل ساخت کمربند جنوبی این شهر تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار جلوگیری از شروع مجدد تخریب

برخی از حرکت‌های اعتراضی

بقیه از صفحه ۲۲

عنوان مثال در همین مدت پرداخت مزایایی همچون حق اضافه کاری، کارانه، بهره‌وری و بیمه تکمیلی حدود ۱۲۰۰ کارگر شاغل در این شرکت با تاخیرهایی همراه بوده است.

روز سه شنبه ۲ آبان، این کارگران برای دومین روز متوالی، اعتصاب کرده و مقابل فرمانداری اسلامشهر تجمع کردند.

*بامداد روز سه شنبه ۲ آبان، کارگران شرکتی و قراردادی شهرداری کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران شهرداری کرمانشاه گفت: نزدیک به سه ماه است که حقوق کارگران روزمزد و شرکتی شهرداری کرمانشاه پرداخت نشده است، آیا پیمانکاران فکر می‌کنند زندگی ما خرج و هزینه‌ای ندارد؟

*بامداد روز سه شنبه ۲ آبان، جمعی از کارکنان ستادی پالایشگاه ستاره خلیج فارس که در دفتر تهران این پالایشگاه مشغول به کار هستند، مقابل دفتر این پالایشگاه در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان از کارمندان شاغل در پالایشگاه ستاره خلیج فارس هستند که در دوره چند ماهه مدیرعامل قبلی این واحد پالایشگاهی استخدام شده بودند اما با تغییر دوباره مدیرعامل پالایشگاه ستاره خلیج فارس نگران وضعیت خود شده‌اند، چرا که قراردادهای آنها تنها تا پایان سال جاری اعتبار دارد.

*بامداد روز چهارشنبه ۳ آبان، جمعی از کارگران کارخانه کیش چوب نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل دفتر اشتغال منطقه آزاد کیش، تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در حال حاضر فعالیت این واحد تولیدی به سبب رکود بازار کار موقتاً متوقف شده و کارگران کاری برای انجام دادن ندارند. کارگران معترض گفتند: افزایش مشکلات کیش چوب باعث شده تا کارفرما از یک ماه قبل در بهای کارخانه را به روی کارگران ببندد.

*روز چهارشنبه ۳ آبان، برای دومین روز متوالی، جمعی از کارگران پیمانکاری شاغل در پروژه‌های فاز ۱۳ عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات شان، دست از کار کشیدند و اجتماع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران در چند شرکت پیمانکاری مشغول کارند و از نیمه اسفند ماه سال گذشته تاکنون برای دریافت معوقات مزدی خود با مشکل مواجهند.

*کارگران هتل هرمز بندرعباس از بامداد روز چهارشنبه ۳ آبان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان اعتصاب و در محوطه هتل تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران معترض گفت: ماه قبل مطالبات اردیبهشت کارکنان را قسمت به قسمت پرداخت کردند و بیشتر خرجها برای خود هتل می‌شود و به کارکنان رسیدگی نمی‌شود و مالک هتل مدتهاست به هتل نیامده و مدیریت انتخابی وی نیز از زمانی که پرداخت حقوق با مشکل مواجه شده در هتل حاضر نشده است.

هتل بین المللی هرمز یک هتل پنج ستاره بین المللی در مساحتی بالغ بر ۵۰ هزار مترمربع، در مالکیت شرکت سرمایه گذاری گروه فیلی (سهامی خاص) است.

*روز چهارشنبه ۳ آبان، صدها کارگر راه آهن اردکان در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق شان مقابل فرمانداری اردکان تجمع کردند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، نیروهایی که حقوق آنها عقب افتاده متعلق به شرکت پیمانکار طرف قرارداد راه آهن هستند و قانونا اداره کل راه آهن فقط باید بر انجام صحیح کار واگذار شده نظارت کند.

*بعد از ظهر روز سه شنبه ۲ آبان، کارگران پیمانکاری شرکت شاخص در پتروشیمی فراورش بندر امام به اعتصاب سه روزه خود پایان دادند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران طی جلسه‌ای که از طرف مدیرعامل پتروشیمی فراورش، دستگاه نظارت تعمیرات، رئیس حراست و افراد مرتبط، با نمایندگان کارگران اعتصابی برگزار گردید، پس از مذاکره و بحث بسیار در مورد مطالبه کارگران، توافق کردند.

*روز پنج شنبه ۴ آبان، کارگران شهرداری منطقه ۲ قم در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق مقابل ساختمان این شهرداری تجمع کردند. براساس گزارش برنا، این کارگران گفتند که تاکنون هیچ مسئولی از شهرداری پاسخی به این کارگران نداده است.

*روز شنبه ۶ آبان، جمعی از کارگران اخراجی و شاغل نوظهور در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات شان، در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران حاضر در تجمع گفتند که کارفرمای نوظهور در دادگاه و اداره کار محکوم به پرداخت مطالبات کارگران شده است با این حال حتی مطالبات کارگران اخراجی کارخانه را که حدود ۲۰۰ نفر هستند را پرداخت نکرده است.

*روز شنبه ۶ آبان، جمعی از کارگران شرکت مسکن و عمران قدس رضوی در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و یک ماه حق بیمه مقابل دفتر کارگاه این شرکت متعلق به آستان قدس رضوی، در سرخس تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از این کارگران گفت: از اردیبهشت ماه حقوق و اضافه کار ۶۰ کارگر شرکت مسکن و عمران قدس رضوی در سرخس پرداخت نشده است.

*بامداد روز شنبه ۶ آبان، بازنشستگان جهاد کشاورزی لرستان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع زدند. به گزارش قدس آنلاین، اداره کل جهاد کشاورزی استان لرستان نه تنها مطالبات بازنشستگی آنان را پرداخت نکرده بلکه با پاس کاری به سازمان برنامه و بودجه و استانداری آنان را بیش از پیش سردرگم کرده است.

*آدینه شب ۵ آبان، تعداد زیادی از رانندگان نفت کشهای جاده ای مقابل شرکت نفت کرمان تجمع کردند. براساس گزارش آرمان کرمان، تعدادی از کامیون داران حمل مواد نفتی به علت برخی از مسائل از جمله واگذاری نرخ کرایه به یک شرکت بزرگ نفتی با عنوان برندسازی از شامگاه آدینه مقابل شرکت نفت کرمان تجمع نموده و این تجمع در روز شنبه ۶ آبان ادامه یافت.

*آدینه شب ۵ آبان، جمعی از اهالی سراوان در اعتراض به عدم ساماندهی زباله های این منطقه با آوردن رختخواب از منزل در محل تجمع، شب را به صبح رساندند. به گزارش حرف تازه، اعلام رانش ۵۰۰ متری کوه زباله در سراوان نیز علت مشکلات مردم سراوان شده است. کوه زباله ها در سراوان که به ارتفاعی ۷۰ تا ۸۰ متری رسیده، در پی بارندگیهای اخیر دچار رانشی ۵۰۰ متری شده و آن گونه که

شهردار این شهر اعلام کرده زباله ها تا مرز درختان موجود در این منطقه پیشروی کرده اند.

*روز شنبه ۶ آبان، ساکنان روستای «مور زرد زیلایی» در بخش مارگون از توابع شهرستان بویراحمد در اعتراض به کمبود سوخت زمستانی و نبود راه مناسب ارتباطی مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد، تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از اهالی روستای «مور زرد زیلایی» به نمایندگی از اهالی این روستا گفت: این روستا با ۱۵۰ خانوار و جمعیت ۷۷۲ نفر فاقد راه ارتباطی مناسب است جاده روستا قدیمی و خاکی است که چند مرتبه مسئولان قول دادند این جاده آسفالت شود اما متأسفانه هنوز هیچ اقدامی انجام نداده اند.

*روز دوشنبه ۸ آبان، جمعی از جوانان جویای کار بندر کنگان در اعتراض به بیکاری و برای اشتغال همزمان با بازدید استاندار بوشهر از پروژه دهکده گردشگری کنگان دست به تجمع زدند. به گزارش ثلاث، جوانان تجمع کننده رو در رو با استاندار با اشاره به بیکاری جوانان و با بیان این که کمیی در این راستا تشکیل شده، به بیان مشکلات بیکاران به خصوص جوانان تحصیل کرده پرداختند.

*روز سه شنبه ۲ آبان، جمعی از ناظران جهاد کشاورزی با سابقه، در اعتراض به بلاتکلیفی استخدامی و بی تفاوتی دولت و مجلس برای استخدام شان و تعیین تکلیف وضعیت خود مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش تیتراژ امروز، تجمع کنندگان گفتند: همه استخدامیهما ظرف ۱۰ سال گذشته برای ناظران قبل از سال ۱۳۹۰ بوده و ناظران با سابقه بعد از سال ۹۰ هنوز وضعیت شان تعیین تکلیف نشده است.

*روز دوشنبه ۸ آبان، برای سومین روز متوالی، کارگران نیروگاه شیروان (شرکت نصب نیرو) در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات شان، سطح ناچیز حقوق و شرایط کاری، به اعتصاب شان ادامه دادند و مقابل درب ورودی این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش عصر اترک، یکی از کارگران نیروگاه نصب نیرو شیروان حاضر در تجمع در خصوص علت برگزاری اجتماع اعتراضی کارگران گفت: شمار زیادی از کارگران شاغل در این نیروگاه بیش از یک سال بابت حقوق بیمه اجباری و تکمیلی، اضافه کاری، عیدی، پاداش و بن کارگری از کارفرما طلبکارند.

*روز سه شنبه ۹ آبان، جمعی از بازنشستگان جهاد کشاورزی در سه حوزه منابع طبیعی، دامپزشکی و جهاد کشاورزی در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از بازنشستگان حاضر در تجمع گفت: به ما گفتن اگر از جهاد بیرون روید و بازنشسته شوید قول می‌دهیم مطالباتتان را پرداخت کنیم، اما خبری نشده و اگر مسئولان استان کاری برای ما نکنند مقابل وزارتخانه تجمع می‌کنیم.

*بامداد روز سه شنبه ۹ آبان، جمعی از کارگران شرکت تراورس راه آهن لرستان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که از استان لرستان راهی تهران شده‌اند،

دلیل اعتراض امروز را نداشتن امنیت شغلی و تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی و بیمه ای خود عنوان کردند. روز چهارشنبه ۱۰ آبان، کارگران تراورس لرستان برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. بقیه در صفحه ۲۴

برخی از حرکت‌های اعتراضی

بقیه از صفحه ۲۳

حقوق دست از کار کشیدند و در محوطه کارگاه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دستمزد این کارگران از خرداد ماه پرداخت نشده و مراجعات آنها به دفتر کارفرما تا کنون نتیجه ن داده است.

*روز سه شنبه ۱۶ آبان، کارگران شهرداری سروآباد در استان کردستان طی چند روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات شان در اعتصاب بسر برده و مقابل شهرداری تجمع می کردند. به گزارش هورامانات، این کارگران زحمت کش خدماتی شهرداری با تجمع خواستار پرداخت هشت ماه حقوق به تاخیر افتاده خود و پاسخشگویی مسئولان در این خصوص شدند. یکی از کارگران معترض گفت: ما کارگران شرکتی دو سال و هشت ماه اضافه کاری، هشت ماه اضافه حقوق خود را دریافت نکرده ایم و چند سالی است که حقوق کارگران شهرداری به موقع پرداخت نمی شود و میبست و زندگی خانوادگی ما را دچار بحران کرده چرا که با این کرائیهایی بعضی از همکاران ما به نان شب محتاج شده اند.

*روز سه شنبه ۱۶ آبان، جمعی از کارگران شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق مقابل شهرداری مرکزی تجمع کردند. به گزارش فارس، این کارگران که تحت نظارت پیمانکار شهرداری آبادان هستند، گفتند: کارفرما اعتبار لازم را از شهرداری آبادان دریافت کرده اما حقوقی به آنها پرداخت نکرده است.

*پیش از ظهر روز سه شنبه ۱۶ آبان، اعضای تعاونی مسکن فاتحان فجر قزوین مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش فارس، در این تجمع اعتراض آمیز اعضای تعاونی مسکن فاتحان فجر استان نوشته هایی مبنی بر اینکه رئیس اداره تعاون استان قزوین به تقاضای این اعضا برای تشکیل مجمع عمومی و بررسی تخلفات رسیدگی کند، در دست داشتند.

*روز چهارشنبه ۱۷ آبان، جمعی از کارگران بخش فضای سبز مناطق چهار گانه شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۱۱ ماه حقوق مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران تجمع کننده گفتند: در این ۱۱ ماه چندین نوبت از مسئولان درخواست رسیدگی به مشکل و تامین حقوقمان را کردیم ولی تاکنون هیچ نتیجه ای دریافت نکرده ایم و در صورت اعتراض تهدید به اخراج می شویم.

*روز چهارشنبه ۱۷ آبان، تعدادی از کارگران بازنشسته کیان تایر به نمایندگی از ۵۰۰ نفر از کارگران در اعتراض به عدم وصول کامل حق سنوات خود در مقابل وزارت صنعت و معدن دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، بازنشستگان در اعتراض به اینکه سالهاست در پی عدم پرداخت کامل مطالبه خود با کارفرمای شرکت درگیر هستند و ادامه این شرایط برایشان غیر قابل تحمل است، در مذاکرات خود با مسئولان وزارت صنعت و معدن که حدود دو ساعت به طول انجامید، خواهان جلسه ای برای حل این معضل با حضور وزیر صنعت و معدن در شرکت کیان تایر شدند.

*جمعی از رانندگان سرویس مدارس یاسوج در روز چهارشنبه ۱۷ آبان، در اعتراض به پرداخت حق کمسیون به دستگاههای مختلف مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش صدا و بقیه در صفحه ۲۵

فروردین ماه را واریز کرده اند، حتی بن کارگری ما طی سالهای ۹۰، ۹۱، ۹۲ پرداخت نشده که مبلغ سالانه آن یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است.

*به گزارش کبنا، روز پنج شنبه ۱۱ آبان، همزمان با بیست و هفتمین نشست کار گروه تسهیل و رفع موانع تولید در کارخانه سیمان مارگون و حضور استاندار کهگیلویه و بویراحمد، جمعی از اهالی شهر مارگون برای اشتغال جلوی درب کارخانه سیمان تجمع کردند.

*روزشنبه ۱۳ آبان، جمعی از کارگران اخراجی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه اهواز، در ادامه اعتراض نسبت به بیکارشدن پس از واگذاری تعدادی از جایگاههای سوخت به بخش خصوصی، مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از تجمع کنندگان گفت: پس از خصوصی شدن جایگاههای سوخت، تعدادی از نیروها پس از ۱۵ سال سابقه کار در شرکتها پخش فرآورده های نفتی زیر نظر پیمانکار، از کار بیکار شدند.

*روز یکشنبه ۱۴ آبان، جمعی از کارگران شهرداری منطقه ۲ آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و حق بیمه مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. بر اساس گزارش ایرنا، کارگران معترض شهرداری منطقه ۲ آبادان در بخشهای پسماند و فضای بارها در چند ماه گذشته از مسئولان شهرداری و سازمان منطقه آزاد اروند تقاضای رسیدگی به مشکلات و مطالبات حقوقی خود را داشته اند ولی هیچ مسئولی پاسخگو نیست.

*روز یکشنبه ۱۴ آبان، جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مدتهاست که بازنشستگان فولاد و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد ایران، هر ماه برای طلب حقوق و معوقات خود، دست به تجمعات اعتراضی مختلفی می زنند. این بازنشستگان خواهان پرداخت به موقع حقوق خود، پرداخت مطالبات از سال ۹۱ و اجرای تبصره ۵ ماده ۱۰۹ هستند.

*بامداد روز یکشنبه ۱۴ آبان، جمعی از کارگران مرز باشماق مریوان در اعتراض به عملکرد شرکت انبارهای عمومی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این شرکت تعهد داشته در ازای کسر مبلغی از دستمزد کارگران، به آنها خدماتی ارائه دهد که تا کنون در ارائه این خدمات از قبیل سرویس بهداشتی و جای خواب، تغلیر کرده است. کارگران مرز باشماق، در ازای جابجایی و تخلیه بار مزد می گیرند و تعدادی از آنها می گویند: بخشی از مزد را به این شرکت پرداخته ایم اما هیچ خدماتی دریافت نکرده ایم.

*روز دوشنبه ۱۵ آبان، جمعی از رانندگان تانکرهای سوخت رسان بوشهر، در اعتراض به کاهش درآمدشان به دنبال اجرای طرح «برندینگ» و ایجاد شرکتیهای واسطه ای برای توزیع سوخت مقابل دفتر پخش فرآورده های نفتی منطقه بوشهر تجمع کردند. به گزارش خلیج فارس، تجمع کنندگان گفتند: در اجرای این طرح رانندگان ملزم به عقد قرارداد با پیمانکاران شده اند و قرارداد مستقیمی با شرکت پخش فرآورده های نفتی ندارند.

*بامداد روز سه شنبه ۱۶ آبان، جمعی از کارگران فاز ۱۴ پارس جنوبی در اعتراض به عدم پرداخت ماهها

*کارگران پروژه مقاوم سازی پلهای راه آهن محور میانه - مراغه در روز چهارشنبه ۳ آبان در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق شان، دست از کار کشیدند و تجمع کردند. به گزارش میانه، روز چهارشنبه ۱۰ آبان، این تجمع طی روزهای گذشته به دلیل پرداخت نشدن معوقات قانونی و مزدی برخی از کارگران شرکت تراو رس راه آهن آغاز شد. پروژه مقاوم سازی و ترمیم پلهای راه آهن میانه-مراغه از سال ۹۲ به کارفرمایی شرکت راه آهن ایران و پیمانکاری شرکت نسران آغاز شده که هدف از اجرای این پروژه مقاوم سازی لرزه ای پلهای قوسی سنگی و فلزی راه آهن محور میانه - مراغه است.

*چهارشنبه ۱۰ آبان، کارگران فازهای ۲۲ و ۲۴ عسلویه به علت پرداخت نشدن معوقات مزدی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در همین رابطه شماری از این کارگران، روز سه شنبه ۹ آبان در اعتراض به ۴ ماه معوقه مزدی در محوطه اطراف محل کارشان تجمع کردند. در هفته های گذشته نیز شماری از این کارگران در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات صافی خود تجمع اعتراضی برپا کرده بودند. این کارگران که در استخدام چند شرکت پیمانکاری هستند می گویند که از ابتدای سال جاری تاکنون، تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد از مطالبات مزدی خود را دریافت کرده اند.

*روز یکشنبه ۷ آبان، کارگران کارخانه منیزیم فردوس (شرکت شمش فلز رویال) در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه در فرمانداری شهرستان فردوس تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، کارگران تجمع کننده گفتند که ۸ ماه حقوق و ۴ ماه بیمه از کارفرما طلب کارند. کارگران خشمگین که در غیاب فرماندار وارد دفتر معاون عمرانی فرماندار شده بودند و وساطت حراست فرمانداری فردوس، محل را ترک کردند. روز سه شنبه ۹ آبان ماه، کارگران کارخانه شمش منیزیم در ادامه اعتراضات شان نسبت به بلا تکلیفی معیشتی و شغلی، برای چهارمین بار مقابل فرمانداری فردوس تجمع کردند. کارخانه منیزیم فردوس (شرکت شمش فلز رویال) در استان خراسان جنوبی، شهرستان فردوس، کیلومتر ۷ جاده فردوس-بیرجند، واقع شده است.

*بامداد روز دوشنبه ۸ آبان، جمعی از بازنشستگان کشوری مقابل سازمان برنامه و بودجه در میدان بهارستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع که از روزهای قبل در فضای مجازی سازماندهی شده بود، بازنشستگان مختلف کشوری از جمله معلمان و فرهنگیان بازنشسته شرکت کردند. خواسته بازنشستگان، اجرای دقیق همسان سازی مستمریها، اجرای قانون خدمات مدیریت کشوری و گسترش خدمات بیمه ای است.

*روز چهارشنبه ۱۰ آبان، برای سومین روز متوالی بازنشستگان کشوری مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. معترضان به نشانه خالی بودن سبد معاش بازنشستگان، سفره خالی پهن کردند.

*روز پنج شنبه ۱۱ آبان، کارگران شرکت ایران قوطی به دلیل عدم پرداخت ۶ ماه حقوق، سه سال عیدی و بنهای کارگری مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش فارس، کارگران معترض این کارخانه گفتند: از فروردین ماه سال جاری حقوق کارگران پرداخت نشده و به تازگی فقط حقوق

برخی از حرکت‌های اعتراضی

بقیه از صفحه ۲۴

سیمای رژیم، یکی از رانندگان گفت: حق سرویس در طول سال تحصیلی ۲۷۰ هزار تومان است که از این مقدار ۲۰ درصد به آموزش و پرورش، ۲۰ درصد به شرکت تعاونی اتوبوسرانی، ۲۰ درصد به سازمان اتوبوسرانی درون شهری و حتی مقداری به مدیران مدارس باید پرداخت می‌شود.

*روز جمعه ۱۹ آبان، حامیان محیط زیست مشهد در اعتراض به تخریب کوهها در محل ساخت کمربند جنوبی این شهر تجمع کردند. بر پایه گزارش ایسنا، تجمع کنندگان خواستار جلوگیری از شروع مجدد تخریب کوهها شدند.

*پیش از ظهر روز شنبه ۲۰ آبان، جمعی از کارگران سازمان پارکها و فضای سبز آبادان در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه مقابل شهرداری مرکزی تجمع کردند. به گزارش خبرنگاران جوان، کارگران سازمان پارکها و فضای سبز آبادان علت تجمع خود را اعتراض به پرداخت نشدن ۲۰ ماه حق بیمه و شش ماه حقوق معوقه اعلام کردند.

*روز شنبه ۲۰ آبان، جمعی از اهالی چند روستای رامسر در اعتراض به اجرایی شدن طرح تصفیه خانه فاضلاب شهری در حوالی روستاهای شان مقابل فرمانداری شهرستان رامسر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، جمعی از اهالی روستاهای طالش محله، شاه منصور، محله فتوک و توبن بخش مرکزی رامسر با در دست داشتن پلاکاردهای مختلف خطاب به فرماندار، نماینده مجلس شهرستان و دیگر مسئولان خواستار جلوگیری از ساخت این تصفیه خانه فاضلاب شهری شدند. در این تجمع حضور کودکان و زنان چشمگیر بود.

*روز شنبه ۲۰ آبان، اعضای تعاونی مسکن «نسیم فجر» مقابل استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند. به گزارش بارش نیوز، مهم ترین مساله معترضان سود تسهیلات بانکی پروژه نسیم فجر است که با اختصاص ۳۰ میلیون تومان وام برای هر متقاضی مسکن، خواستار بازگشت کل مبلغ به مقدار ۷۲ میلیون تومان در طی ۱۲ سال هستند که ساکنان و اعضا هرگونه محاسبه که می‌کنند، این وام ۷ درصدی به بیش از ۱۳۰ درصد می‌رسد.

*به گزارش رودآور، عصر روز شنبه ۲۰ آبان، همزمان با سفر علی ربیعی به تویسرکان برای افتتاح ورزشگاه کارگران، جمعی از کارگران این شهرستان از جمله کارگران کارخانه صنایع غذایی حمیل اعتراضات شان را نسبت عدم پرداخت حقوق، نداشتن بیمه و... به نمایش گذاشتند و خواهان گفتگوی رو در رو و بی پرده با وزیرکار شدند.

*بامداد روز یکشنبه ۲۱ آبان، کارگران کارخانه کک و پالایش قطران زرد در اعتراض به عدم پرداخت حق بیمه و تمدید نشدن دفترچه های درمانی تأمین اجتماعی شان دست از کار کشیده و در این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش فارس، کارخانه کک و پالایش قطران در شهرستان زرد، کیلومتر ۷ جاده زرد-کرمان واقع شده و در حال حاضر ۷۰۰ نفر در آن مشغول به کار هستند.

*روز یکشنبه ۲۱ آبان، جمعی از کارگران اخراجی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه اهواز

برای باری دیگر در اعتراض به بیکار شدن خود به دنبال واگذاری تعدادی از جایگاههای سوخت به بخش خصوصی و برای بازگشت به کار، مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از تجمع کنندگان گفت: به دنبال واگذاری جایگاههای سوخت به بخش خصوصی، تعداد زیادی از نیروهای پیمانکاری با ۱۲ تا ۱۸ سال سابقه را اخراج کردند و تعداد کمی را نگه داشتند.

*روز یکشنبه ۱۴ آبان، جمعی از کارگران شرکت پالایش نفت آبادان (شرکت هنرآوران آبادان)، در اعتراض به عدم پرداخت ۲۸ ماه حقوق، مقابل سازمان منطقه آزاد اروند تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران این شرکت گفت: ۹۰ نفر کارگر با سابقه بیش از ۱۰ سال کار در شرکت هنرآوران مشغول به فعالیت هستند که پیمانکار مربوطه در ۲۸ ماه اخیر حقوق و مزایا و حتی حق غذا را به آنها پرداخت نکرده است.

روز یکشنبه ۲۱ آبان، تجمعهای اعتراضی کارگران شرکت پالایش نفت آبادان نسبت به عدم پرداخت ماهها حقوق و ممنوعیت ورود نماینده حقوقی خود، مقابل سازمان منطقه آزاد اروند ادامه پیدا کرد.

*روز یکشنبه ۲۱ آبان، جمعی از بازنشستگان شرکت فولاد خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان در مسجد ارشاد اهواز تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از تجمع کنندگان که خواست نامش در خبر ذکر نشود بیان کرد: صندوق بازنشستگی فولاد خوزستان چهار هزار عضو دارد و ۲ هزار نفر دیگر نیز در حال بازنشستگی و ملحق شدن به این صندوق هستند. وی گفت: بازنشستگان فولاد خوزستان چندین مطالبه و خواسته دارند که تا کنون هیچ مسئولی حاضر به رسیدگی و پاسخگویی به این مشکلات نبوده است.

*روز یکشنبه ۲۱ آبان، بیش از ۲۰۰ نفر از رانندگان سرویس مدارس شهر کرمان در اعتراض به کاهش نرخ بهای ایاب و ذهاب دانش آموزان در سال جاری مقابل اداره کل آموزش و پرورش تجمع کردند. به گزارش ایرنا، نماینده رانندگان معترض گفت: رانندگان سرویس مدارس به کاهش نرخ سرویس ایاب و ذهاب دانش آموزان معترض هستند. وی که نخواست نامش فاش شود ادامه داد: این در حالی است که نرخ سرویس مدارس در برخی شهرستانهای استان از جمله رفسنجان و سایر استانها بیشتر است. بیش از ۵۶۰ هزار دانش آموز در استان کرمان مشغول به تحصیل هستند.

*روز یکشنبه ۲۱ آبان، جمعی از کشاورزان انار در استان کرمان در اعتراض به سود بالای بانکها و برای تمدید بازپرداخت وامها مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. براساس گزارش انار پرس، با توجه به صحبت‌های این کشاورزان محصول پسته شهرستان انار طی ۲ سال گذشته با خسارت بالایی رو به رو بوده و امسال نیز خسارت پسته شهرستان انار بسیار بالا بوده و کشاورزان جهت پرداخت وامهای خود با مشکلات عدیده ای رو به رو شده اند.

*بامداد روز دوشنبه ۲۲ آبان، کارگران معادن زغال سنگ شهرستانهای زرد و کوهبنان در اعتراض به واگذاری به بخش خصوصی دست از کار کشیده و مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. به گزارش صبح زرد، کارگران ضمن مخالفت با واگذاری معادن به پیمانکار اعلام کردند که اگر جوابی به درخواست آنها داده نشود، اعتصاب شان ادامه خواهد داشت.

*بامداد روز شنبه ۲۰ آبان، جمعی از کارگران شهرداری اندیمشک در اعتراض به عدم پرداخت ۱۴ ماه حقوق مقابل ساختمان شهرداری مرکزی این شهر تجمع کردند. به گزارش مازند شورا، تعدادی از کارگران گفتند: پرداخت نشدن حقوق و بیمه مشکلات بسیاری برای آنان و خانوادههای شان موجب شده است. آنان با بیان اینکه با شرایط فعلی توان تأمین هزینه زندگی خود و خانواده شان را ندارند افزودند: ۱۴ ماه است که شهرداری اندیمشک به بهانه های مختلف حقوق شان را پرداخت نمی‌کند.

روز دوشنبه ۲۲ آبان، کارگران خشمگین شهرداری اندیمشک در سومین روز اعتراض شان جلوی درب ورودی شهرداری تجمع کرده و مانع ورود شهردار به ساختمان شدند.

*بامداد روز شنبه ۲۰ آبان، کارگران ایران پوپلین در اعتراض به موفقی تر شدن قرارداد کار و عدم پرداخت ماهها حق بیمه و ۲ ماه حقوق و برای اداره مجدد کارخانه توسط کارگران، دست از کار کشیده و در این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش ۸ دی، کارگران این کارخانه گفتند: تنها خواسته ما این است شرایط برگردد به حالت قبلی، اعتقاد ما این است که باید شرکت را مانند قبل به کارگران دهند تا اداره کنند، سال ۸۹ شورای تأمین مصوبه ای داشت و شرکت را یک سال به کارگران سپرد، این یک سال بعدش تبدیل شد به سه سال، ما در این سه سال نه تنها این مشکلات را نداشتیم بلکه سود دهی هم داشتیم، حقوق مان سرموقع بود، بیمه ما پرداخت می‌شد، اضافه کار پرداخت می‌شد، کسی اخراج نمی‌شد ولی الان تا یک نفر حرف می‌زند فوراً او را اخراج می‌کنند.

روز دوشنبه ۲۲ آبان، اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه ایران پوپلین برای سومین روز متوالی ادامه یافت.

*روز دوشنبه ۲۲ آبان، ده روز از تجمع کارگران شرکت برق منطقه ای خوزستان (شرکت ساختمانی "ست") در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل ساختمان در حال احداث شرکت برق منطقه ای گذشت. به گزارش ایرنا، یکی از این کارگران که خواست نامش در خبر ذکر نشود گفت: حقوق کارگران شرکت ساختمانی set به مدت پنج ماه پرداخت نشده است.

*روز دوشنبه ۲۲ آبان، جمع کثیری از بازنشستگان کشوری، لشگری و تأمین اجتماعی برای بیان اعتراضات صنفی خود مقابل دفتر ریاست جمهوری دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، در میان تجمع کنندگان که شعارهایی مانند فریاد فریاد، از این همه بیداد و یک اختلاس کم بشه من مشکل ما حل می‌شه سر می‌دادند گروههای مختلف بازنشستگان حضور داشتند. بازنشستگان نظامی به عدم پرداخت حقوق خود معترض بودند. این افراد پیش از این نیز بارها به صورت مشترک یا مجزا دست به برگزاری تجمعاتی زده بودند اما علیرغم وعده های مساعد مسئولان تغییری در شرایط آنان حاصل نشده است.

*بامداد روز دوشنبه ۲۲ آبان، رانندگان تاکسیهای درون شهری تنکابن مقابل فرمانداری ویژه این شهرستان تجمع کردند. به گزارش برنا، دلیل این تجمع اعتراضی، بلاتکلیفی رانندگان و وضعیت نامشخص ایستگاههای تاکسی اعلام شده است.

بقیه در صفحه ۲۶

برخی از حرکت‌های اعتراضی

بقیه از صفحه ۲۵



*روز دوشنبه ۲۲ آبان، کارگران شرکت تعمیرات کشتی پرشیا هرمز از زیر مجموعه های شرکت مجتمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران (ایزوایکو ISOICO) در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق، قرارداد کاری و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش خبر هرمزگان، به گفته کارگران این واحد صنعتی، تاخیر سه ماهه پرداخت حقوق و دستمزد در شرایطی اتفاق افتاده که شرکت از نظر گرفتن سفارش کار در وضعیت مطلوبی به سر می برد.

*بامداد روز سه شنبه ۲۳ آبان، جمعی از کارگران کاشی گیلانا برای راه اندازی کارخانه و بازگشت به کار مقابل دفتر مرکزی شرکت در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض گفت: با مصوبه کمیسیون کارگری شهرستان رودبار در استان گیلان از دی ماه سال گذشته (۹۵) این واحد تولیدی برای مدت شش ماه تعطیل و تمامی ۱۰۰ کارگر این واحد صنعتی برای موقت به بیمه بیکاری معرفی شدند. کارگران کارخانه کاشی گیلانا از ۲۰ تا ۴۰ ماه معوقات مزدی طلبکارند که بخش قابل توجهی از آن مربوط به سالهای ۸۹ تا دی ماه سال ۹۲ می شود.

*بامداد روز سه شنبه ۲۳ آبان، جمعی از کارگران فضای سبز منطقه ۳ شهرداری دزفول در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق، حق بیمه و مطالبات دیگر در میدان آب شهر تجمع کردند. براساس گزارش ایرنا، نماینده این کارگران گفت: تعداد ۹۰ نفر از کارگران فضای سبز منطقه سه شهرداری دزفول با مشکل پرداخت نشدن عیدی، پاداش، حق سنوات و مطالبات سال ۹۵ مواجه هستند به گونه ای که هر کدام از کارگران حدود ۲۰ میلیون ریال طلبکار است.

*روز سه شنبه ۲۳ آبان، کارگران کارخانه نور پلاست قزوین در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی برای چند روز اعتصاب کرده و مقابل کارخانه واستانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش شاخص نیوز، این شرکت حدود ۲۰ کارگر دارد که پس از حدود ۳ سال بدون داشتن امنیت و آینده شغلی و عدم دریافت دستمزدهای چند ماهه خود با دستانی خالی بلاتکلیف مانده اند.

*روز سه شنبه ۲۳ آبان، صدها تن از جوانان جویای کار شهرستان هویزه و دشت آزادگان برای اشتغال مقابل شرکتهای نفت مستقر در هویزه تجمع کردند. بر اساس گزارش ذاکر نیوز، کارآموزان بومی وزارت نفت در شهرستان دشت آزادگان و هویزه که دوره کارآموزی خود را در شهرستان ماهشهر با موفقیت گذرانده بودند و قرار بود در شرکتهای نفتی استخدام شوند با گذشت بیش از یک سال در بلاتکلیفی بسر می برند.

*روز سه شنبه ۲۳ آبان، برای دومین بار اهالی روستاهای غرب رامسر در اعتراض به طرح احداث تصفیه خانه فاضلاب در روستاها، این بار مقابل دادگستری شهرستان تجمع کردند. به گزارش رامسر نوین، در ادامه روند اجرای طرح احداث تصفیه خانه فاضلاب در روستا، مردم روستاهای دریافته، شاه منصور محله، طالش محله، توبون و دیگر روستاهای غرب رامسر برای دومین بار دست به اعتراض زدند. پس از تجمع هفته گذشته ۴ نفر معترضان به اتهام اخلاخ در نظم عمومی، به دادسرا احضار شدند.

خواستار جلوگیری از احداث تصفیه خانه فاضلاب شدند. به گزارش فارس، اهالی روستا و شورای اسلامی روستاهای مورد نظر اعتراضات خود را مبنی بر عدم رضایت احداث این پروژه به مسئولان بیان کردند و جلسات فراوانی نیز در محل فرمانداری و مساجد روستاها برگزار شد؛ همچنین نامه هایی نیز برای مسئولان استانی ارسال شد اما هیچ کدام مؤثر واقع نشد.

روی پلاکارد معترضان نوشته شده است: «محیطزیست سالم حق مسلم ماست» و «آقای فرماندار دست از سر ما بردار».

*روز شنبه ۲۷ آبان، جمعی از خانواده های کارگران مجتمع صنعتی و معدنی فسفات اسفوردی بافق واگذار شده به قرارگاه خاتم الانبیا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه همسران خود، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از همسران این کارگران به نمایندگی از بقیه تجمع کنندگان گفت: همسر من پس از ۱۶ سال سابقه کار حالا برای دریافت حقوق دچار مشکل شده است. این بانو افزود: از یک سال پیش که این معدن به شرکت خصوصی (قرارگاه خاتم الانبیا) واگذار شده فیش حقوقی به کارگران داده نمی شود.

*روز شنبه ۲۷ آبان، جمعی از کارگران بیکار شده کارخانه صابون سازی خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل دفتر نماینده مجلس تجمع کردند. به گزارش ایرنا، این کارگران گفتند: تاکنون پنج بار مزایده شرکت صابون سازی خرمشهر انجام شده ولی به رغم این که یکی از متقاضیان برنده این مناقصه شده و ۱۰ میلیارد ریال نیز به حساب دستگاههای مسئول واریز کرده است ولی با این حال معوقه ها و حقوق کارگران همچنان پرداخت نشده است.

*روز شنبه ۲۷ آبان، جمعی از کارگران بازنشسته شرکت ذغال سنگ کرمان در زرنند در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات شان در میدان ۲۲ بهمن این شهر تجمع کردند. به گزارش تسنیم، فرماندار شهرستان زرنند در جمع معترضان عملکرد صندوق بازنشستگی فولاد گفت: طبق قولی که صندوق بازنشستگان فولاد به ما داده تا پایان وقت اداری امروز حقوق مهر ماه کارکنان بازنشسته ذوب آهن زرنند پرداخت می شود.

*روز شنبه ۲۷ آبان، جمعی از صیادان هامون شهر در استان سیستان و بلوچستان در اعتراض به رهاسازی نشدن گسترده بچه ماهی در چاه نیمه چهارم و بقیه در صفحه ۲۷

*بامداد روز سه شنبه ۲۳ آبان، خریداران مجتمع آدینه رشت در اعتراض به عدم تحویل واحدهای خریداری شده خود مقابل دادسرای عمومی و انقلاب تجمع کردند. به گزارش ۸ دی، یکی از تجمع کنندگان گفت: بسیاری از افراد حاضر در این تجمع تمام سرمایه زندگی خود را برای خرید یک واحد تجاری در مجتمع آدینه خرج کرده اند و باید سالها قبل واحد خود را تحویل می گرفتند.

*روز چهارشنبه ۲۴ آبان، جمعی از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق مهر مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، در این اجتماع بزرگ ۲۰۰ نفر از بازنشستگان صنعت فولاد خواستار رسیدگی به مشکلات درمانی و حقوقی خود شدند. به گفته یکی از بازنشستگان معترض، پرداخت حقوق بازنشستگان ذوب آهن ۱۰ آبان اعلام شده بود درحالی که با گذشت دو هفته از موعد مقرر هنوز پرداخت نشده است.

*روز چهارشنبه ۲۴ آبان، کارگران کارخانه ذغال شویی کرمان که چندی است بیمه درمانی آنها دچار مشکلاتی شده با تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه به این وضعیت ناسامان معترض شدند. همزمان کارگران کارخانه قطران بابت پرداخت نشدن بیمه تامین اجتماعی و رعایت نشدن عرف کارگاه در محوطه ورودی این کارخانه تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند.

به گزارش کارگران کرمان، این کارگران به عدم تمدید دفترچه های درمانی تامین اجتماعی خود معترض شده و کار را تعطیل کردند. در حال حاضر حدود ۷۰۰ نفر در کارخانه قطران زرنند مشغول به کار هستند.

*بامداد روز پنج شنبه ۲۵ آبان، بازنشستگان فولاد اصفهان در ادامه اعتراضات قبلی مقابل ساختمان دفتر امام جمعه اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان خواستار وصول مطالبات محقق نشده و پرداخت به موقع مستمری بازنشستگی خود هستند. آنان گفتند: با گذشت ۲۵ روز از آغاز ماه آبان هنوز مستمری مهر ماه بازنشستگی خود را دریافت نکرده و مشکلاتی در زمینه درمان مستقیم و تکمیلی خود دارند.

*مردم طبیعت دوست رامسر برای چندمین بار به اعتراض احداث تصفیه خانه فاضلاب شهری در مقابل فرمانداری رامسر تجمع کردند.

روز پنج شنبه ۲۵ آبان، جمعی از اهالی روستاهای غرب رامسر با تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان،

برخی از حرکت‌های اعتراضی

بقیه از صفحه ۲۶

بیکاری صیادان دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، یکی از صیادان گفت: مقرر شده بود تا مسئولان شیلات در چاه نیمه چهارم بچه ماهی رهاسازی کنند تا صیادان بتوانند از این طریق مشغول به کار شوند اما این کار به صورت بسیار محدود انجام شده است و پاسخگوی نیاز صیادان نیست.

*روز شنبه ۲۷ آبان، تشکلهای زیست محیطی شرق مازندران در اعتراض به قطع شمشادهای پارک جنگلی مهربان رود توسط شهرداری رستمکلا در شهرستان بهشهر تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از فعالان زیست محیطی شرق مازندران اظهار کرد: طبق گزارشهای رسیده ۸ آبان ماه جاری حدود ۲۰۰ اصله درخت شمشاد که تعداد زیادی از آنها بیش از ۱۰۰ سال قدمت داشتند توسط شهرداری رستمکلا شهرستان بهشهر در پارک جنگلی مهربان رود قطع شد.

*روز دوشنبه ۲۹ آبان، کارشناسان بیمه کشاورزی کشور برای باری دیگر با تجمع مقابل مجلس اعتراض شان را نسبت به بلاتکلیفی استخدامی به نمایش گذاشتند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان بر این موضوع تاکید داشتند که با توجه به سابقه ۴ تا ۱۴ سال به عنوان کارشناس بیمه کشاورزی باید وضعیت استخدام آنها تعیین تکلیف شود و از بلاتکلیفی نجات یابند.

*روز دوشنبه ۲۹ آبان، باز نشستگان صنعت فولاد کشور با تجمع مقابل مجلس به اعتراضات شان نسبت به تاخیر در پرداخت حقوق و عدم پرداخت مطالبات شان ادامه دادند. به گزارش ایلنا، یکی از تجمع کنندگان گفت: بازنشستگان فولاد حدود ۸ سال معوقات دارند و حقوق ماه گذشته (مهرماه) آنها نیز پرداخت نشده است.

*روز دوشنبه ۲۹ آبان، جمعی از کارگران بازنشسته کاشان برای همسان سازی حقوق بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی با دیگر سازمانها مقابل شعبه تامین اجتماعی این شهرستان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، بازنشستگان کاشان همزمان با سالروز تصویب قانون کار با اشاره به یکسان نبودن دستمزدها و اجرا نشدن برخی تعهدات سازمان تامین اجتماعی از جمله ساخت بیمارستان تامین اجتماعی در این شهرستان، خواستار عمل به وعده ها شدند.

*روز دوشنبه ۲۹ آبان، کارگران کارخانه سنگ بری پاسارگاد در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق، حق بیمه و درگیر کردن کارگران با تعهدات مالی کارفرما، برای پنجمین روز متوالی اعتصاب خود را ادامه دادند. به گزارش

ایلنا، جدا از این طلب، کارگران کارخانه سنگ بری پاسارگاد بابت سایر مطالبات مزدی و حق بیمه های پرداخت نشده نیز بستانکار هستند.

*بامداد روز دوشنبه ۲۹ آبان، جمعی از کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق مقابل دفتر خطبه خوان جمعه این شهرتجمع کردند. به گزارش اتحاد، بیش از ۶ ماه است که این کارگران حقوقی دریافت نکرده اند و برای تهیه مایحتاج خانه خود دچار مشکل هستند.

*روز دوشنبه ۲۹ آبان، تعدادی از قبول شدگان در آزمون استخدامی شهرداریهای استان خوزستان در اعتراض به جذب نشدن در شهرداریها، مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از این افراد که نخواست نامش ذکر شود گفت: تمامی مراحل استخدام از جمله آزمون استخدامی، بخش عملی و تحقیقات انجام گرفته است و برای جذب در شهرداری مشکلی وجود ندارد اما مسئولان شهرداریها حاضر به جذب قبول شدگان در این آزمون نیستند.

*روز سه شنبه ۳۰ آبان، اعتصاب کارگران کارخانه کمباین سازی تبریز که از ۲۴ مهر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه آغاز شده، به سی ششمین روز رسید. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض کارخانه کمباین سازی تبریز در این باره گفت: ۴۴ کارگر هستیم و امروز یک ماه می شود که نسبت به بی تفاوتی کارفرما و بر زمین ماندن مطالبات مان معترضیم. او گفت: دغدغه همه ما تامین معیشت خانواده های مان است و برای همین از کارفرما و مقامات مسئول انتظار داریم که برای پرداخت مطالبات معوقه که تا بیست ماه می رسد، اقدام کنند.

*روز سه شنبه ۳۰ آبان، ۲۰۰ کامیوندار رودبار در اعتراض به پایین بودن نرخ کرایه حمل شن و ماسه و توجه نکردن پلیس به مشکلات شان مقابل پمپ بنزین شهر رستم آباد تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، تجمع کنندگان گفتند: پیمانکاران معادن رودبار برای حمل بار با وزن مجاز دستمزد پائینی پرداخت می کنند که این مقدار سودی برای آنان نداشته و آنها مجبورند بیشتر از میزان مجاز بار حمل کرده که این موضوع با جریمه روزانه پلیس راه همراه است. رانندگان معترض خواستار برگزاری نشست هماهنگی میان سازمان صنعت، معدن و تجارت گیلان و پلیس راه برای حل این مشکل شدند.

پیام شعله پاکروان.....

بقیه از صفحه ۲۸

باعث رسوایی آنها شد. پس از آن، لاریجانی به عنوان نماینده حقوق بشر! مدعی شد که مقامات قضایی موفق نشدند «رضایت خانواده» متجاوز را به دست آورند و حکومت "ناچار" به اعدام او شد! افکار عمومی می داند که حکومت دو راه داشت:

یا ریحانه را اعدام نکند، در آن صورت مردم ایران می فهمیدند که می توانند در برابر هتک حرمتی که هر روزه از سوی حکومت به مردم روا می شود بایستند. این برای سیستم فاسد، بسیار خطرناک بود. چرا که در سراسر ایران، مامورهای مزدوری که چشم به جان و مال و ناموس مردم دارند، پراکنده اند و بسیاری از این مزدوران حاضرند هر ذلتی بکنند، حتی جوانان شریف مردم را کف خیابانها بکشند، چون می دانند هنگام خطاکاری، حکومت، پشتیبان شان خواهد بود، به شرطی که همچون سربندی ها مهره ای از مافیای قدرت باشند. به شرطی که در تنگنهایی همچون اعتراضات گسترده مدنی، رو در روی مردم قرار گیرند، به شرطی که مثل آب خوردن، قلب ندا و مجسمه مصطفی را نشانه گیرند، ستار را شکنجه دهند، تن امیرارش و شهرام را زیر چرخ له کنند، ترانه را پس از تجاوز آتش زنند.

یا او را اعدام کرده و به قیمت ننگ ابدی کشتن یک بیگناه با توسل به شعار النصر بالرب، مردم را بترسانند، تا به مردم ایران و به خصوص زنان بگویند که حق ندارند در برابر تجاوز ماموران حکومتی کوچکترین مقاومتی کنند. چرا که آنان اسیران حکومتند و در صورت مقاومت در برابر تجاوز، زندانی شده و تحت شکنجه های سخت و طلاق فرسا قرار گرفته و در آخر اعدام خواهند شد. همچنان که هنوز به بهانه ایجاد امنیت، در کوی و برزن چوبه های دار برپا کرده و از مردم برای تماشای جان کندن یک انسان دعوت می کند شاید پایه های لرزانش فرو نریزد. غافل از اینکه حباب قدرت پوشالی اش در برابر غرش هماهنگ مبارزان و محرومان محو خواهد شد.

ریحانه را کشتند، دختری زیبا و مهربان که به گواهی بسیاری از زندانیان و حتی زندانبانان نقطه امید و معلمی بود برای زنان بی پناه زندانی تا یاد گیرند به خود و دیگران احترام گذارند و پیشرفت کنند. او را به قتل رساندند تا امید و بخشندگی و مهربانی را بکشند. نمی دانستند او بذری است کاشته در خاک ایران. یک ریحانه را کشتند و هزار ریحانه سبز شد. اتنا دائمی را به جرم اعتراض به اعدام ریحانه، محکوم کردند ولی او راست قامت تر شد. همچنان که زنان زیادی به حقوق از دست رفته شان معترض و جنبش علیه اعدام و دادخواهی به کوچه و خیابان سرایت کرد. کوچه هایی که شاهد داغ مادران 30 هزار جوان اعدام شده در مدت زمانی کوتاه بودند. اکنون در سومین سالگرد اعدام دخترم با

صدایی بلند فریاد می زنم: پاره تنم، عزیز دلم، قیله قلیم، ریحانم! با وجود غم طاقتفرسای ناشی از داغ جگرسوزت، با همه توان به دادخواهی خون به ناحق ریخته ات ایستاده ام. هرگز از راهی که تو نشانم دادی باز نخواهم ایستاد. همچنان که با تو عهد کردم، دستم دست تو، پایم پای تو، چشمهایم چشمهایت و گلویم گلویت خواهد بود. حتی اگر روزی همچون گلوی تو ای زبانی خفته در خاک، با طناب دار فشرده شود.

تو شکنجه گران و قاضیان و قاتلان را در این جهان، بخشیده و گرفتن حقت را به دادگاه خدای بزرگ در جهان باقی موکول کردی. اما من، ظالمانی که هر اندازه به تو ظلم کرده اند، آشکار یا نهان، با بازجویی یا پرونده سازی، با امضا یا تایید حکم مرگ، با برپا کردن چوبه دار یا کشیدن اهرمی که راه نفس را بر تو بست، هرگز نخواهم بخشید. می خواهم علاوه بر دادگاه عدل الهی، در همین دنیا محاکمه و مجازات شوند. تا دیگر هیچ مادری شاهد اعدام فرزندش نباشد.

اکنون نیز همچون گذشته تکرار می کنم که جان تو در تنم عجین شده و هستی ام به حق خواهی تو وابسته است. بیش از هزار روز است که همه لحظه هایم با یاد تو می گذرد. هزار سال دیگر نیز، همه ذرات و غبارهای وجودم، همراه بادهای سرکش و آزاد، نام تو را فریاد خواهد زد. گواهی خواهم داد که تو در نبرد با حکومت حامی متجاوز، پیروز شدی. مبارزه هفت ساله ات با حامیان متجاوز اطلاعاتی، پای چوبه دار به اوج رسید.

سحرگاه سوم آبان 93 در میدان اعدام رجایی شهر با دستهای بسته ایستادی. چشم در چشم قاتلان. بی ذره ای تردید در شقاوت آنان با چشمهای درشت و برآفت فریاد زدی: می توانید جان مرا بگیرید اما هرگز نخواهید توانست هستی ام را به ننگ سازش و تسلیم آلوده کنید. نام متجاوز تا ابد بر پیشانی سربندی و حامیانش باقی خواهد ماند.

تو رفتی و راه ماند. راهی که تو نشانم دادی ای مونس همیشگی لحظه ها. اینک با افتخار اعلام می کنم «بنیاد ریحان» در اروپا به ثبت رسمی رسیده است، «بنیاد ریحان برای حمایت از محکومان به اعدام و خانواده های اعدام شدگان و زندانیان و قربانیان تجاوز در ایران». یقین دارم «بنیاد ریحان» با حمایت مردم مهربان و نهادهای و فعالان جنبشهای زنان و علیه اعدام در کشورهای دیگر نیز گسترش خواهد یافت. این بنیاد فارغ از هر عقیده و مرام و هر نوع گرایش حزبی علیه تجاوز و اعدام خواهد خروشد و دست یاریگر مردم ایران را در تحقق رویای ایران بدون اعدام خواهد فشرده. بزودی جزئیات مربوط به چگونگی حمایت، یاری و پیوستن به بنیاد را خواهم گفت. امیدوارم روح ریحانه از این سرباز غمگین اما دادخواه، خوشنود باشد

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه:

امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 391 / 22 NOVEMBER 2017

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 / 91130 Ris orangis / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram

nabard_khalgh@

https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook

[/https://www.facebook.com/nabardekhalghe](https://www.facebook.com/nabardekhalghe)

پیام شعله پاکروان به مناسبت

سالگرد پر کشیدن ریحانه جباری

تاسیس بنیاد ریحان برای حمایت از محکومان به اعدام و خانواده های اعدام شدگان و زندانیان و قربانیان تجاوز در ایران

ریحانه چون عصیان کند، زنجیر و زندان بشکند
بیش از هزار روز از اعدام ظالمانه ریحانه
گذشت و من هر روز هزار بار با خودم تکرار
کرده ام که چرا عدالت از دخترم دریغ شد؟
چرا تمام نهادها و مقامات حکومت ایران به
پشتیبانی از سربندی متجاوز پرداختند؟ مگر
ریحانه چه کرده بود که حکومت و مزدوران،
این حجم از دشمنی را با او نشان داده و بدون
اینکه پرونده اش در اجرای احکام باشد او را
اعدام کردند؟

جوابهای مختلفی برای این سوال وجود دارد.
یکی این است که دختری جوان در مقابل فشار
یک حکومت که قصد داشت مامور اطلاعاتی
اش را از ننگ تجاوز تطهیر کند، ایستادگی
کرده و به هیچ قیمتی حاضر نشد از حش
کوتاه بیاید. جلوی چشم دختری که هنوز ۲۷
سالش هم نشده بود مردی را اعدام کردند تا
شاید با دیدن صحنه فجیع جان کندن یک
انسان، بترسد و سربندی را از ننگ تجاوز
خلاص کند.

اما او زمانی از دروازه های ترس عبور کرده بود
که زیر شکنجه بازجویان و بازپرس قرار داشت،



شهدای فدایی آذر ماه

رفقای فدایی: اسدالله

بشردوست - پرویز

نصیر مسلم - ابوالقاسم

نیکچه همدانی - زهرا

آقانبی قلهکی - علیرضا

شهاب رضوی - علیرضا

بهری پور مزکوشی -

علی عبدالعلی زاده -

محمدرضا شهنواز -

غلامرضا کاروردیان

چایچی - ناهید ملک محمدی - حمیدرضا سعادت - مختار قلعه
ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود
روایی - محسن مدیر شانه چی - فریدون شافعی - ناهید محمدی
- محمدعلی پاپویار - حمید اشراق - توکل اسدیان - بیژن حوایی
- جلال پورجعفری آزاد، - خسرو دستاران - حسین غلامی -
محمد حسین معینی - پیام هنریار - کامیار کریمی - احمد
طهماسبی - مجتبی تابا - مسعود فرخی پور - هوشنگ کیانی -
مجتبی شادمان - ابوالقاسم اصفری صحت - عبدالکریم اجیرایی -
مسعود صرمی - رحیم تشکری - حسن زکی زاده - آذر لطیفی -
وحید پیروزی - همایون پریزاده - رشید قرنی حسنی - رحمت
طالب نژاد و..... به دست دژخیمان رژیمهای شاه و خمینی به
شهادت رسیدند.



زیر نور پروژکتور و دوربین تلویزیون دروغپرداز
حکومتی ایستاد اما هرگز به خواسته آنان تن
نداد. تحت فشار روانی چند روانشناس معروف و
مزدور حکومتی قرار گرفت اما حاضر به نوشتن
نامه ای که می خواستند نشد. ایستادگی و
استقامت در برابر زور، صفتی است که در هر
فرهنگی ستودنی است. از این روست که یک
جهان انسانیت، از مردم عادی تا سیاستمداران و
هنرمندان و ورزشکاران کشورهای مختلف پنج
قاره و حتی پاپ رهبر کاتولیکهای جهان، به
دفاع از او پرداخت. چند روز پس از اعدام
ظالمانه اش، شورای حقوق بشر سازمان ملل
متحد در ژنو، حکومت را وادار به پاسخگویی
کرد. اما بخش زیادی از سخنان نماینده
حکومت به دفاع از این اعدام ظالمانه اختصاص
یافته و بیش از پیش

بقیه در صفحه ۲۷